

# سن مسئولیت کیفری

## فصل اول: رویکردهای متفاوت نسبت به کودکان و

### حقوق و مسئولیت کیفری در عدالت نوجوانان

لیلا اسدی و جلوه جواهری

با همکاری شهرزاد آل داوود، عشاء مومنی و گلناز بهگو

**تغییر برای برابری (گروه سن مسئولیت کیفری):** عقاید مطرح در مورد کودکان، کودکی، حقوق و مسئولیت های آنها اساساً منطبق با روش هایی اند که طی آن جامعه بزرگسال معانی کودکی را تفسیر می کند، می سازد و بر اساس فرضیات مربوط به اهلیت های قانونی، حقوق قانونی خاصی را به آنها اعطاء یا از آنها دریغ می کند. بحث و گفتگو پیرامون موضوعات اصلی مربوط به تاریخ عدالت نوجوانان نیازمند یک مطالعه جامع است. در بررسی های تاریخی مشخص شد که دو دیدگاه مهم و کلاسیک **رفاه و عدالت** نظرات مختلف مربوط به مبانی اساسی برای فهم کودک، سن و مسئولیت کیفری کودکان را پایه ریزی کردند که منتهی به نقش های حقوقی و کیفری همراه با صلاحیت و مسئولیت های متنوعی نیز برای کودکان شده است. این قسمت دیدگاه ها و عناصری را مورد بررسی قرار می دهد که از یک سو تبیین کننده چالش ها و ابهامات اساسی پیش روی هر کشور و از سوی دیگر ایرادهای نهفته در هر دیدگاه است. متن حاضر ترجمه بخش هایی از کتابی است که اخیراً در همین زمینه با عنوان حقوق کودکان و حداقل سن مسئولیت کیفری به چاپ رسیده است.<sup>1</sup>

#### مفاهیم

#### سن مسئولیت کیفری

سن مسئولیت کیفری سنی است که طی آن، شخص به عنوان فردی شناخته می شود که قدرت تشخیص (قدرت تمایز خوب از بد) را دارد و بنابراین دارای مسئولیت برای اعمال کیفری اش است. این سن، سنی است که کودک طبق آن قادر به تخلف از حقوق کیفری شناخته می شود.

---

<sup>1</sup> Don Cipriani, Children's Rights and the Minimum Age of Criminal Responsibility, A Global Perspective, 2009, Ashgate Publishing Ltd.

موضوع سن و مسئولیت کیفری با دو مجموعه متمایز از یکدیگر مرتبطند: یکی سنی که در آن کودکان به نظر می رسد ظرفیت روانی ارتکاب یک جرم را دارند و دومی به سنی تعلق دارد که رسماً حکم مجازات و تعقیب برای این کودکان مختلف صادر می شود.

### **حداقل سن مسئولیت کیفری**

حداقل سن مسئولیت کیفری پایین ترین سن قانونی است که طی آن کودکان بالقوه از نظر کیفری برای جرایم مندرج در حقوق جزا در یک کشور، مسئول شناخته می شوند. ذکر این نکته مهم است که کودکان پایین تر از این سن، خود به خود در مورد جرایم مورد اتهام مقصر شناخته نمی شوند. به زبان ساده، حداقل سن مسئولیت کیفری آغاز احتمال مسئولیت کیفری برای اشخاص است. در حالی که باز هم قصور عینی برای جرایم اتهامی باید در یک دادگاه صالح تعیین شود. (دفتر منطقه ای آسیای جنوبی صندوق کودکان ملل متحد، ۲۰۰۵)

مفهوم سن مسئولیت کیفری منعکس کننده این ایده پذیرفته شده جهانی است که «ظرفیت ذهنی رشد کودکان روند آهسته ای دارد و سیستم عدالت کیفری محل نامناسبی برای مقابله با سوء رفتار در کودکان است».

تقریباً همه دادگاه های صالح در طول تاریخ به این مسئله اذعان داشته اند که حداقل سنی برای مجازات باید وجود داشته باشد و از همین رو مقررات کنوانسیون حقوق کودک نیز در این مورد صرفاً از همین تاریخچه تبعیت کرده است، سایر مقررات کنوانسیون، حقوقی از کودکان را به رسمیت می شناسد که ناشی از وضعیت آنها به عنوان صغار است.

### **سن بلوغ کیفری**

به طور خلاصه سن بلوغ کیفری پایین ترین سن قانونی مقرر است که طی آن کودکان می توانند به طور بالقوه مسئولیت کیفری درون یک سیستم کیفری بزرگسال را به دلیل تخلف از حقوق کیفری داشته باشند. این محدوده سنی به آغاز احتمالی صلاحیت دادگاه کیفری بزرگسال برمی گردد و کمیته حقوق کودک طبق مفاد کنوانسیون حقوق کودک توصیه کرده که همه سنین بلوغ کیفری به حداقل ۱۸ سال افزایش پیدا بکند. (دفتر منطقه ای آسیای جنوبی صندوق کودکان ملل متحد، ۲۰۰۵)

### **اماره عدم رشد**

آخرین دسته بندی سنی مربوط به حداقل سن مسئولیت کیفری در مقررات حقوقی موسوم به اماره عدم رشد طرح می شود که در قوانین کیفری تقریباً ۶۰ کشور یافت می شود. به طور کلی اماره عدم رشد در معنای لاتین آن به معنای ناتوانی در آسیب رساندن است که به یک فرض غیرقابل انکار بی گناهی کودکان بین دو سن خاص (به طور مثال ۷ و ۱۲ سال در هند) اشاره می کند. بین حداقل سن مسئولیت کیفری و محدوده سنی اماره عدم رشد بالاتر از آن، کودکان معمولاً فارغ از مسئولیت کیفری فرض

می شوند مگر آنکه دادگاه با ادله خاص ثابت کند که کودکی در پرونده مطرح شده به اندازه کافی بالغ برای مسئول شناخته شدن به لحاظ کیفری هست. اگر دادگاه اعمال یک کودک را به طور فردی ارزیابی کرده و فرض بی گناهی وی را رد کند، همچنان باید قصور عینی برای آن جرم اتهامی به اثبات برسد.

### رشد مدنی

به ملکه و حالت نفسانی شخصی اطلاق می شود که دارنده آن، توانایی تشخیص نفع و ضرر را دارد و تصرفات او در اموالش عقلایی است.

### حقوق، مسئولیت ها و ساختار های موازی در مورد کودکی

بسیاری از مفاهیم و برداشت های حقوقی حتی به طور اندک، در زندگی کودکان و خانواده های آنها نتایج بسیار واقعی را در بر داشته و دارد. در یک معنای موسع، حقوق نوع خاصی از توجیه ادعا یا طرح ادعا علیه کسی است که شناسایی وی همچنان که معتبر است، با برخی از مجموعه مقررات یا اصول اخلاقی حاکم نیز درخواست شده است. این گونه به رسمیت شناختن از یک سو هم توجیه کننده حقوق و هم تفکیک کننده آن از دیگر انواع دعاوی است.

فلاسفه اغلب، حقوق را به دو دسته **حقوق آزادی و حقوق حمایتی** تقسیم می کنند. حقوق آزادی بر امتیازهای مردم برای کنش آزاد همراه با طرح مسئولیت عدم مداخله برای دیگران تأکید می کند. به این معنا که هیچ محدودیتی بر این حقوق وجود ندارد. حقوق خاص مربوط به آزادی به طور مثال شامل حقوق مربوط به بیان آزاد، آزادی مذهب و حق رأی می شود. مطابق با ساختار هر جامعه ای، ممکن است کودکان ظرفیت های واجب و ضروری برای اجرای حقوق آزادی به نمایندگی از خود نداشته باشند البته نه به این معنا که کودکان خود به خود از حقوق شان محروم شده باشند اما این امر متضمن مسئولیت بزرگسالان برای کمک به کودکان در تعیین منافع مرتبط با این حقوق همینطور حقوق حمایتی آنهاست. در واقع حقوق حمایتی ادعاهایی هستند که سایر افراد در مقابل آنها وظیفه حفاظت از منافع مهم دارندگان حقوق را دارند. به عنوان نمونه حق بر آموزش، بهداشت و سلامت جسمی حقوق حمایتی هستند که به منافع بنیادین همه مردم اشاره می کند، دارندگان حقوق به این حقوق به عنوان حقوقی که توسط دیگران به نمایندگی از آنها و برای حمایت از منافع شان محقق شده، می نگرند. حقوق حمایتی در مقابل حقوق آزادی، می تواند در هر جایی که منافع اساسی افراد مطرح است، به وجود بیاید و همه کودکان بدون در نظر گرفتن توانایی برای اعمال حقوق شان می توانند برخوردار از آنها باشند.

دیدگاه اکثریت این است که کودکان از حقوق حمایتی برخوردارند اما ممکن است به اعمال حقوق آزادی برای خود بسته به ظرفیت آنها در این چارچوب قادر باشند یا نباشند. بنابراین اهلیت در گفتمان غالب حقوقی نقش محوری را به خود اختصاص می دهد. به طور کلی یک فرد بایستی اهلیت مرتبط با ادعای یک حق آزاد مسلم برای خویش را داشته باشد. اگرچه حمایت و آزادی هر دو بر حسب حقوق شکل گرفته اند. همچنین بین هر دو با اهلیت به عنوان یک نقطه محوری یک رابطه معکوس وجود دارد.

حقوق حمایتی با اهلیت کمتر در محور قرار می گیرد و حقوق آزادی در پیرامون آن قرار دارد. اما حقوق آزادی با اهلیت بیشتر، قلمرو بزرگتری را به خود اختصاص می دهد.

بنابراین در میان مسائل مطروحه در گفتمان حقوق، نقش اهلیت بسیار مناقشه برانگیز است. و از آنجایی که اهلیت جایگاه تعیین کننده ای در حقوق دارد، بی وقفه در تغییر عقاید مربوط به کودکان و دوران کودکی تأثیرگذار است. مهمتر اینکه مفهوم و معنای کودکی حتی اگر مربوط به واقعیت های طبیعی، بیولوژیک کودکان باشد، به خودی خود یک پدیده طبیعی و مسلم یا یک واقعیت علمی نیست. کودکی مفهومی است که با عقاید و انتظارات مربوط به افراد جوان و نقش آن ها در جوامع همراه است. همچنین معنای آن از نظر اجتماعی شکل گرفته و در طول همه زمان ها در طول و عرض فرهنگ ها متنوع است. در حالی که هیچ برداشت پذیرفته شده جهانی نیز در مورد آن وجود ندارد. پس برداشت های مختلف از کودکی، افراد را به فهم، تفسیر و تعیین موضوعات حقوق کودک از نقطه نظرهای متفاوت از جمله خلق هنجارها و استانداردهای حقوقی مربوط به کودکان علاقمند می سازد.

با توجه خاص به اهلیت، عقاید مشهور مربوط به اهلیت کودکان به حدو مرزهای مصرح سن قانونی تفسیر شده اند که مرزهای کودکی و بزرگسالی را مشخص می سازد. این ارتباط سن - اهلیت، فرایند پویای ساختارهای اجتماعی را تنها به محدوده های سنی ثابت کاهش می دهد و خود بر دشواری ارتباط میان اهلیت و حقوق می افزاید. وقتی حقوق محدوده سنی مشخصی را تجویز می کند، دال بر آغاز سن اهلیت قانونی در حوزه های خاصی هم است (به طور مثال برای اخذ تصمیمات پزشکی در مورد خود) بدون این که ایده ها و فرضیات مختلف توجیه کننده این سن، بدون مرزبندی آغاز آن، حقوق آزادی مشخصی را در نظر بگیرد. در این شرایط فرض می شود کودکان جوانتر نسبت به سن تجویز شده، از نظر قانونی فاقد اهلیت در این چارچوب هستند. این کودکان هنوز از حقوق حمایتی خود برای بهره مندی از منافع مرتبط با آنها و نه حقوق آزادی برای تأیید منافع آنها به نمایندگی از خود برخوردارند. بنابراین میزان توجیه و اثبات حقوق حمایتی در مقابل حقوق آزادی و مقدار کنترلی که بزرگسالان در تصمیم گیری و منافع حمایتی کودکان دارند، بر اساس تصاویر غالب از کودکان و اهلیت آنها به نحو موثری هنوز جای بحث دارد. پس اهلیت یک جنبه محوری در میان مفاهیم مربوط به معانی دوران کودکی است.

در بیشتر کشورها کودکان همچنان که محدودیت های سنی متوالی را پشت سر می گذارند، به تدریج حقوق آزادی خود را کسب می کنند که دال بر اهلیت حقوقی و مسئولیت در حوزه های مختلف است. نمونه های آن می تواند مشاوره های حقوقی و پزشکی بدون رضایت والدین، پایان دادن به آموزش اجباری، ازدواج، رضایت جنسی و حداقل سن مسئولیت کیفری باشد. به عنوان مثال آلمان مجموعه ای بیش از ۲۵ مورد برای محدوده های سنی وابسته به ۱۱ گروه سنی مختلف را گزارش داده است.

اساساً سن بلوغ در یک کشور سن پایان یا نزدیک به پایان محدودیت هاست، که در بیشتر جوامع حقوق و مسئولیت های دوران بزرگسالی را به همراه دارد. این دیدگاه به طور موسع در کنوانسیون آمریکایی حقوق کودک انعکاس یافته است. ماده ۱ این کنوانسیون ۱۸ سالگی را به عنوان سن کلی بلوغ طراحی کرده است و همه کودکان را به عنوان موجودات انسانی جوانتر از این سال تعریف می کند. با بررسی اطلاعات ارائه شده ذیل کنوانسیون حقوق کودک، مطمئن تر این است که بگوئیم محدوده های سنی

کودکان تنوع بسیار زیادی دارد که مرزهای سنی مشابه در میان کشورهای مختلف و هم مرزهای سنی متنوع در درون کشورها را در بر می گیرد. به نظر می رسد بخشی از هنجارهای بین المللی هم نتیجه طبیعی عوامل سیاسی، تاریخی، فرهنگی و ... است که در کشورها ساختار دوران کودکی را تغذیه و حد و مرزهای سنی را معین می کنند. اما در درون هر کدام از کشورها، اصل سازگاری نیز به شدت دلایل زیربنایی حد و مرزهای سنی متفاوت را شکل می دهد. علیرغم همه نوسان ها در حداقل سن اهلیت که برای حقوق آزادی ضروری دانسته شده است، با این حال این استدلال نمی تواند چندان درست باشد که کودکان در یک سن معین بالغ شده و در یک محدوده سنی مسئول شناخته می شوند با این که برای اعمال حقوق به نمایندگی از خود در حوزه دیگر آمادگی ندارند. در واقع محدودیت های سنی کاملاً متفاوت اغلب نشان می دهد که یک برداشت ناسازگار و ناموافق از کودکان و وضعیت حقوقی آنها وجود دارد. این امر به معنای تأکید بیشتر بر این موضوع است که حد و مرزهای سنی کودکان- علاوه بر مفاهیم صلاحیت نهفته در آنها و حقوق آزادی که مدخل و راهگشا هستند- به شدت وابسته به ساختارهای اجتماعی پرافت و خیز از کودکی و نه به خود کودکان هستند.

### دیدگاه رفاهی و تعلیق مسئولیت کیفری

مباحث طرح شده برخاسته از دیدگاه عدالت نوجوانان در واقع بحث های مربوط به حقوق، اهلیت و کودکان را انضمامی میکند. این اصطلاحات، در یک پیوستار مرکزی از دیدگاه رفاهی - که اساساً اهلیت و مسئولیت کیفری کودکان را نادیده می گیرد- اکنون به دیدگاه عدالت - که بر مسئولیت کیفری و اهلیت ادعایی کودکان مبتنی است- گرایش پیدا کرده است. مفهوم مدرن از یک سیستم عدالت نوجوانان همچنان که از عدالت کیفری بزرگسالان مجزاست با نوعی جهت گیری رفاهی قوی آغاز می شود در حالی که در دهه های اخیر تغییر جهت های آشکاری را به سمت و سوی مدل های عدالت در برداشته است. در این بخش ارزیابی تاریخی ما از دیدگاه رفاهی و تشکیل سیستمهای مدرن عدالت نوجوانان و سپس سیستم های رفاهی آغاز می شود تا موضوعات مرتبط را توضیح دهد.

### مبادی فرار مظنون و کمک

به طور کلی، عدالت نوجوانان مبادی خود را از قوانین اولیه مربوط به فقر، سیستم های عدالت کیفری، سیستم حمایت از کودک و دیگر عناصر می گیرد. همچنان که انگلستان به پایان دوره فنودالیت نزدیک می شد، مقامات قضائی در سال های ۱۵۰۰ و ۱۶۰۰ سیاست هایی را برای مقابله با فقر طراحی کردند. یکی از این سیاست ها به کودکان مربوط می شد که طی آن مقام قانونی اختیار داشت کودکان را از حضانت والدین بی بضاعت شان خارج کند و آنها را در مکان هایی به عنوان شاگرد و نوآموز نگهداری کند تا سن بلوغ آنها فرا برسد به این منظور که زمینه پرورش مناسب آنها تضمین شود. مدتی بعد، مستعمره های آمریکایی قوانین فقر انگلیس از جمله نقش مهمی که در آنها برای سیستم شاگردی اجباری شناخته شده بود، را وارد نظام های خود کردند. این قوانین اروپائی پس از آن در کشورهای شمال آمریکا نیز وارد شد. در سیستم شاگردی، کار کودک ابزاری برای جبران هزینه های مراقبت و آموزش تلقی می شد در حالی که کیفیت مراقبت ارائه شده هنوز مورد شک و تردید قرار داشت. سپس

انقلاب صنعتی ماهیت کار کودک، مراقبت و آموزش را تغییر داد. در ایالات متحده همانند سایر کشورها، اقتصاد خانواده محور و نقش کودکان در آن بی ارزش جلوه داده شد. بنابراین ایده های جدید در مورد موقعیت مناسب کودکان در خانواده و جامعه جای خود را باز کرد و نشأت گرفته از عقاید مربوط به پیش از دوران صنعتی در مورد کودکان یا بالغان کوچکی که در کار و زندگی خانوادگی وارد شده بودند، جامعه به طور فزاینده ای کودکان را به عنوان طبقه ای که هم بی گناه است و هم احساساتی و تحریک پذیر، مجزا از اطفال و بزرگسالان در نظر گرفت. اصلاح طلبان اجتماعی تلاش کردند تا از کودکان در برابر هر گونه تأثیرات دمدمی به خصوص در شرایط در حال توسعه مراکز صنعتی حمایت کنند. در حالی که این جنبش منتهی به توسعه های تاریخی مهمی مانند سیستم های آموزش عمومی و قوانین کار کودک شد، اما بسیاری استدلال می کنند که این جنبش خیرخواهانه مفروض، انگیزه وسیعتر کنترل اجتماعی را بر کودکان شهری فقیر، خانواده های اقلیت و مهاجر را در خود مخفی کرده بود.

تا سال های ۱۸۰۰ ایالات متحده؛ بر حسب سیاست های اجتماعی طراحی شده در مورد فقرا، بر مراکز کاری، موسسات خیریه و نوانخانه ها، به عنوان مراکزی برای نهادینه کردن فقر و استفاده از ماحصل کار فقرا بیشتر تمرکز کرد و این مراکز بزرگسال محور، به عنوان مکان هایی نا امن برای کودکان به رسمیت شناخته شدند. در همین زمان خانواده های بالاجبار گسیخته شده و کارآموزی کودکان همچنان ادامه داشت و نهادهای موقوفه برای کودکان افزایش یافته بود تا این رویه ها را در پیش بگیرد. خانه های پناهنده، دارالتأدیب ها و مراکز آموزشی حضانت فرزندان فقیر و مسئولیت آموزش، تربیت و آموزش حرفه ای آنها را بر عهده گرفته بودند. کودکان بزهکار نیز در این مراکز پذیرفته می شدند اما تعداد آنها در اقلیت بود. مهمتر این که تعریف والدین فقیر یا نامناسب - که فرزندان از آنها گرفته می شدند - همزمان با عقاید اصلاح طلبان در مورد محیط هایی که کودکان را در خطر قرار می دهند، نیز بسط و توسعه یافته بود.

در این شرایط اصلاح طلبان توجیه حقوقی جدیدی را برای مداخله یافتند. اول از همه این که در این زمان و شرایط مفهوم (فقدان اهلیت)<sup>۱</sup> اهمیت خاصی یافت. رویه قضایی فقدان اهلیت، از زمان دادگاه های chancery دوران فتودالیت به نوعی تکامل رسیده بود - این دادگاه ها متشکل از یک هیئت اداری از سوی پادشاه بود و دکتترین جدید به طور کلی اقتدار دولت را به جای والدین برای حل و فصل پرونده های موردی که اغلب حاوی مشکلاتی در ارتباط با اموال یا سرپرستی فرزندان بود اهمیت بخشید اما هرگز در حقوق کیفری برای کودکان بزهکار مداخله ای صورت نگرفت. در سال های ۱۸۰۰ برای اولین بار، مفهوم فقدان اهلیت به درون شاخه ای از حقوق فقرا راه یافت که توجیهی برای دولت به عنوان سرپرست قطعی کودکان گردید. بر این اساس دولت می تواند مستقیماً کنترل والدین یا سرپرستهای قانونی را بر عهده داشته باشد که قادر یا مایل به سرپرستی نباشند، تا بتواند مراقبت های قابل قبولی را برای کودکان فراهم سازد. در اواخر سال های ۱۸۰۰ نیز تئوری جرم شناسی و حقوقی پوزیتیویستی مقبولیت یافت که تمرکز این تئوری در حقوق کیفری بر خصایص انسانی و تأثیرات آن بر حقوق است. در این دیدگاه منشاء جرم در فاکتورهای بیولوژیک، اجتماعی، زیست محیطی و ... نهفته است نه در انتخاب افراد برای شکستن قانون. لذا به جای این که

<sup>۱</sup> دکتترینی که به دولت قدرت می دهد تا برای حمایت از اشخاصی که قادر به عمل به نمایندگی از خود نیستند، مداخله کند.

بررسی شود جرائم عینا ارتکاب یافته اند و توجه صرفا به سمت مجرمین باشد، شخصیت های مجرمان و نیازهای آنها برای بازتوانی مورد توجه قرار گرفت.

به طور خلاصه اصلاح طلبها، تا اواخر سال های ۱۸۰۰ به دیدگاه موسع خود در مورد کودکان نیازمند حمایت دولت، تاریخچه مفصلی از قوانین فقرا در ارتباط با مداخله در زندگی های خانوادگی، یک مفهوم اصلاح شده درباره فقدان اهلیت برای توجیه مداخلات وسیعتر و همینطور یک چارچوب تئوریک پوزیتیویستی مجهز بودند. آنها تلاش کردند تا سیستم مجزایی برای جدا کردن کودکان از سیستم عدالت کیفری بزرگسالان ایجاد کنند: سیستم قیم مأبانه ای که مبتنی بر مداخلات فردی قضات باشد. غلبه این دیدگاه و سایر عناصر به ایجاد اولین دادگاه های جهانی نوجوانان و پیشرفت عدالت نوجوانان به عنوان یک نهاد حقوقی جدید در شیکاگو، ایلینوس در سال ۱۸۹۹ انجامید. همچنان که بسیاری از بخش های این دیدگاه قبلا از نظر بین المللی در ارتباط با سیستم های اصلاحی نوجوانان و حمایت از کودک، اثبات گرایی حقوقی و.. پذیرفته شده بودند، سیستم های عدالت نوجوانان به سرعت در سراسر ایالات متحده، کانادا و اروپا گسترش یافت و موجب قانون گذاریهای جدیدی برای انجام این مأموریت گردید. این قوانین ابتدائا از اروپا آغاز شد، به دادگاه های نوجوانان به آمریکای لاتین گسترش یافت و بسیاری از مستعمرات اروپایی هم در سراسر جهان دست به تشکیل چنین دادگاه هایی زدند. با این حال مقدر نشده بود، تا عدالت نوجوانان از خط سیر تاریخی خود تبعیت کند.

اسناد تاریخی نشان می دهد که چطور لغو برده داری در ایالات متحده در اواخر سال های ۱۸۰۰ منجر به گفتمان های عمیقی در مورد حقوق کودکان گردید که به دقت تعادل میان حقوق آزادی و حقوق حمایتی را در نظر داشت. اصلاحات اجتماعی ابتدائا ضمانت های قانونی را در پرونده های اداری در نظر داشتند اما به سرعت فهم آنها از حقوق به نیازهای کودکان و حقوق حمایتی و تعهدات دولت برای تضمین این حقوق معطوف شد. در این میان آنچه که می تواند نقطه شروع بسیار متفاوتی برای عدالت نوجوانان تلقی شود، بازگشت دوباره به دیدگاه کلاسیک رفاه با تمرکز کمتر بر حقوق دادرسی بود. به علاوه سیستم های عدالت نوجوانان از زمان آغاز خود به تدریج تکامل یافتند و تا حال حاضر در عمل ساختارها، قواعد و هویت های نهادینی را تنظیم کردند تا چالش های محلی را پاسخ گویند- همانند چالش هایی که سیستم های دیدگاه رفاهی می توانست پیش روی خود داشته باشد.

در این دوره اگرچه مدل های خاصی گسترش یافتند، اما توجیهات اصلی و ویژگی های آن کاملا در سراسر کشورها با دلایل مهم مسئولیت کیفری شبیه هم بود. **فرض فقدان اهلیت این است که کودکان به جای این که به عنوان مجرمین محاکمه و مجازات شوند، از سوی دولت مورد حمایت قرار بگیرند. به این معنی که نیازی نیست تا مشخص شود آیا کودک ظرفیت عمل به شیوه یک فرد خاطی را دارد یا خیر.** مفاهیم متعدد مربوط به اهلیت و مسئولیت کیفری و حداقل سن مسئولیت کیفری اساسا با دیدگاه رفاهی نامربوطند همچنان که در ابتدا در سیستم های عدالت نوجوانان هم جاری بود. در این شرایط عدم بلوغ کودک و همزمان با آن فقدان مسئولیت کیفری او، تنها نیاز به مداخله را آشکار می سازد. لذا

این موضوعات زیربنایی فرایندهای قانونی را به موضوعات مدنی تبدیل کردند و تعهدات حقوق کیفری، کشف حقایق، فرایندهای قانونی مربوط به اثبات تقصیر متهم و دفاعیات کیفری به نحو گسترده ای رد شدند.

در چنین سیستم هایی کودک بدون حقوق آزادی یا قدرت یک مفعول است و نماینده وی مقامات دولتی هستند که تصمیمات خیرخواهانه را برای کودک می گیرند، اگرچه تلاش های موردی برای وارد کردن کودکان به جلسات دادگاه، مشارکت فعال آنها یا حتی توانائی برای فهم فرایندهای قانونی هم وجود داشت. در مقابل در همه نظرات، صلاحدید تصمیم گیرندگان حتی الامکان این بود که به آنها اجازه داده شود تا نیازهای مفروض کودکان را در نظر بگیرند. در همین زمان مسائل ساختاری به خصوص مشکلاتی که از رشد سرمایه داری صنعتی نشأت می گرفت، نادیده گرفته می شد.

تفکر نهفته در قانون حمایت کودک بلژیک در سال ۱۹۱۲ به مدلی برای قانون گذاری در بسیاری از کشورها تبدیل شد که بیشتر فرضیات مرتبط، همینطور نتایج عملی را توجیه می کرد. فرض قانون این بود که کودکان بدون قوه تشخیص عمل کرده اند و قصد نداشته اند تا عدم توانائی خود را برای تمیز و تشخیص نشان دهند؛ وقتی این تشخیص با تعیین بهترین رفتار برای کودک نامرتب بوده است. این امر دولت ها را قادر می سازد تا حداقل سن مسئولیت کیفری کودک را به عنوان یک مسئله مربوط به سیاست گذاری اجتماعی و از لحاظ نظری رفتار با نوجوانان را کمتر به عنوان مجرمان و بیشتر به عنوان کودکان نیازمند به خدمات تنظیم کنند. در این دیدگاه، کشورها حداقل سن مسئولیت کیفری را فراتر از سن هایی تنظیم کرده اند که کودکان در آنها معمولاً قادر به بر عهده گرفتن مسئولیت تلقی می شوند.

سیستم عدالت نوجوانان بلژیک تا حد زیادی هنوز مبتنی بر همین قانون حمایت از کودک است و نقش محوری را به واکنش های دیدگاه رفاهی می دهد. با این حال انتقادات مهمی در طول دهه های اخیر طرح شد که به ارائه یک اظهارنظر رسمی از دیدگاه عدالت و اجزای حقوق کیفری منتهی گردید. به عنوان مثال انتقادات این بود که مراقبت های غیر جزایی، حضانتی، پیشگیرانه و اقدامات آموزشی واکنش های تعزیری موثر را بدون در نظر گرفتن ضمانت های قانونی در خود دارند.

در آمریکای لاتین مدل مشابهی ملهم از دکتترین سابق وضعیت بی قاعده *situation irregular* طرح شد که چنین مسائل و سوء استفاده هایی را به طور وسیع نشان داد. قانون *Agote* مصوب سال ۱۹۱۹ آرژانتین – که در سال ۲۰۰۵ منسوخ شد – اولین قانون و مدل حقوقی مبتنی بر همین دکتترین وضعیت بی قاعده بود، سایر کشورهای آمریکای لاتین نیز همین دکتترین را در طول ۲۰ سال از زمان تصویب آن در قوانین خود وارد کردند. اساساً این دکتترین به یک دسته بندی موسع و مبهم از کودکان در یک وضعیت بی قاعده اشاره می کند که نیاز به مداخله و کمک دولت دارد. این دکتترین در واقع اجرای مستقیم و موسعی دیدگاه رفاه به صورت افراطی بود: اقدام دولت – از لحاظ نظری با اقدامات رفاهی مراقبتی و حمایتی – برای کمک به همه کودکان ضروری است.



و در عمل قضات برای کودکان مجازات های نامشخصی در نهادهای اصلاحی نوجوانان صادر می کردند که تقریباً با هیچ نوع حق، حمایت یا درمانی همراه نبود و حمایت دولت از منافع کودک به طور متناقضی تمام عرصه ها را در بر می گرفت. این دکتترین فرض را بر عدم اهلیت کودک برای ارتکاب جرم، و همینطور عدم مسئولیت کیفری می گذاشت و حداقل سن مسئولیت کیفری از نظر فنی تعلیق می شد تا زمانی که با آغاز صلاحیت دادگاه کیفری بزرگسالان مقارن شود. سنگ بنای این صلاحیت گسترده برای درنظر گرفتن نیازهای کودکان از نظر تاریخی، الگوی تبعیض بر اساس وضعیت اجتماعی، اقتصادی و نژادی بود- که بسیاری از سنگینی های بار مسئولیت را بر دوش کودکان از طبقات اجتماعی پائین تر قرار می داد.

## مسئولیت کیفری و دیدگاه عدالت

صرفنظر از گرایش های اخیر در بلژیک، آمریکای لاتین و سایر کشورها، حمایت از دیدگاه رفاهی کاملاً در اواسط سال های ۱۹۰۰ رو به تضعیف نهاد و مقبولیت این مدل با ۳ تصمیم دیوان عالی ایالات متحده در بین سال های ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ از میان رفت. تصمیمات دیوان عالی آمریکا عدالت مبتنی بر رفاه نوجوانان را مجدداً مورد ارزیابی قرار داد و اصلاحات قانونی در سراسر نقاط جهان را پیشنهاد کرد که به سمت و سوی دیدگاه عدالت بود و مسئولیت کیفری را در کانون عدالت نوجوانان قرار داد.

به خصوص با تغییر شرایط اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم و سرخوردگی های بیشتر نسبت به مبانی دیدگاه رفاهی، اثبات گرایی به طور کلی با انتقاداتی به دلیل فقدان شفافیت میان دو هدف متناقض با هم مواجه شد: آیا بازتوانی واقعاً منافع مجرمان را در نظر دارد یا آنها را به منظور حمایت از جامعه، ایزوله و طرد می کند؟ و در سطح سیاسی، شکایت هایی علیه سیستم عدالت نوجوانان طرح شد: کنترل اجتماعی ناخواسته، صلاحیت گسترده ای را در خود دارد که منجر به رفتار نابرابر با مجرمین و فقدان مجازات های مصرح و مشخص می شود. در همین زمان تقریباً هر نوع مداخله ای برچسب توانبخشی می خورد و تا اوایل دهه ۱۹۷۰ یافته های تحقیقی نشان داد این رفتارها تأثیر بسیار کمی داشته اند. همچنان که همه این اعتراض ها همراه با هم در درون یک انتقاد گسترده نسبت به عدالت نوجوانان رفاه محور متحد می شدند، آرای دیوان عالی ایالات متحده به شدت پیشرفت حقوق دادرسی را تحت تأثیر خود قرار داد و پس از استدلال های حقوقی در تصمیمات کلیدی دهه ۱۹۵۰، دیوان عالی تفاسیر خود را از آزادی های فردی و محدودیت های قدرت دولت در عدالت کیفری توسعه داد.

گسترش این مباحث در پرونده kent v. United States در سال ۱۹۶۷ و در پرونده دیگری در سال ۱۹۷۰ تبلور یافت که به موجب آن دیوان عالی ایالات متحده فرضیات بسیاری را در مورد مدل رفاه و مفهوم قابلیت کیفری که رسماً در محور فرایندهای قانونی مربوط به نوجوانان جای گرفته بود، را رد کرد. اساساً دیوان عالی ایالات متحده رفتار و شرایط را در عدالت نوجوانان ارزیابی کرد و دریافت هر رویه قانونی که بتواند منتهی به ترتیبات مشابهی شود، مستلزم ضمانت های حداقلی برای یک محاکمه عادلانه است. لفاظی های دیدگاه رفاه و منطق فقدان اهلیت چنین رفتاری را نمی تواند توجیه کند و یقیناً مبنایی را برای این دعاوی که دولت به عنوان یک والد خیرخواه عمل می کند، را ارائه نماید. در این شرایط صلاحیت قاضی محدود به عدالت نوجوانان با توسل به دیدگاه رفاهی در ایالات متحده است که حوزه تصمیم گیری موسعی را برای رفتار با کودک در بر دارد.

بسیاری از انتقاداتی که در تضعیف دیدگاه رفاهی نقش داشتند، در کاهش رویکرد پوزیتیویسم نیز نقش بازی کردند و موجب شدند که مباحث به سمت وسوی تئوری حقوق کیفری چرخش یابد. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ نظر کلی و اجماعی از تجدید اصول حقوق کیفری کلاسیک به خصوص با ترک یا تئوری ترک های عادلانه را حمایت کردند. این تئوری با وام گرفتن از فلسفه اخلاق، بیان می کند که افراد باید با مجازات متناسب با اعمال ارتکاب شده از سوی آنها و تا حدی که به خاطر این اعمال مسئولیت دارند، مواجه شوند. مباحث محوری جرائم عینی ارتکاب یافته، ادله اثبات و حمایت های قانونی، مجازات های تعیین شده متناسب با شدت اعمال ارتكابی، در واقع دارای نقش محوری و اساسی درباره انصاف و عدالت بودند. با این حال همچنان که بعداً هم بحث می شود، سازوکارهای حمایت های قانونی، ادله اثبات را برای مجازات های تعزیری و جزایی تغذیه می کند.

با این تصمیم تاریخی دیوان عالی ایالات متحده، قانون جدید می توانست حقوق قانونی را برای کودکان فراهم می سازد؛ گام تعیین کننده ای از دیدگاه رفاه به سمت دیدگاه عدالت در عدالت برای نوجوانان برداشته شد. مبانی دیدگاه عدالت، پاسخگویی، قانون مندی و مجازات و دادرسی نوجوانان هماهنگ با تغییرات گسترده ای طرح شد که بیشتر مکمل سیستم عدالت کیفری است تا سیستم رفاه و حمایت کودک. در اثبات اتهامات علیه خواننده، هنگام اثبات جرم و پاسخگویی شخصی مجرمین در برابر اعمال خود، دادگاه ها اساساً به رویه های قانونی رسمی و اغلب با وکلای مدافع و دادستان، رأی می دهند. در این شرایط کمتر بر درمان و حمایت تمرکز می شود و مداخله کیفری محور قرار می گیرد. این ویژگی مخصوصاً برای گرایش های تلافی جویانه در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در ایالات متحده، آمریکا و بعداً در اروپا مصداق پیدا کرد.

### مسئولیت کیفری و اخلاقی، حقوق آزادی و حداقل سن مسئولیت کیفری

همانطور که ذکر شد، تئوری ترک (desert theory) و دیدگاه عدالت در مسئولیت کیفری، افراد را در محور همه ملاحظات قرار می دهد. سیستم های حقوقی مرتبط از مفهوم کنشگران اخلاقی استفاده می کنند- به زبان ساده افرادی که از نظر اخلاقی مسئول اعمال خود شناخته می شوند- و مسئولیت کیفری را به افرادی محدود می کنند که در قالب این تعریف قرار می گیرند. این سیستم ها کنش انسان را به عنوان اقدام تحت حاکمیت عقل در نظر می گیرند با این فرض که افراد قادر به حداقلی از تعقل هستند و مطابق همان عمل می کنند. همینطور این نگرش درمی یابد که مردم درجات مناسبی از اختیار، ملاحظه و کنترل اقدامات و انتخاب های خود را دارند و فرض بر این است که افراد مطابق با اراده آزاد خود عمل می کنند.

این فرضیات برای کودکان جوانتر از یک حداقل سن مسئولیت کیفری کنار گذاشته شدند و فرض مسلم و محرز این است که این کودکان دارای این ظرفیت های خاص تا درجه کافی نیستند. مثل این که آنها نمی توانند هرگز مسئولیت کیفری را به دوش بگیرند. در دیگر موارد کسی که فرض می شود ظرفیت پیروی از قانون را دارد، از انتخاب ها و کنش های آزادانه مستقل تبعیت می کند. در فقدان چنین شرایطی، بر مبنای استدلال هایی که وی نمی توانسته دارای آن باشد یا نمی توانسته آنها را انجام دهد یا انتخاب واقعی نداشته است اخلاقاً اشتباه است که از نظر کیفری کسی را مسئول بدانیم.

تا اینجا ویژگی های اساسی مسئولیت کیفری موسعا مقارن با مرزهای کنشگری اخلاقی و مسئولیت است اگرچه، ویژگی های مذکور از نظر ربط مستقیم با مفاهیم زیربنایی حقوق دارای اهمیت خاصی است. تنها کسانی که دارای ظرفیت برای استقلال و انتخاب هستند یا حق تعیین سرنوشت - دارند می توانند حقوق آزادی خاصی را دارا باشند و به اجرا درآورند. وقتی ظرفیت ها در یک چارچوب مسلم ناکافی باشد کودکان هوز برخوردار از حق بر حمایت از منافع شان از سوی دیگران هستند. وقتی اهلیت های زیربنایی برای حقوق آزادی موجود باشد، هم این حقوق و هم مسئولیت های پیوسته با آن فراهم می شود. دعاوی توجیه شده حقوق آزادی - احترام و حمایت از انتخاب های افراد دارای اهلیت - ضرورتا مسئولیت را برای انتخاب ها و اعمالی به دنبال دارد که به انتخاب آن افراد بازمی گردد.

همینطور در این شرایط مسئولیت کیفری و اخلاقی یک اتفاق نیست. بحث های موازی اجمالی نیز میان ظرفیت های لازم برای حقوق آزادی و ظرفیت های ضروری برای کنش گری اخلاقی وجود دارد. در واقع وقتی سطح آستانه قابل قبول ظرفیت ها پر می شود، مسئولیت، مسئولیت اخلاقی و حتی کیفری نیز می تواند اساسا به دنبال بیاید. بنابراین وقتی فردی در برابر اعمالش از نظر کیفری مسئول شناخته می شود، جامعه خبیث بودن اخلاقی اعمال وی را با مکانیزم های عدالت کیفری استنباط می کند - و این فرض به تحقق می پیوندد که شخص در واقع از نظر اخلاقی مسئول اعمال خویش است.

در نتیجه سیستم های حقوقی متأثر از دیدگاه عدالت با وظیفه ارزیابی اهلیت های اخلاقی هنجاری کودکان و بررسی یک سطح سنی همانند نقطه آغاز پتانسیل مسئولیت کیفری شان مواجهند. موضوعی که با تعیین یک محدوده سنی مطابق با مفاهیم کودکی و اهلیت، عینیت می یابد. فرض می شود که کودکان دارای یک سن مشخص و بالاتر از آن - به عنوان یک طبقه کلی و به عنوان یک وضعیت حقوقی - ویژگی های لازم برای اقدام عمدی را می توانند داشته باشند و می توانند مسئولیت کیفری اعمالشان را بر دوش بگیرند. اما قبل از این که مسئولیت کیفری تأیید شود، یک محکمه حقوقی بایستی تعیین کند که آیا کودک تعدا مرتکب یک جرم مسلم شده است یا خیر. سن بلوغ و فاکتورهای مرتبط با آن می توانند متعاقبا به عنوان فاکتورهای تخفیف دهنده برای درجه مسئولیت کیفری و مجازات های تحمیل شده بر آن دوباره مورد ارزیابی قرار بگیرند.

در پرتو این مسائل، ویژگیهای محوری دیدگاه عدالت از وضوح بیشتری برخوردار می شود، این دیدگاه احترام بنیادین و نگرانی برای آزادی، استقلال و فرد را متعهد می شود که تمایل به حمایت از حقوق بشر و حقوق کودکان را دارد. تعدی دولت به زندگی افراد و کنترل اجتماعی از طریق مکانیزم های عدالت کیفری تنها تا جایی مجاز است که واکنش مناسبی برای انتخاب های آزادانه افراد باشد. وقتی مردم توانایی یا فرصت کنش آزاد را ندارند، مجازات های کیفری نمی تواند به اجرا درآید.

همچنین مسئولیت کیفری برای مشروعیت اخلاقی سیستم عدالت کیفری و نوجوانان اساسی است. بار مسئولیت کیفری بالقوه وارجاع به فرایندهای قانونی کیفری، مقرر کردن حقوق خاص را تا حدی برای تضمین مشروعیت در نظر دارد. در این معنا حداقل سن مسئولیت کیفری به یک مبنای مهم برای حقوق کودکان در فرایندهای کیفری تبدیل می شود. همانند بزرگسالان، مسئولیت بالقوه کودکان توانایی دولت را برای مداخله در زندگی های آنها محدود می کند. هنگامی که مسئولیت کودکان به نظر بی ربط

می رسد یا وقتی کودکان فرض می شوند که مبری از این مسئولیت هستند، حوزه صلاحدید موسعی در اختیار دولت قرار می گیرد. کودکان جوانتر از حداقل سن مسئولیت کیفری از مجموعه های مهمی از حقوق و ملاحظات برخوردارند اما حقوق موجود برای کودکانی که بر اساس حداقل سن مسئولیت کیفری متهم شده اند، علیه آنها ادعا شده و یا به عنوان متخطی از قانون مجازات شناخته شده اند، وسیعتر و بیشتر چارچوب محور است.

### اخلاق طعمه و تغییر موضع<sup>۱</sup> و تسکین وجدان اجتماعی

علیرغم نقاط قوت دیدگاه عدالت، ابهاماتی نیز در آن وجود دارد و به فراخور این بحث، انتقاد اساسی این است که اتکای لفظ پردازانه به اراده آزاد و فرض این که کنش افراد بر اساس اراده آزاد آنهاست بیشتر به یک افسانه شبیه است تا واقعیت. بیشتر فلاسفه می پذیرند که تصور نمونه های انتخاب هایی که آزاد نیستند و این که مفهوم اراده آزاد تا سطوحی ناسازگار باقی می ماند، شاید آسان باشد. در حالی که احترام بنیادین برای افراد و انتخاب های آنها همچنان ارزشمندند، ممکن است این ادعا ساده انگارانه باشد که افراد دقیقاً بر اساس نیت و اراده خود، تصمیم می گیرند و عمل می کنند. چنین ادعاهایی فاکتورهای نادیده می گیرد که می توانند انتخاب های موجود افراد را محدود کرده و آنها را به تصمیمات خاصی راغب کنند. براساس چنین استدلال هایی حقوق نمی تواند به طور موثر یا مناسب به چنین مواردی که در مکانیزم های حقوقی تأثیر گذارند - و حتی شاید قابل شمارش هم نباشند - توجه کند.

عقیده اراده آزاد در ارتباط با کنش در سیستم حقوقی تنها بیان واقعیت نیست بلکه بیشتر ارزش اولویت داری است که ارتباط کمی با متافیزیک مقدر یا اراده آزاد دارد... خیلی ساده است، حقوق رفتار انسان را به عنوان موجود مستقل و دارای اراده تلقی می کند به این دلیل که این موجود مستقل مطلوب است اگر باشد.<sup>۲</sup>

حتی در میان محققانی که تنها از محدودترین بهانه های فرار از مسئولیت کیفری حمایت می کنند، این اذعان و تصدیق وجود دارد که حقوق بر مبنای یک تصویر متقاعد کننده از اراده آزاد، فارغ از اندیشیدن به ضرورت است و نمی تواند به اجرا درآید اگر از این افسانه جدا نشود.

چطور حقوق کیفری که پریشان چنین افسانه ای است، به سرعت به سوی تفاوت های میان اخلاق و مسئولیت کیفری حرکت می کند. در واقع سیستم قانونی فرایندهای خود را در تعیین آستانه مسئولیت کیفری تحمیل می کند و به نحو موثری تحقیق در مورد مسئولیت اخلاقی را بی یال و کوپال باقی می گذارد و مفهوم پذیرفته شده از خود مسئولیت اخلاقی را معیوب می سازد. به عنوان مثال در نسخه برداری از یکی از مباحث مسئولیت اخلاقی کامن لاو، آستانه شناختی نازلی را به کار می گیرد - آگاهی نسبت به درست از نادرست - تا قصور کیفری را اثبات کند. استنادی که تنها مستلزم فهم عقلانی حداقلی است. در حالی که یک تحقیق اخلاقی می تواند در جستجوی فهم این موضوع برآید که چقدر شرایط می تواند به این مسئولیت مرتبط باشند و چارچوبی

---

<sup>۱</sup> - Morality bait and switch

<sup>۲</sup> Packer, Herbert, L., The Limits of The Criminal Sanction, Stanford, Stanford University Press, 1976, at 74-75

را برای یک اقدام مسلم فراهم سازند. حقوق کیفری کلاسیک قویا این چارچوب را نادیده می گیرد. حقوق نمی تواند به سادگی ذهنیت، روانشناسی و ملاحظاتی که اثبات آنها دشوار است را مورد تصدیق قرار دهد. حقوق مسئولیت اخلاقی و اراده آزاد را به سهولت به اصطلاحات آسان قابل مدیریت برای دادگاه ها ساده می کند.

این ملاحظات به خصوص در ارتباط با کودکان مصداق پیدا می کند. در دیدگاه عدالت حقوق کیفری به دنبال متقاعد شدن، جستجو و پذیرش آگاهی مربوط به کودکان در روش های بسیار محدود است. وقتی حقوق کیفری ظاهر می شود تا تحقیقات خود را گسترش دهد، به طور مثال در ملاحظه دیدگاه های علمی روانشناسی- اجتماعی و پزشکی، می تواند تنها تا حدی یک اجرای شکلی باشد. این امر اقتدار موسع و مشروع برای متقاعد شدن به نیازهای منطقی حقوق را نشان می دهد. در مقابل اهلیت اخلاقی کودکان و کنش گری اخلاقی و مسئولیت آنها - با روابط با مردمی که اطراف آنها هستند به مرور توسعه یافته است. در حالی که بسیاری از فاکتورها در فهم آنچه کودکان تصمیم می گیرند و عمل آزادانه آنها به عنوان افراد مهم است، یک دیدگاه عدالت مضیق می تواند اهمیت این فاکتورها را کاهش دهد یا آنها را تماما نادیده بگیرد.

البته تکیه بر فرض افسانه برای دیدگاه عدالت در سطوح متعدد بسیار دردسرآفرین است. اساسا این فرضیه، بخش هایی را از دیدگاه - احترام به استقلال و انتخاب های افراد متزلزل می سازد:

ما کرامت افرادی را که از ظرفیت انتخاب مسئولانه اخلاقی را صرفا با تظاهر به سیستم قضایی افزایش نمی دهیم. این موضوع نوعی عقب گرد به این تصویر است که یک سیستم قضائی کرامت را با تشریح نادرست مسئولیت اخلاقی برای هر گروه از اشخاص ترویج می کند.<sup>1</sup>

یک سیستم حقوقی عادلانه - همانطور که در لفاظی مشابه منتهی به دیدگاه عدالت و تثبیت آن تعریف شده - مقرر می کند که مردم باید به درستی آزاد باشند اگر، مسئول شناخته می شوند.

در اصطلاحات عملی، فرایندهای قانونی کیفری که این ناسازگاری ها را در خود جای داده اند، قویا کنترل اجتماعی و مجازات را توجیه می کنند. در برداشت افراطی از این دیدگاه نوعی طعمه گذاری و سپس تغییر موضع علنی می شود. حقوق مدعی این است که تنها فرد وقتی از نظر اخلاقی مسئول است، مسئول شناخته و مجازات می شود و اتهام کیفری و مجازات نیز همین محکومیت اخلاقی را نشان می دهد. در این شیوه حقوق کیفری همزمان مسئولیت اخلاقی و مجازات را برای گروهی که محرومترین افراد هستند - مسئولیتی در قبال شرایطی که آنها را به سمت ارتکاب جرم سوق داده است، ندارند - طرح می کند. در حالی که از به رسمیت شناختن تناقض های موجود در برداشت اخلاقی برای انجام این کار امتناع می ورزد. بدیهی است که دولت در حفظ نظم اجتماعی می کوشد و دادگاه های کیفری عرصه تهیدستی برای قضاوت های مناسب در ارتباط با مسئولیت اخلاقی هستند.

---

<sup>1</sup> Wright, James Q., Moral Judgment: Does the Abuse Excuse Threaten Our Legal System?, New York, BasicBooks, 1997, at 51.

موضوعات حقوقی عموم را قادر می سازد تا نيات خود را در عمل آزادانه فردی نشان دهند، بر نقش افراد در جرم تمرکز کنند و خود بگویند که فرد مجازات شده اخلاقاً به دلایل اقدامات خود مسئول است و تنها آن چیزی را دریافت می کند که مستحق آن است.

عدالت واقعی برای کودکان - اخلاقی و نه تنها به طور مضیق عدالت حقوقی - بایستی مطمئناً مبتنی بر نگرانی های مربوط به آثار نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و بی عدالتی ها باشد همانطور که نگران قواعد و استانداردهای تنظیم شده توسط حقوق کیفری نیز هست. چنان که در بخش قبل هم ذکر شد موسسان دادگاه نوجوانان، نیز منحصر بر مسائل کودکان و خانواده های آنها تمرکز دارند به جای این که مسائل ساختاری زیربنایی را ارزیابی کنند یا مورد توجه قرار دهند. با این حال دیدگاه رفاه از هرگونه محکومیت اخلاقی که به موجب آن دیدگاه عدالت یکی از مهمترین تأثیرات خود را در این محکومیت به جای می گذارد، اجتناب می ورزد.

ادعاهای مربوط به معانی و کاربردهای مسئولیت کیفری و اخلاقی زیادند. بنابراین جای تعجب نیست که این ادعاها با ساختارهای اجتماعی در تعریف معنای کودکی، درهم پیچیده باشند. قدرت سیاسی و مبارزه ایدئولوژیک و این که چگونه مسئولیت قویا طراحی شده، بر چنین تنش هایی سایه می افکند. در این شرایط دولت می پذیرد که کنترل مشروع بر دیگران را با گروهی که مسئولیت را تعریف می کنند، اعمال کند.

حداقل سن مسئولیت کیفری دیدگاه عدالت بر واقعیت مبتنی بر کنشگری و مسئولیت اخلاقی هنجاری بنا نشده است. ارتباط نیروهای قدرتمند مداخله کننده در ساختار اجتماعی، با استانداردهای حقوق کیفری در مورد مسئولیت کیفری را به کنار می گذارند که می توان گفت به نوعی بر فرضیات افسانه اراده آزاد تکیه زده اند. قانون گذاران به شدت عقاید مربوط به ظرفیت های کودکان و انتظارات جامعه از مسئولیت کیفری اعمال آنها را در یک سن، در یک نقطه زمانی، در یک چارچوب فرهنگی، سیاسی، اجتماعی خاص فشرده کرده اند و دولت می تواند اولین تحمیل کننده مشروع مجازات های کیفری - بر حسب اصطلاحات حقوقی - علیه آنها باشد.

## نتیجه گیری

برداشت های جوامع از کودکی از طبیعت ذاتی خود کودکان نشأت نمی گیرد. درست بالعکس، کودکی مفهوم ساخته شده ای است که به شدت مناقشه برانگیز و مستلزم ارزیابی در هر شرایط زمانی و مکانی است. برداشت های غالب از کودکی تا حد زیادی مشکلات حقوقی، وضعیت قانونی، اقتدار والدین و قدرت دولت را برای مداخله تعیین می کند. از جمله حقوق قانونی که کودکان می توانند یا نمی توانند قادر به اعمال آنها توسط خویش باشند. به طور خاص اهلیت کودکان یا این که چگونه بزرگسالان اهلیت کودکان را مورد تفسیر قرار می دهند، نشان می دهد که یک مسئله سیاسی حقوق و سیاست ها را برای کودکان تعیین می کند.

تاریخ عدالت نوجوانان تأثیر پرتره های متنوعی را از اهلیت کودکان انعکاس می دهد. مبادی عدالت نوجوانان همراه با دیدگاه رفاه مبتنی بر اعتقاد به عدم اهلیت کودکان و فقدان مسئولیت کیفری آنهاست. این مبنا خود به اقتدار موسع دولت برای مداخله در زندگی کودکان می انجامد که در واقع اغلب برای کودکان زیانبار تشخیص داده شده است. در واکنش به چنین مشکلاتی به نسبت عدالت نوجوانان به سمت دیدگاه عدالت چرخید و ساختاری از کودکی را بر اساس اهلیت ها و مسئولیت کیفری پیرامون آن وارد کرد. بنابراین حداقل سن مسئولیت کیفری به نکته هشدار دهنده ای در میان مفاهیم متنازع مربوط به کودکی، اهلیت ها، آزادی و حقوق حمایت و پیوستار رفاه- عدالت تبدیل گردید.

با این حال مفهوم مسئولیت در دیدگاه عدالت اغلب به جای حمایت به عنوان روزنه ای به کار گرفته می شود. در مقابل برای تضمین آزادی در برابر تعدی دولت، معنای مسئولیت می تواند تحریف شود و کنترل اجتماعی بر کودکانی را که مسئولیت واقعی آنها مورد شک و تردید است، مشروع سازد. آثار محکومیت اخلاقی و مجازات های تابع آن، حتی جایی که مسئولیت اخلاقی زیربنایی نامشخص است، وجود دارد و با هزینه از آزادی افراد، مشروعیت اخلاقی و عدالت، وجدان اجتماعی بازسازی شده و کنترل اجتماعی موثر مقامات، مستحکم می شود. هر دو دیدگاه برداشت های متفاوتی از حقوق برای کودکان دارند اما هیچ کدام نقش روشنی برای جامعه و وزن مسائل ناشی از آن را بر دوش کودکان و خانواده های آنها به عهده نمی گیرد. چنین ابهاماتی مدل های هر دو دیدگاه را با اشکالاتی مواجه می سازد.

## فصل دوم: بررسی سن مسئولیت کیفری در اسناد بین المللی

**تغییر برای برابری (کارگروه سن مسئولیت کیفری):** در قسمت اول مقاله حاضر، به تعریف برخی مفاهیم مهم در رابطه با سن مسئولیت کیفری و بررسی نظریه های مرتبط پرداخته شد. در این قسمت از مقاله ابتدا به بررسی قوانین، مقررات و سیاست گذاری های بین المللی در این رابطه پرداخته می شود و سپس مروری بر وضعیت سن مسئولیت کیفری در کشورهای مختلف جهان خواهیم داشت که ایران نیز یکی از این بررسی ها خواهد بود.

به طور کلی، مقررات بین المللی نشان می دهد که هنوز استاندارد بین المللی مشخص و یکسانی برای «حداقل سن مسئولیت کیفری» وجود ندارد. فقدان یک استاندارد بین المللی در این زمینه، شاید از این واقعیت نشأت می گیرد که درک و فهم جوامع مختلف و حتا یک جامعه با دیدگاه های مختلف و فرهنگ های متعدد درباره سنی که طی آن کودکان می توانند نتایج اعمال خودشان را درک بکنند، متفاوت است.

مهمترین مقررات بین المللی مربوط به سن مسئولیت کیفری در کنوانسیون حقوق کودک، توصیه های کمیته حقوق کودک، مقررات پکن و کنگره بین المللی حقوق جزا درج شده است که بر اساس اهمیت آنها ابتدا به این اسناد اشاره ای کوتاه می شود.

### کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک در نوامبر ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سپتامبر ۱۹۹۰ لازم الاجرا شد. این پیمان نامه که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می کند، از نظر میزان تصویب کشورها، تنها سندی است که بیشترین عضو را داشته است. به طوری که اگر ایالات متحده و سومالی هم به این کنوانسیون پیوندند، به تنها سند پذیرفته شده از سوی کل کشورهای جهان تبدیل خواهد شد. دولت هایی که این معاهده را امضا کرده اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می شود (دان سیریانی، ۲۰۰۹: ۱۹). کنوانسیون حقوق کودک در زمینه حقوق کیفری اطفال در برگیرنده اصول مهمی است که بی تردید انعکاس این اصول در قوانین داخلی کشورها و اجرای آن راهکار مناسبی در جهت ارتقاء حمایت از کودکان و تحقق عدالت کیفری برای کودکان است. قابل توجه آنکه پس از کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، بیش از تمامی کنوانسیونهای حقوق بشری نیز بر آن حق شرط وارد شده است.

در سپتامبر سال ۱۹۹۰، یعنی زمانی که تنها چند هفته از لازم الاجرا شدن کنوانسیون حقوق کودک می گذشت، یکی از بزرگترین اجتماعات رهبران جهان در سازمان ملل تشکیل گردید. شعار این اجلاس «تضمین بقاء، حمایت، رشد و توسعه کودکان در دهه بعدی» بود<sup>۱</sup> ۷۱ نفر از سران و ۸۸ تن از نمایندگان ارشد کشورها در این کنفرانس گرد هم آمدند و اعلام کردند که هیچ دو

<sup>۱</sup> - گزارش بیست و هفتمین اجلاس ویژه مجمع عمومی، مشهور به اعلامیه دوما کودکان، ص ۶.



موضوعی بیشتر از کودکان و آینده به یکدیگر ارتباط ندارد.<sup>۱</sup> بر اساس این اعلامیه هیچ تعهدی نمی‌تواند شرافتمندانه‌تر از ایجاد آینده‌ای بهتر برای کودکان باشد.<sup>۲</sup> در این اجلاس بر اهمیت ویژه کنوانسیون حقوق کودک تأکید و از کشورها خواسته شد تا به آن ملحق شوند و به این منظور در سند نهایی، فراخوانی رسمی از سوی سران جهان صادر شد.<sup>۳</sup>

کنوانسیون جهانی حقوق کودک شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری است که چهار اصل پایه‌ای آن را جهت می‌دهد. از جمله این اصول، «ممنوعیت تبعیض» و «رعایت بهترین منافع کودک» است. در ارتباط با حداقل سن مسئولیت کیفری، قسمت الف بند ۳ ماده ۴۰ این کنوانسیون، دولت‌های متعاقد را ملزم می‌کند که حداقل سنی را که کودکان طبق آن مجرم شناخته می‌شوند، تعیین کنند. این تعهد در بند ۴ ماده ۱۷ منشور آفریقایی کودکان نیز تکرار شده است. اگرچه، در مجموعه قوانین بسیاری از کشورهای عضو این کنوانسیون، رعایت این اصول در رابطه با حداقل سن مسئولیت کیفری با چالش‌های جدی روبرو است.

اصل کلی «رعایت بهترین منافع کودک» که در کنوانسیون حقوق کودک درج شده است، راهبردی در جهت اتخاذ اقدامات حمایت محور، ایجاد رویه‌های قانونی و مقررات منطبق با ماهیت و رفتار کودک است که بند ۱ تا ۳ ماده ۳ کاملترین بیان برای این مفهوم است.<sup>۴</sup> در این اصل، بر وضعیت قانونی کودکان و بهره‌مندی آنان از طیف وسیعی از حقوق و حمایت‌ها براساس شرایط اجتماعی- فرهنگی آنها تأکید شده است. به طوری که بند ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون مقرر می‌کند «به منظور تضمین این که با کودکان به روشی متناسب با رفاه و شرایط و جرم آن‌ها رفتار شود، باید تم‌هیدات گوناگونی از قبیل مقررات مراقبت، راهنمایی، نظارت و نیز مشاوره، تعلیق مجازات، نگهداری توسط خانواده جایگزین، آموزش و برنامه‌های آموزش حرفه‌ای و سایر اقدامات جایگزین مراقبت در مؤسسات اتخاذ شود.» به همین دلیل، در مورد اطفالی که مرتکب جرم می‌شوند ارجاع به خانواده، مدرسه و برنامه‌های اجتماعی و خدمات از ابزارهای اولیه‌ای هستند که معمولاً برای تعدیل سوءرفتار کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرند و بسیاری از کشورها این خدمات را با رفاه محلی، مراقبت، حمایت، اداره و رویه‌های قانونی مدنی مرتبط جهت می‌دهند. در موارد استثنائی که چنین رویه‌های رفاه محور، مستلزم محرومیت از آزادی باشند کودکان حق دارند تا مجموعه بیشتری از ضمانت‌ها و حمایت‌ها را در اختیار داشته باشند؛ از جمله اقدامات پزشکی، آموزشی و تربیتی و سایر اقداماتی که می‌تواند به فراخور موضوع در نظر گرفته شود (دان سیرپانی، ۲۰۰۹: ۲۱-۲۰).

---

<sup>۱</sup>. Un doc Ga Res /45/625/2000

<sup>۲</sup> - اعلامیه جهانی رشد و حمایت از کودکان، بند ۲۵.

<sup>۳</sup>. Un doc A/S-27/1-A/MAY/2001

<sup>۴</sup> - ماده ۳: ۱- در کلیه اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی دولتی یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی یا نهادهای قانونگذاری به عمل می‌آید، منافع عالی کودک از اهم ملاحظات میباشد. ۲- کشورهای عضو متعاقد میشوند حمایت و مراقبتی را که برای رفاه کودک ضروری است با توجه به حقوق و تکالیف والدین، سرپرستان قانونی، یا دیگر اشخاصی که قانوناً مسئول کودک هستند، تضمین نمایند و در این راستا کلیه اقدامات قانونی و اجرایی لازم را به عمل خواهند آورد. ۳- کشورهای عضو اطمینان حاصل خواهند نمود که مؤسسات، خدمات و دستگاه‌های مسئول مراقبت و حمایت از کودکان، به ویژه در زمینه‌های ایمنی، بهداشت، از حیث تعداد و مناسب بودن کارکنان و نیز نظارت شایسته، با معیارهایی که توسط مقامات واجد صلاحیت مقرر گردیده است منطبق باشند.

در همین راستا بند ب ماده ۳۷ کنوانسیون اظهار می دارد که محرومیت از آزادی می تواند تنها به عنوان یک اقدام به مثابه آخرین راه چاره و برای کوتاه کردن دوره زمانی مناسب مورد استفاده قرار بگیرد. به علاوه بر اساس این کنوانسیون، کودکان از طیفی از حقوق اضافی و ضمانت های قانونی برخوردارند از جمله آنکه:

- محرومیت از آزادی بایستی مطابق با قانون و نه به طور خودسرانه باشد. (بند ب ماده ۳۷)
  - حق بر دسترسی فوری به کمک های حقوقی و دیگر موارد (بند د ماده ۳۷)
  - حق بر انتقاد به قانونی بودن محرومیت از آزادی در نزد یک دادگاه یا دیگر مقام های صالح مستقل و بیطرف و تصمیم گیری فوری. (بند د ماده ۳۷)
  - حق ارزیابی دوره ای رفتار با این کودکان و دیگر شرایط مرتبط با مکان، محلی که محرومیت از آزادی بر مبنای مراقبت، حمایت یا درمان سلامت جسمی و روحی کودک صورت می گیرد. (ماده ۲۵)
  - کودکان از بزرگسالان جدا نگه داشته شوند مگر این که متناسب با بهترین منافع آنها باشد. (بند ج ماده ۳۷)
  - حق بر حفظ ارتباط با خانواده. (بند ج ماده ۳۷)
  - رفتار انسانی و احترام به کرامت ذاتی شخص انسان به شیوه ای که نیازهای سنی کودکان را در نظر بگیرد. (بند ج ماده ۳۷)
- والدین از حقوق بیشتری نسبت به کودک برخوردارند که این مسئله محرومیت از آزادی کودکان را محدودتر می کند. به طور مثال بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون اظهار می دارد که دولت های متعاقد باید تضمین کنند که یک کودک نمی تواند از والدینش خلاف اراده آنها جدا نگاه داشته شود مگر وقتی که مقامات صالحه برای ارزیابی قضائی تعیین کنند مطابق با حقوق و رویه های قانونی قابل اعمال، چنین جدایی به نفع «بهترین منافع کودک» است. به علاوه همه طرفین ذینفع باید این فرصت را در اختیار داشته باشند که در رویه های دادرسی حضور داشته باشند و نظرات آنها مورد توجه قرار بگیرد (دان سپیریانی، ۲۰۰۹: ۲۳-۲۲).
- در مجموع، در کنوانسیون حقوق کودک به بهترین منافع کودک و ضمانت های قانونی، احترام به نظرات کودک و مشارکت موثر وی در جریان محاکمه، تکامل ظرفیت های کودک و ادغام دوباره وی در جامعه توجه نشان داده شده است. با این وجود در هیچ یک از مفاد کنوانسیون مشخص نشده که چه سنی به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری باید در نظر گرفته شود. این نقیصه در توصیه های کمیته ناظر بر اجرای کنوانسیون یا کمیته حقوق کودک نیز وجود دارد. در مرور ادواری گزارش دولت ها در سال های اخیر نیز مشاهده می کنیم که در همه مواردی که حداقل سن مسئولیت کیفری زیر ۱۲ سال بوده است، کمیته حقوق کودک به دولت ها تنها توصیه کرده است که این سن را افزایش دهند، بدون آنکه صریحا ابراز کند که چه سنی باید در این مورد وضع شود.
- از طرف دیگر، امکان استفاده از حق شرط نسبت به این کنوانسیون منجر به استفاده گسترده از این حق شده است. برخی از کشورهای اسلامی با ایده مغایرت برخی از اصول پیش بینی شده در کنوانسیون با شریعت اسلام با شرط کلی «عدم مغایرت با اسلام» به این معاهده پیوسته اند. کشورهای پاکستان، تونس، عراق، کویت، قطر، عربستان سعودی، سوریه و جمهوری اسلامی ایران

اقدام به اعمال حق شرطهای کلی بر کنوانسیون کرده اند. در تمامی این حق شرطها به جز در رابطه با تونس، قید عدم تعارض کنوانسیون با مقررات اسلامی به طور واضح مشهود است، در حق شرط تونس عدم تعارض با قانون اساسی ذکر شده است.<sup>۱</sup>

دولت ایران در سال ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شد مشروط بر اینکه اگر مفاد کنوانسیون در هر مورد و در هر زمان، در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف جمهوری اسلامی ایران رعایت آن لازم نباشد. هر چند که شرط مذکور، قوانین داخلی و موازین اسلامی را مقدم می داند، ولی نکته بسیار مهم آن است که دولت ایران با گنجاندن چنین شرطی در حقیقت قبول و اعتراف کرده است که بین قوانین داخلی و مفاد کنوانسیون مغایرت اساسی وجود نداشته و نباید داشته باشد و فقط در موارد جزئی قوانین داخلی و موازین اسلامی ارجح است. استدلال خلاف آن یعنی اینکه این احتمال نیز وجود دارد که دولت ایران می تواند کلیه مفاد کنوانسیون را به بهانه قوانین داخلی نادیده گیرد، مسلماً به نقض غرض می انجامد زیرا در این صورت اساساً احتیاجی به الحاق به کنوانسیون حقوق کودک نبود و نباید فراموش کرد که مقررات بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک نیز مانند مقررات داخلی باید لازم الاجرا باشند، و الا معنا و مفهومی ندارد که هر دولتی ضمن پیوستن به عهدنامه یا کنوانسیون اعلام کند هر زمان مایل بود آن را اجراء می کند و هر زمان که مصلحت نباشد اجرا نمی کند. (عبادی، ۱۳۸۸: 1386).

### دیدگاه کمیته حقوق کودک

این کمیته، حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۲ سال و پایین تر از آن را مورد تایید قرار نداده، در مقابل از حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۳ سال حمایت کرده و حتی اولویت خود را به سنین بالاتر از آن داده است. کمیته در اجلاس سپتامبر تا اکتبر سال ۲۰۰۴ خود در ۶۵ مورد از بررسی وضعیت کشورها توصیه کرده است که حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۲ سال یا پایین تر را افزایش داده یا یک حداقل سن مسئولیت کیفری را برای اولین بار در قوانین کیفری خود تعیین بکنند. در مورد سایر کشورهایی که حداقل سن مسئولیت کیفری در آنها ۱۳ سال و بالاتر تعیین شده، کمیته تایید خود را بیان کرده است. به طور نمونه مورد مجارستان را که در قوانین آن حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۳ سال تعیین شده، تایید کرده است.

از سوی دیگر، کمیته حقوق کودک اعلام کرده است که «مقررات مربوط به اماره عدم رشد مسئله ساز هستند اما تنها زمانی باید لغو شوند که حداقل سن مسئولیت کیفری به ۱۳ سال افزایش پیدا کرده باشد.» به طور نمونه رئیس کمیته حقوق کودک در بررسی وضعیت کشوری سریلانکا در سال ۲۰۰۳ نسبت به اصل حقوقی اماره عدم رشد در این کشور که بر اساس آن یک کودک بین سنین ۸ تا ۱۲ سال قابل مجازات نیست مگر اینکه جرم او با در نظر گرفتن بلوغ کافی وی اثبات شود، اظهار ناخرسندی کرد. اما کمیته علی رغم انتقادهایی که به اماره عدم رشد دارد، لغو آن را بدون افزایش سن مسئولیت کیفری به ۱۳ سال صحیح نمی داند. در بررسی قوانین انگلیس که به لحاظ تاریخی منبع بیشترین مقررات اماره عدم رشد در سراسر دنیا هم هست، کمیته اظهار نگرانی

<sup>1</sup> - Declaration and Reservation to the convention on the right of the child ,op.cit.

<sup>۱</sup>. عبادی، شیرین (۱۳۸۶)، «حقوق کودک: نگاهی به مسایل حقوقی کودکان در ایران»، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

می کند که لغو پیشنهادی مقررات اماره عدم رشد برای کودکان بین سنین ۱۰ تا ۱۴ سال عملاً همه کودکان را به طور مفروض، در سن ۱۰ سالگی از لحاظ کیفری مسئول می شناسد. بنابراین می توان این گونه برداشت کرد که لغو مقررات اماره عدم رشد تنها در صورتی قابل قبول است که حداقل سن مسئولیت کیفری به مرز بالاتر از محدوده اماره عدم رشد یا حداقل ۱۳ سال برسد.

کمیته در رابطه با سن مسئولیت کیفری برای جرایم خاص نیز معتقد است تنها یک سن بایستی برای همه جرایم بدون در نظر گرفتن جدی بودن آنها اعمال شود. تعدادی از کشورها هستند که در سراسر دنیا دو مرز سنی را برای مسئولیت کیفری مشخص کرده اند. محدوده سنی پایین تر از این دو سن با تعریف صحیح حداقل سن مسئولیت کیفری در ارتباط با جرایمی طرح می شود که جدی به نظر می رسند. سن بالاتر معمولاً در رابطه با جرایم خاص هستند.

همچنین، کمیته حقوق کودک معتقد است که بلوغ نباید نشانه ای برای آغاز مسئولیت کیفری باشد. این کمیته، ارجاع به بلوغ را به عنوان نقطه شروع مسئولیت کیفری طبق مفاد کنوانسیون حقوق کودک به عنوان یک رویه خودسرانه، تبعیض آمیز و غیرقابل قبول می داند. به طور نمونه در اظهارات کمیته در ارتباط با پاکستان آمده است: «استفاده از بلوغ برای تعیین سن مسئولیت کیفری در واقع مبنا و ترویج دهنده تبعیض علیه دخترانی است که سن بلوغ آنها بسیار پایین تر از پسران در نظر گرفته شده است». در مورد ایران نیز کمیته همین نگرانی را اظهار کرده است و معتقد است اعمال خودسرانه قانون و تبعیض میان دختران و پسران در ارتباط با سن مسئولیت کیفری در قوانین کیفری آن مشاهده می شود.

در نهایت کمیته حقوق کودک از اینکه قوانین و مقررات داخلی بسیاری از کشورها با تعریف کودک طبق پیمان نامه حقوق کودک تطبیق ندارد اظهار نگرانی می کند به ویژه هنگامی که حداقل سن برای متهم کردن یک کودک برای جرایم وخیم، طرح می شود و پیشنهاد می دهد که حداقل سن در این مورد باید مورد تجدید نظر قرار گیرد.

همچنین کمیته اظهار می کند که حداقل سن مسئولیت کیفری باید در سراسر یک کشور به صورت یکسان اعمال شود. به این ترتیب، سیستم هایی که حداقل سن مسئولیت کیفری در میان تقسیمات کشوری آنها متفاوت است ناقض کنوانسیون هستند. به طور نمونه در آسیای جنوبی دولت ها قوانین اضطراری خاصی را برای برخی مناطق یا نواحی خود تعیین کرده اند که این قوانین به لحاظ حقوقی مبنای قانونی برای حداقل سن مسئولیت کیفری در ارتباط با جرایم خاص است.

طبق نظر کمیته حقوق کودک، حداقل سن مسئولیت کیفری بایستی به سن کودک در زمان ارتکاب جرم اشاره داشته باشد. رویه های استاندارد حقوق کیفری در سراسر دنیا در ارتباط با محدودیت های سنی در زمان ارتکاب جرم است که کمیته از این استانداردها حمایت می کند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF)، ۲۰۰۵.

## قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای دادرسی نوجوانان (مقررات پکن، ۱۹۸۵)

مجموعه قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد درباره مدیریت و اعمال عدالت کیفری اطفال برای دادرسی ویژه نوجوانان در سال ۱۹۸۵ در قالب قطعنامه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. پیش‌نویس این قطعنامه در اجلاس تدارکاتی بین منطقه‌ای سازمان ملل برای کنگره هفتم در سال ۱۹۸۴ راجع به «جوانان، جرم و عدالت» در بیجینگ (پکن - چین) مورد بررسی و تجدیدنظر نهایی قرار گرفت که به قواعد بیجینگ یا مقررات پکن مشهور است.<sup>۱</sup> این مقررات، اولین و دقیق‌ترین رفتار را هم در مورد عدالت نوجوانان و هم در زمینه حداقل سن مسئولیت کیفری کودکان فراهم کرده است.

بند یک ماده ۴ این مقررات در خصوص سن مسئولیت کیفری مقرر کرده است در آن دسته از نظامهای حقوقی که موضوع سن مسئولیت کیفری را به رسمیت می‌شناسند، شروع این سن نباید خیلی پایین در نظر گرفته شود. زیرا باید واقعیتهای مربوط به رشد عاطفی، ذهنی و عقلی فرد را در این زمینه در نظر گرفت که قانون‌گذار جمهوری آذربایجان دقیقاً این نکته را مد نظر قرار داده است. بدین لحاظ مقررات پکن نیز تعیین سن مسئولیت کیفری را در شرایطی که فرد هنوز به رشد عقلی و دماغی لازم نرسیده ممکن نمی‌داند و لذا ضرورت رشد جزایی نیز بعنوان ملاک تعیین سن بلوغ کیفری در مقررات پکن ملحوظ است (حجتی، ۱۳۸۹). باید گفت که این ماده تنها یک نکته راهنما در اسناد بین‌المللی در مورد ملاحظات متناسب در زمینه انتخاب یک حداقل سن مسئولیت کیفری بوده و تنها یک اخطار مستقیم است که می‌گوید حداقل سن مسئولیت کیفری نباید خیلی پایین باشد. اگرچه این مقررات الزام آور نیستند اما کمیته حقوق کودک توصیه کرده است که مقررات پکن به عنوان منبعی برای مقررات حداقل سن مسئولیت کیفری کنوانسیون و تفسیرهای متأخر این کمیته از کنوانسیون قرار بگیرد.

در سال ۱۹۸۰ کنگره ششم سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و رفتار مجرمانه دستورالعملی را برای مقررات پکن تهیه کرد. در این مقررات، کنگره گزارش کمیته خود را تأیید کرد که عدالت نوجوانان را قبل و بعد از آغاز بزهکاری در نظر گرفته است (دان سپریانی، ۲۰۰۹: ۵۰). این گزارش اشاره می‌کند که «بسیاری از کشورها در ارتباط با سن مورد نظر خود در ارتباط با مسئولیت اجتماعی یا کیفری بحث کرده‌اند و این امر از بحث‌های متعدد در مورد این سن مشخص می‌شود و تا حد زیادی نشان می‌دهد که نوجوانان از نظر اجتماعی در معنای توانائی حقوقی برای نتایج اعمال خود مسئول شناخته شده‌اند اگرچه تا حدی سن میانگین بین عدم مسئولیت مطلق و مسئولیت وجود هم مطرح شده است. برخی از مشکلاتی که در این مورد بیان شدند، معیاری برای سنین مسئولیت کیفری بوده است: آیا باید چنین سنی دارای توالی زمانی باشد یا ذهنی؟ و با این فرض که به طور کلی اهداف رفاهی عدالت نوجوانان پذیرفته شده است، آیا جامعه باید بر مبنای عدالت نوجوانان در مورد سن مسئولیت با مراحل یا انواع برنامه‌های رفاهی ادامه دهد؟» این تفسیر، دیدگاهی مهم را در مورد ظهور عدالت نوجوانان و حداقل سن مسئولیت کیفری نشان می‌دهد؛ اگرچه دیدگاه رفاه در سطح جهانی هنوز هم طرفدارانی دارد (دان سپریانی، ۲۰۰۹: ۵۱).

<sup>1</sup>. UN Standard minimums for the administration of Juvenile Justice, 1985.

## مصوبات هفدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزاء در رابطه با مسئولیت کیفری اطفال، پکن

در هفدهمین کنگره انجمن بین‌المللی حقوق جزا در پکن (۱۹-۱۲ سپتامبر ۲۰۰۴) سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال تمام تعیین شد، اما در قطعنامه نهایی آن چنین مقرر داشت که: «قانون‌گذار باید یک حداقل سنی را تعیین کند که پس از آن مرحله امکان اعمال یک سیستم جزایی ویژه نسبت به اطفال وجود داشته باشد. این حداقل سن نباید کمتر از ۱۴ سالگی در زمان ارتکاب جرم باشد.»

با استنباط این قطعنامه و با توجه به مطالب مطرح شده، واضح است که تعیین سن مسئولیت کیفری به معنی عدم امکان تماس کودک با دستگاه قضایی و مقررات جزایی تا قبل از رسیدن به سن خاصی مانند ۱۴ سالگی است؛ بدین معنی که کودک تا قبل از ۱۴ سالگی در صورت ارتکاب جرم بواسطه برخورداری از عوامل رافع مسئولیت کیفری قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود اما از آستانه سن مسئولیت کیفری تا رسیدن به سن بلوغ کیفری که حسب رویه ۱۸ سال تمام شناخته می‌شود، کودک در صورت ارتکاب جرم با نظام خاص دادرسی اطفال و قوانین مخصوص روبرو می‌شود.

بر همین منوال است که بند ۲ ماده ۱۷ مقررات پکن و بند ۵ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، استفاده از مجازاتهای جایگزین و اجتناب از حبس و تدابیر تنبیهی را در خصوص افراد زیر ۱۸ سال پیش‌بینی کرده و نظام جزایی خاصی را در خصوص آنان پیشنهاد می‌کند. به علاوه راهکارهای هاوانا در مورد کودکان و نوجوانان محروم از آزادی (مصوب ۱۹۹۰) که به مقررات حداقلی سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی نیز مشهور است راهبردهای ویژه‌ای در این خصوص ارائه کرده و این مقررات را شامل کلیه افراد زیر ۱۸ سال می‌داند. مزیت این مجموعه آن است که شامل تمام کودکان زیر ۱۸ سال محبوس و بازداشت شده بدون در نظر گرفتن تعریف‌های خاص هر کشور از دوران کودکی است که همه مقررات مذکور در اسناد مورد اشاره، بیانگر ضرورت تدوین و تصویب مقررات خاص و ایجاد نظام قضایی ویژه کودکان چه در زمینه قوانین شکلی و آیین دادرسی و چه در زمینه قوانین جزایی ماهیتی است (حجتی، ۱۳۸۹). در ادامه سایر اسناد مرتبط با سن مسئولیت کیفری را مرور کرده ایم.

### پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو

التزام دولت‌ها به حداقل سن مسئولیت کیفری نه از متن پروتکل که اشاره‌ای به حداقل سن مسئولیت کیفری نمی‌کند، بلکه از مباحث گسترده مربوط به این موضوع بر می‌آید که در هنگام تنظیم پیش‌نویس این سند طرح شد. در آن زمان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ متنی را به عنوان پیش‌نویس‌های دو پروتکل الحاقی آماده کرده بود که در سال ۱۹۷۳ بین همه دولت‌ها توزیع شد. سپس دولت سوئیس یک کنفرانس دیپلماتیک را برگزار کرد که از همه دولت‌های عضو سازمان ملل و کنوانسیون‌های ژنو برای بحث در مورد این پیش‌نویس‌ها دعوت به عمل آورد.

بند ۳ ماده ۳۸ این پروتکل مجازات اعدام را علیه اشخاص زیر ۱۸ سال که جرائم آنها مرتبط با مناقشات مسلحانه خاصی بود، ممنوع می کرد. این فضای در نظر گرفته شده به نسبت محدود بود با این استدلال که جرائم کیفری معمول را به طور کلی استثنا می کرد. همانطور که در بند ۵ ماده ۷۷ از متن نهایی تنظیم شده است. در ملاحظه پیش نویس بند ۳ ماده ۶۸ هیئت برزیلی پیشنهاد کرد که جمله زیر به این بند اضافه شود که به جرائم مناقشات بین المللی خاصی اشاره می کند: رویه های کیفری و مجازات علیه اشخاصی که زیر سن ۱۶ سال در زمان ارتکاب جرم هستند، نمی تواند صادر یا اعمال شود (دان سپیریانی، ۲۰۰۹: ۴۵). در میان ۳ کمیته مقدماتی کنفرانس دیپلماتیک، کمیته سوم در پیش نویس مربوط به ماده ۶۸ این پیشنهاد را گنجاند. در اولین جلسه نماینده برزیل پیشنهاد خود را صریحا اعلام کرد با این توضیح که در قانون کیفری برزیل سن مجازات، ۱۸ سال است. ولی این هیئت پیشنهاد خود را با سن ۱۶ سال برای در نظر گرفتن حداقل سن مسئولیت کیفری اصلاح می کند به این امید که توافق های بیشتری به دست آید. اما در طول کنفرانس اختلاف نظرهایی پیرامون حداقل سن پیش آمد.

اگرچه پروتکل الحاقی اول در ۸ جون ۱۹۷۷ به تصویب رسید و در پایان نظرات مختلف در مورد سن کودکان مرتکب جرائم کیفری در برخی مناقشات بین المللی خاص مورد توافق قرار نگرفت و هیچ محدودیت سنی برای تعقیب کیفری در این ماده درج نکرد. اما کمیته سوم دست اندرکار تهیه گزارش نهایی، اولین ادعای رسمی را ثبت کرد که یک اصل کلی حقوق بین المللی در این حوزه به وجود آمد. در واقع شرکت کنندگان در کنفرانس در مورد این موضوع توافق نظر داشتند و هرگز این اصل را مورد تردید قرار ندادند که هیچ شخصی نمی تواند متهم به یک جرم کیفری شود اگر، در زمان ارتکاب جرم قادر به فهم نتایج عمل خود نباشد (دان سپیریانی، ۲۰۰۹: ۴۸۸۵).

در واقع اختلاف نظر دولت ها در این کنفرانس پیرامون سن ۱۴، ۱۶ یا ۱۸ سال بود. برخی از نمایندگان دولت ها نظر دادند که بهتر است کمیته یک محدوده سنی مشخص را برای این ماده مشخص کند اما کمیته سوم در گزارش خود اظهار داشت که گروه کاری تصمیم گرفته است که تعریف چنین استانداردهایی بهتر است که بر عهده حقوق ملی کشورها گذاشته شود (دان سپیریانی، ۲۰۰۹: ۴۶).

### میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

مشابه کنوانسیون حقوق کودک، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، یکی از معاهدات محوری بین المللی حقوق بشر است و تنها دو کشور- سومالی و ایالات متحده- هنوز این میثاق را تصویب نکرده اند. در حالی که این میثاق که هم برای برزگسالان و هم کودکان به اجرا در می آید، اولین سند بین المللی حقوق بشری است که صراحتا دولت های متعاقد را به رفتار و رویه های قانونی خاص برای کودکان در موضوعات کیفری ملزم می سازد. اگرچه معاهده فوق اشخاص نوجوان را تعریف نمی کند، بند ۴ ماده ۱۴ به وضوح از این اصطلاح برای اشاره به کاهش شدید سال های حداقل سن مسئولیت کیفری و حداقل سن بلوغ کیفری استفاده می کند. این ماده اظهار می دارد: در مورد افراد نوجوان، رویه های قانونی باید مبتنی بر توجه به سن آنها و تمایل به ترویج توانبخشی آنها ایجاد و به اجرا در آیند.

پیش فرض این است که یک محدوده سنی پائین تری برای افراد نوجوان وجود دارد و صاحب نظران اظهار کرده اند که مقررات میثاق نتایج زیر را در بر دارد:

• هر دولت طرف

میثاق متعهد به ایجاد یک سن خاص مسئولیت کیفری است.

• هر دولت طرف

میثاق می تواند محدوده سنی مرتبط خود را انتخاب کرده و مقرر کند که این سن در محدوده های کلی هنجارهای شناخته شده از نظر بین المللی است.

• هر دولت طرف

میثاق باید حداقل سن مسئولیت کیفری خود را برای پسران و دختران به طور مشابه اعمال کند.

کمیته حقوق بشر - نهاد ناظر بر اجرای میثاق - تفسیرهای طولانی را در ارتباط با میثاق ارائه کرده است. در یک اظهار نظر کلی در مورد اجرای ماده ۱۴، کمیته بیان می کند که گزارش برخی از دولت ها، اطلاعات کافی را در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری ارائه می کند و این که چطور این دولت ها خواست ارتقای توانبخشی نوجوانان را چنان که در بند ۴ ماده ۱۴ درج شده، مورد توجه قرار داده اند. کمیته سپس مقررات دولت های خاصی را مورد بررسی و انتقاد قرار داده و رأی می دهد که حداقل سن مسئولیت کیفری ۷، ۸ و ۱۰ سال غیر قابل پذیرش و ناسازگار با استانداردهای بین المللی است - به خصوص مواد ۱۰ بند ۲ پاراگراف ب (مفاد این پاراگراف درج شود)، بند ۴ ماده ۱۴ و بند ۱ ماده ۲۴ و به دولت های مربوطه توصیه می کند که این سنین را افزایش دهند.<sup>۱</sup>

کمیته مقررات مربوط به حداقل سن مسئولیت کیفری را در کنار سطوح سنی از جمله دکتین اماره عدم رشد نیز مورد ارزیابی قرار داده است که در بسیاری از کشورها وجود دارد. به طور خلاصه اماره عدم رشد یک پیش فرض حقوقی است که طی آن کودکان بین حداقل سن مسئولیت کیفری و محدوده سنی بالاتر از آن قادر به تحمل مسئولیت کیفری نیستند. به لحاظ نظری پیش فرض مذکور می تواند با ارائه مدارک در دادگاه با بلوغ فردی کودک و فهم وی رد شود. اگر پیش فرض رد شود، امکان مسئولیت کیفری و رویه های قانونی مربوط به آن مفتوح می ماند. در غیر این صورت کودک از نظر قانونی قادر به تحمل مسئولیت کیفری نیست و رسیدگی های کیفری می توانند به کنار گذاشته شوند. کمیته حقوق بشر در ملاحظه قوانین سری لانکا، اظهار می کند که سیستم اماره عدم رشد به عنوان یک موضوع قابل توجه نگران کننده است - و ظاهراً برای قضات حیطه صلاحیت موسعی را در مورد ظرفیت مسئولیت کیفری کودکان به همراه می آورد.<sup>۲</sup>

### میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

<sup>1</sup> See inter alia, the following : Concluding observation: Cyprus, CCPR/C/79/Add.39,21 Sept 1994; Keya, CCPR/CO/83/KEN, 29, Apr2005, par,24; Sri Lanka, CCPR/C/79Add.56,27Jul 1995; and Suriname, CCPR/C/80/SUR,4 May 2004,par. 14.ICCPR.

<sup>2</sup> Adopted by the UN-General Assembly, Resolution 2200A (xxi), 16 Dec 1966.



میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صراحت نگرانی‌های مربوط به عدالت نوجوانان را مورد توجه قرار نمی‌دهد. اما نهاد ناظر بر این سند - کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - ماده ۱۰ را در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری دارای اهمیت می‌داند. کمیته سال‌های ۷ و ۹ سال را در این زمینه بسیار پائین دانسته است و صراحتاً دولت‌های متعاقد را به افزایش سن مطابق با تعهدات مندرج در ماده ۱۰ تشویق و فرا می‌خواند.<sup>۱</sup>

### **کنوانسیون ممنوعیت شکنجه**

کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز مصوب ۱۹۸۴ یکی از معاهدات بین‌المللی اصلی حقوق بشری است و کمیته ممنوعیت شکنجه اجرای تعهدات این سند را از سوی دولت‌ها مورد نظارت قرار می‌دهد. این سند به طور برابر برای کودکان و بزرگسالان به اجرا در می‌آید.

بر حسب حداقل سن مسئولیت کیفری کمیته ممنوعیت شکنجه دائماً نگرانی خود را در ارتباط با سنین ۷، ۸ و ۱۰ سال به عنوان سنین پائین مطرح کرده و بارها خواسته تا سن مسئولیت کیفری افزایش یابد. همین‌طور کمیته کشور پروندی را به افزایش سن ۱۳ به ۱۵ سال توصیه کرده است. در مورد آرژانتین کمیته بر ارتباط ذاتی میان حداقل سن مسئولیت کیفری و برخی نقض‌های زیان‌آور حقوق کودک اشاره کرده است. در همین زمان حداقل سن مسئولیت کیفری در آرژانتین ۱۶ سال بود که با حداقل سن مسئولیت در دادگاه‌های کیفری بزرگسال همپوشانی داشت (دان سپیریانی، ۲۰۰۹: ۴۹).

### **منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک**

منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک مصوب سال ۱۹۹۰ دوباره به نحو موثری تعهد دولت ذیل کنوانسیون حقوق کودک را بیان می‌کند که دولت‌های متعاقد یک حداقل سن مسئولیت کیفری را ایجاد کنند. نهاد نظارتی این معاهده، کمیته آفریقایی متخصصان حقوق و رفاه کودک تاکنون گزارش‌های دولت‌های متعاقد را در مورد اجرای تلاش‌هایشان آغاز نکرده اند (دان سپیریانی، ۲۰۰۹: ۶۵).

### **منشور اجتماعی اروپا**

منشور اجتماعی اروپا که در سال ۱۹۹۶ مورد بازبینی و جایگزین منشور اولیه تنظیم شده در سال ۱۹۶۱ قرار گرفت، یکی از مهمترین اسناد اروپائی در مورد حقوق کودکان است. دولت‌های عضو به صورت سالانه به کمیته اروپائی حقوق اجتماعی، نهاد مسئول برای نظارت از جمله مقررات مربوط به حداقل سن مسئولیت کیفری، گزارش می‌دهند.

---

<sup>1</sup> See the following: Concluding Observations: Malta, E/C.12/1Add.101,14 Dec 2004, paras.21 and 38; and (Hong Kong): China, E/C.12/1Add.58,21May 2001, paras,24 and 43

کمیته نشان داده است که حداقل های سن مسئولیت کیفری زیر ۱۲ سال به وضوح با ماده ۱۷ منشور ناسازگار است، بنابراین حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۱ سال بسیار پائین است. اگر که حداقل های سن مسئولیت کیفری بالاتر از ۱۲ سال باشد، هر نوع کاهشی در این سن مسئله ساز و نگران کننده است. در مورد اسلواکی کمیته نگرانی خود را در این زمینه اظهار کرده است: دلایل پیشنهاد کاهش سن از ۱۵ به ۱۴ سال باید ارائه شود.

مهمتر این که کمیته اروپایی حقوق اجتماعی، مقررات گزارش شده از سوی دولت ها را در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری با توجه خاص به رفتار قانونی و عملی مسلم برای کودکان جوانتر از سن ۱۲ سال، مورد بررسی قرار داده است. در مورد ترکیه که سن ۱۲ سال را گزارش داده است، کمیته دریافت که قانون دادگاه های نوجوانان یک حداقل سن ۱۱ سال را طرح کرده است و خاطر نشان کرد که حتی کودکان جوانتر از ۱۱ سال نیز موضوع اقدامات متعددی درباره محدودیت از آزادی هستند و دولت ترکیه باید اطلاعات دقیق مربوط به سیستم و رویه های جایگزین مرتبط با محدودیت های سنی و تعداد کودکان جوانتر از ۱۱ سال محروم از آزادی را ارائه کند (دان سیریانی، ۲۰۰۹: ۶۶-۶۵).

### **کنوانسیون اروپایی حقوق بشر**

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یا کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های بنیادین افراد از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر مورد تفسیر قرار گرفته و اجرا شده است. در سال ۱۹۹۹ دیوان اروپایی حقوق بشر - مکانیسم قضائی و نظارتی در ارتباط با اجرای مفاد کنوانسیون فوق - به طور مشترک تصمیمات صادر شده در مورد دو پرونده بسیار حساس در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری را مورد استماع قرار داد.

چارچوب این تصمیمات، آرای مربوط به یک پرونده غیر مشهور بالجر<sup>۱</sup> بود. به طور خلاصه این پرونده ابتدا در سال ۱۹۹۳ ارائه شد که متهمان آن دو پسر ۱۰ ساله را در لیورپول انگلیس بودند. این دو پسر، یک دختر ۲ ساله را مورد ضرب و شتم قرار داده و در نهایت به قتل رسانده بودند. پسران، محل را بعد از قتل ترک کرده و بدن دختر را روی ریل راه آهن گذاشته بودند که با عبور قطار تکه تکه شد. محاکمه ۳ هفته ای آنها با حساسیت عمومی و رسانه ای بسیاری مواجه شد. در این زمان حداقل سن مسئولیت کیفری در انگلیس ۱۰ سال بود البته با فرض در نظر نگرفتن عدم مسئولیت بین سنین ۱۰ و ۱۴ سال مبتنی بر قدرت تشخیص درست از نادرست توسط دولت. دادگاه داخلی انگلیس با رد این فرضیه، هر دو کودک را مقصر شناخت و آنها را محکوم به بازداشت کرد. اما پرونده برای بررسی بیشتر به دادگاه اروپایی حقوق بشر ارسال شد. دادگاه بررسی کرد که آیا آثار حداقل سن مسئولیت کیفری در جای خود نقض ماده ۳ - ممنوعیت شکنجه یا رفتار غیر انسانی و تحقیر آمیز و غیر انسانی - را به دنبال دارد. در اثبات این امر دادگاه مقررات انگلیس را با اسناد دولت های عضو شورای اروپا، همینطور متون و اسناد بین المللی مورد تطبیق قرار داد. در حالیکه دادگاه بر پائین بودن سن مسئولیت کیفری در انگلیس تاکید داشت، اما در میان سایر کشورهای اروپا نیز، محدوده سنی قابل قبولی پیدا نکرد و به علاوه این سن را به اندازه ای پایین که مغایر با استانداردهای رایج بین المللی باشد، ندانست. بنابراین دادگاه رأی داد

<sup>1</sup> -Bulger

که مجازات این دو کودک نقض ماده ۳ کنوانسیون نیست. این پرونده بیشتر به خاطر تأکید بر مشارکت موثر کودک در طول جریان محاکمه حساس بود. البته انتظار می رود که رویه دادگاه در این زمینه مورد تجدیدنظر قرار بگیرد (دان سپریانی، ۲۰۰۹: ۶۷-۶۶).

### **کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر**

دو نهاد بین المللی مسئول نظارت بر مقررات کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر هستند: کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر و دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر. در سال ۲۰۰۱ کمیسیون درخواست یک نظر مشورتی در مورد شرایط قضائی و حقوق بشر کودک را به دادگاه ارائه کرد. اگرچه این درخواست گسترده تر از حداقل سن مسئولیت کیفری بود اما نگرانی مربوط به صلاحدید مقامات دولتی در رویه ها و قوانین مرتبط با کودکان و شرایط فقدان صلاحیت آنها را در خود داشت. این تصمیمات از نظر تاریخی بسیار اهمیت پیدا کرد، به این دلیل که منجر به اقداماتی شد که در عمل حقوق کودکان، حمایت های قانونی و ضمانت ها به ویژه در حوزه حقوق کیفری را برای کودکان علیرغم اثبات بهترین منافع کودک کاهش داد. نظر اکثریت دیوان بین آمریکایی حقوق بشر به طور خلاصه حول حداقل سن برای مسئولیت کیفری است و این حداقل سن را قابل تغییر می داند (دان سپریانی، ۲۰۰۹: ۴۳).

## فصل سوم: مطالعه تطبیقی وضعیت سن مسئولیت کیفری در قوانین ایران و سایر کشورها

**تغییر برای برابری (کارگروه سن مسئولیت کیفری):** در قسمت اول مقاله حاضر به بررسی تئوری های موجود در رابطه با سن مسئولیت کیفری و در قسمت دوم به بررسی اسناد بین المللی در این زمینه پرداخته شد و در بخش نهایی قوانین نقاط مختلف دنیا و مقایسه تطبیقی وضعیت ایران با کشورهای دیگر در زمینه مقررات مربوط به حداقل سن مسئولیت کیفری بررسی می شوند.

### وضعیت موجود در کشورها

از اوایل قرن بیستم به بعد در بررسی قوانین بسیاری از کشورها، شاهد مقررات پیشرفته ای در رابطه با سن مسئولیت کیفری و واکنش نسبت به جرایم ارتكایی از سوی اطفال هستیم که حاکی از دید وسیع و عمیق قانونگذار در این کشورهاست. با این وجود هنوز بسیاری از مناطق از استانداردهای تعیین شده در قطعنامه های مرتبط با سن مسئولیت کیفری فاصله قابل توجهی دارند. در ادامه به بررسی وضعیت سن مسئولیت کیفری، حداقل سن مسئولیت کیفری، سن مسئولیت کیفری برای جرایم خاص و اماره عدم رشد در مناطق مختلف جهان بر اساس تقسیم بندی منطقه ای یونیسف پرداخته ایم.

### الف) منطقه آمریکا و کارائیب

#### ۱- شرح کلی

در **باهاما** حداقل سن مسئولیت کیفری ۷ سال است. بند ۱ ماده ۸۴ قوانین کیفری مصوب سال ۲۰۰۱ باهاما می گوید «هیچ جرمی توسط فرد زیر ۷ سال سن انجام نمی گیرد.» و بر اساس بند ۲ همان ماده؛ «هیچ جرمی توسط فردی که سن بالاتر از ۷ سال و کمتر از ۱۲ سال دارد انجام نمی گیرد. کودک در این سن کسی است که مانند بزرگسالان به فهم کافی از قضاوت در مورد نتیجه رفتاری که باعث می شود او مجرم شناخته شود نایل نشده است.»

در **بلیز**، حداقل سن مسئولیت کیفری بر اساس قوانین کیفری مصوب سال ۲۰۰۰، ۹ سال است. طبق همان قانون، فردی که سن بالاتر از ۹ سال و کمتر از ۱۲ سال دارد مجرم شناخته نمی شود، یعنی بر اساس این قانون، افراد در طول این سال ها، به اندازه بزرگسالان به فهم کافی از قضاوت در مورد نتیجه رفتاری که باعث می شود مجرم شناخته شود، نایل نشده اند.

**کوبا** اظهار می کند که حداقل سن مسئولیت کیفری در این کشور ۱۶ سال است، اما بر اساس نظر کمیته حقوق کودک، محدوده سنی در این کشور عملاً همان سن بلوغ کیفری است که در ماده ۱۶ بند ۲ قانون مجازات درج شده است. مهمترین قانون عدالت نوجوانان که در کوبا در سال ۱۹۸۲ تصویب شد، برای کودکان هیچ حداقل سن مسئولیت کیفری را تعیین نمی کند.

براساس این سیستم، کودکان مربوطه به عنوان مجرمین در برابر قانون شناخته می شوند و کمیسیون رفاه اجتماعی و پیشگیری می تواند دستور محرومیت از آزادی را برای این کودکان صادر کند تا به طور نامشخص در مراکز بازپروری خاص نگهداری شوند (دان سپریانی، ۲۰۰۹: ۱۹۵).

در **آرژانتین** سن مسئولیت کیفری برای جرایم خاص، ۱۸ سال و حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۶ سال در نظر گرفته شده است. در این کشور، قانون حمایت از اطفال مصوب سال ۲۰۰۵ صراحتاً قانون آگوت<sup>۱</sup> سال ۱۹۱۹ را لغو می کند که مبنایی برای سیاست وضعیتی بی قاعده آرژانتین به شمار می رفت و در عمل محرومیت از آزادی را برای کودکان در هر سنی و صرفاً بر اساس اعمال نظر وسیع به رسمیت می شناخت. قانون سال ۲۰۰۵ همینطور مقررات ۱۹۸۰ را که دارای همین ویژگی بود نسخ کرد. با این حال این قوانین در مورد مسئولیت کیفری اطفال هنوز هم بلا تکلیف به نظر می رسند.

## ۲- جمع بندی وضعیت سن مسئولیت کیفری

در کشورهای آمریکای لاتین افراد زیر ۱۸ سال از لحاظ کیفری غیر مسئول شناخته می شوند. **بولیوی** در این میان تنها کشوری است که در آن سن مسئولیت کیفری مطلق ۱۶ سال است. افراد بین ۱۲ تا ۱۸ سال طبق برخی مقررات بالغ محسوب شده و تابع سیستم مسئولیت کیفری ویژه ای هستند، به طور مثال در برخی موارد دارای مسئولیت کیفری نسبی هستند. نیکاراگوئه ۱۳ سال را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری نسبی تعیین کرده است. در برخی از این دولتها مجازاتها متناسب با سن افراد تعیین و اجرا می شود به طور مثال در **نیکاراگوئه، کاستاریکا و ونزوئلا**. افراد زیر ۱۲ سال که به عنوان کودک محسوب می شوند از هر نوع مسئولیتی (به جزء مسئولیت مدنی در برخی موارد) معاف هستند و تنها اقدامات حمایتی در مورد آنان اعمال می شود. به طور خلاصه باید گفت که در این منطقه، قوانین مربوط به مسئولیت کیفری خصوصاً در رابطه با حداقل سن مسئولیت کیفری منطبق با معیارهای بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک است. سن مسئولیت کیفری مطلق در این کشورها ۱۸ سال و سن مسئولیت کیفری نسبی ۱۲ سال است و به همین دلیل در رابطه با نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرم تنها اقدامات اصلاحی و تربیتی اعمال می شود.

در کشورهای آمریکای لاتین، به استثنای کوبا حداقل سن مسئولیت کیفری بین ۷ تا ۱۶ سال قرار دارد. پایین ترین حداقل سن مسئولیت کیفری، یعنی ۷ سال به **باهاما، گراندا و ترینداد و توباگو** تعلق دارد. البته هر سه این کشورها دارای اماره عدم رشد هستند، در باهاما و گراندا اماره عدم رشد بین ۷ تا ۱۲ سال و در ترینداد و توباگو بین ۱۰ تا ۱۴ سال قرار دارند. پس از آن، **آنتیگوآ و باربودا**<sup>۲</sup>، سنت کیتس و نویس و سنت وینسنت و گرینادین پایین ترین حداقل سن کیفری که ۸ سال است را دارند. بالاترین میزان حداقل سن مسئولیت کیفری با رقم ۱۶ سال به آرژانتین تعلق دارد. پس از آرژانتین، شیلی، کلمبیا، پاناما، پاراگوئه و پرو ار

<sup>۱</sup> - Agote

<sup>۲</sup> - بخش ۳ قانون بزهکاری جوانان مصوب ۱۹۵۱ آنتیگوآ و باربودا فرض می کند که هیچ کودکی زیر سن ۸ سال نمی تواند به ارتکاب هیچ جرمی شود.

بالاترین میزان حداقل سن مسئولیت کیفری که ۱۴ سال است برخوردارند. در شیلی نیز برای جرایم خاص سن مسئولیت جداگانه ای که ۱۶ سال است، در نظر گرفته شده است.

در این میان، گویان و سرینام دارای حداقل مسئولیت سن کیفری ۱۰ سال؛ باربادوس<sup>۱</sup>، ۱۱ سال؛ بولیوی، برزیل، کاستریکا، دومینیکا<sup>۲</sup>، اکوادور، السالوادور، هندوراس، مکزیک، جامائیکا، سنت لوسیا، و ونزوئلا، ۱۲ سال و جمهوری دومینیکن، گواتمالا، هائیتی، نیکاراگوئه و اروگوئه دارای سن مسئولیت کیفری ۱۳ سال هستند. (دان سپیریانی، ۲۰۰۹).

## ب) منطقه اروپای شرقی و مرکزی

### ۱- شرح کلی

در قانون کیفری شوروی در سال ۱۹۲۲ حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۲ سال تعیین شد. در موارد خاص برای اطفال بین ۱۴ تا ۱۶ سال، یک سوم مجازات بزرگسالان و برای جوانان بزهکار بین ۱۶ تا ۱۸ سال به میزان یک دوم مجازات بزرگسالان در نظر گرفته شد. در سال ۱۹۲۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست، دادرسی اطفال تا ۱۶ سال را به دادگاههای اطفال محول کرد و تخفیف مجازات افراد ۱۶ تا ۱۸ سال الزامی شد. براساس قانون کیفری ۱۹۹۶ روسیه، افرادی که در زمان ارتکاب جرم به سن ۱۶ سال نرسیده اند فاقد مسئولیت کیفری هستند و در مورد ارتکاب جرایم فوق العاده جدی و خاص مانند قتل، صدمات بدنی شدید، زنا، به عنف، بچه دزدی، سرقت همراه با خشونت، تروریسم و... مسئولیت کیفری از ۱۴ سال شروع می شود.<sup>۳</sup>

در ارمنستان بند ۱ ماده ۲۴ قانون مجازات مصوب سال ۲۰۰۳ اظهار می دارد «هر فردی که به سن ۱۶ سال رسیده باشد، در صورت ارتکاب جرم مسئولیت کیفری دارد.» بند ۲ همان ماده بیان می کند «اشخاصی که به سن ۱۴ سالگی رسیده باشند، در زمان ارتکاب جرایم زیر مسئولیت کیفری دارند: به دلیل ارتکاب قتل (مواد ۱۰۴ تا ۱۰۹)، به دلیل ارتکاب اعمال خشن یا ایراد آسیب به سلامت افراد (مواد ۱۱۲ تا ۱۱۶)، آدم ربایی (ماده ۱۳۱)، تجاوز (ماده ۱۳۸) یا اعمال جنسی خشن (ماده ۱۳۹)، سرقت مسلحانه (ماده ۱۷۹)، سرقت (ماده ۱۷۷)، دستبرد (ماده ۱۷۶)، اخاذی (ماده ۱۸۲)، در اختیار گرفتن ماشین یا دیگر وسایل نقیه بدون قصد تصرف (ماده ۱۸۳) انهدام یا ایراد خسارت به اموال در شرایط دشوار (ماده ۸۵ بخش های ۲ و ۳) سرقت یا سوءاستفاده از سلاح و مهمات یا مواد منفجره (ماده ۲۳۸)، سرقت یا سوء استفاده از داروهای مخدر یا روانگردان (ماده ۲۶۹)، ایراد خسارت به وسایل نقلیه یا خطوط ارتباطی (ماده ۲۴۶) و چاقو کشی (ماده ۲۵۸)».

<sup>۱</sup> - فصل هشتم قوانین مربوط به کودکان مجرم مصوب سال ۱۹۹۸ باربادوس می گوید: «قانون نباید سبب تنبیه برای هیچ کودکی که هیچ نظری در مورد دادگاه ندارد و زیر ۱۱ سال است و ظرفیت کافی برای اقدام به جرم را ندارد، شود.»

<sup>۲</sup> - بر اساس قانون دومینیکا، به طور مسلم، هیچ کودکی که زیر ۱۲ سال سن داشته باشد نمی تواند گناهی را به عنوان جرم مرتکب شود.

<sup>۳</sup> - کمیسیون حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۸.

طبق قانون مجازات ۲۰۰۲ آذربایجان، در مورد کمیسیون حمایت از اطفال و حقوق کودکان، کمیته های اداری می توانند پرونده های همه کودکان کمتر از ۱۴ سال مظنون به ارتکاب جرایم را مورد ملاحظه قرار دهند و اقدامات تادیبی در مورد چنین کودکانی از جمله حبس در مراکز بازپروری خاص را شامل می شود. ماده ۲۰ قانون کیفری آذربایجان می گوید: «هر شخصی که به سن ۱۶ سالگی در زمان ارتکاب جرم رسیده باشد، موضوع مسئولیت کیفری است.» و در بند ۲ آمده است: «کسی که در زمان ارتکاب جرایم به سن ۱۴ سالگی رسیده باشد، تنها در ارتباط با جرائم ذیل مسئولیت کیفری دارد: قتل از پیش طراحی شده، آدم ربایی، تجاوز، اعمال جنسی خشونت آمیز، دزدی، جیب بری، زورگیری، انجام کار غیر قانونی به وسیله اتومبیل یا سایر وسایل نقلیه بدون قصد تصرف، طراحی یا نقشه ریزی برای ایجاد خرابکاری، دزدی یا زورگیری به کمک لوازم جنگی، اسلحه و مواد منفجره، دزدی یا زورگیری به کمک مواد مخدر، و تخریب وسایل نقلیه عمومی.»

ماده ۱۵ قانون کیفری قزاقستان اظهار می دارد که مقامات دادگاه تحت شرایط خاص می توانند اقدامات اجباری آموزش اصلاحی برای کودکان ۱۱ و بالاتر از آن را مقرر کنند. این مسئله به این معنی است که این کودک تا ۳ سال می تواند در نهادهای آموزشی خاص، مراکز اصلاحی - تربیتی که زندان های اطفال نیز شناخته می شوند، نگهداری شود. همین طور می تواند برای افراد کوچکتر از حداقل سن مسئولیت کیفری که مرتکب اعمال مضر به عموم جامعه شده اند، دستور نگهداری در مراکز انفرادی موقت، سازگاری و توانبخشی، صادر کنند.

در ازبکستان کمیسیون های منطقه ای و شهری، مسئولیت اولیه برای نظارت دادستان عمومی را در مورد امور اطفال دارند تا به اعمال کودکان کوچکتر از ۱۳ سال که در تعارض با قانون قرار گرفته اند، واکنش نشان دهند. این کمیسیون ها می توانند چنین کودکانی را تحت نظارت والدین قرار دهند یا آنها را به موسسات متعلق به کودکان حداقل تا سه سال بفرستند. طبق ماده ۱۷ قانون کیفری ۱۹۹۴ ازبکستان، اطفال ۱۶ سال یا بالاتر در زمان ارتکاب جرم مسئولیت دارند. افراد ۱۳ سال یا بالاتر در لحظه ارتکاب جرم فقط در صورت ارتکاب قتل عمدی و خیم مسئولیت دارند. افرادی که سن ۱۴ سال یا بالاتر را در زمان ارتکاب جرم دارند، به خاطر جرایم خاصی که در برخی مفاد قانون کیفری<sup>۱</sup> درج شده مسئول شناخته می شوند.

فصل پانزدهم قانون مجازات اکراین، در مورد ویژگی های خاص مسئولیت کیفری و مجازات اطفال در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری موثر، تردید برانگیز است. بند ۲ ماده ۹۷ این قانون بیان می کند که دادگاه می تواند اقدامات اصلاحی اجباری را برای فردی که مرتکب یک عمل اجتماعی خطرناک شده و قبل از رسیدن به سن مسئولیت کیفری است، تحمیل کند. بند ۲ ماده ۱۰۵ می گوید: چنین اقداماتی شامل نگهداری طفل در یک نهاد اصلاحی و آموزشی برای کودکان و نوجوانان تا زمانی می شود که کودک کاملاً اصلاح شده باشد. اما این دوره نمی تواند فراتر از ۳ سال باشد. بند ۲ ماده ۱۰۵ قوانین کیفری قزاقستان،

<sup>۱</sup> - در پاراگراف یک ماده ۷۹ مواد ۹۸، ۱۰۴ تا ۱۰۶، ۱۸، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۶۴ تا ۱۶۶ و ۱۶۹؛ پاراگراف های دو و سه ماده ۱۷۳ مواد ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۶۳، ۲۶۷ و ۲۷۱؛ و پاراگراف های دو و سه ماده ۲۷۷ این قانون

قرقیزستان، فدرال روسیه، تاجیکستان، اکراین در رابطه با سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص، با کمی تفاوت در مصادیق تا حدود زیادی مشابه ارمنستان هستند.

فصل ۱۰ قوانین کیفری مصوب ۱ می ۱۹۹۴ **بلاروس** می گوید: «مسئولیت کیفری باید برای افرادی شناخته شود که قبل از ارتکاب جرم به سن ۱۶ سالگی رسیده باشند. افرادی که زمان ارتکاب جرم بین سنین ۱۴ تا ۱۶ سالگی قرار گرفته اند، تنها در مواردی باید مسئولیت عمل مجرمانه خود را بپذیرند که مرتکب جرم های زیر شده باشند: قتل، ایراد آسیب به ارتش، نیروی امنیتی یا باقی افراد، وارد کردن آزار بدنی به کسی به طوری که موجب ایجاد خطر برای سلامت جسمی یا روحی فرد شود، تجاوز، سرقت، جیب بری، جعل، تکرار جرم، سرقت اسلحه یا مواد منفجره، سرقت با مواد مخدر.»

بند ۲ ماده ۳۲ قانون مجازات **بلغارستان**، اجازه اقدامات اصلاحی را طبق این قانون، عدالت نوجوانان برای کودکانی می دهد که زیر ۱۴ سال بوده و اعمال خطرناک اجتماعی را مرتکب شده اند. کمیسیون پیشگیری عدالت نوجوانان می تواند دستور اداری برای اتخاذ اقداماتی از جمله محرومیت از آزادی در مراکز بازپروری اجتماعی برای کودکانی که ۷ سال هستند و در مراکز اصلاحی برای کودکانی که در سن ۸ سال هستند را صادر کند. همچنین مبحث ۳۱ قوانین کیفری مصوب سال ۲۰۰۲ بلغارستان مقرر کرده است: «کودکی که به سن ۱۴ سالگی رسیده اما هنوز به سن ۱۸ سالگی نرسیده است، باید مسئولیت عمل مجرمانه خود را بپذیرد اگر بتواند اهمیت و کیفیت عملی که انجام داده است را درک کند.»

ماده ۱۲ قانون مجازات مصوب سال ۲۰۰۱ **آلبانی** می گوید: «شخصی دارای مسئولیت کیفری است که در زمان ارتکاب جرم به سن ۱۴ سالگی رسیده باشد. شخصی که مرتکب تخلف کیفری شود، در سن ۱۶ سالگی دارای مسئولیت است.»

در **اسلونی**، علی رغم اینکه حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۴ سال است، موسسات رفاهی موسوم به مراکز کار اجتماعی، این قدرت را دارند که اطفال کوچکتر را به موسسات بزهکاری جوانان بفرستند که برای کودکان بزرگتری که در پرونده های کیفری مرتکب جرم شدند، مترادف با نگهداری اطفال در موسسات آموزشی است.

طبق قانون مجازات **ترکیه**، کودکان جوان تر از ۱۲ سال - همین طور کودکان بین سنین ۱۲ تا ۱۵ سال که قادر به تشخیص و درک حقوقی نتایج جرایم خود نیستند و فاقد توانایی کنترل اعمال شان هستند - می توانند با اقدامات امنیتی و تعقیبی مواجه شوند. به علاوه، طبق قانون حمایت از اطفال هر کودکی که در مواجهه با قانون قرار بگیرد و به نظر برسد که از نظر کیفری مسئول نیست، می تواند تحت اقدامات حمایتی قرار بگیرد که این اقدامات شامل محرومیت از آزادی در نهادهای مراقبتی - آموزشی خصوصی و دولتی می شود. هیچ محدوده سنی پایین تری برای اعمال چنین اقداماتی وجود ندارد. این اقدامات می تواند در هنگام ۱۸ سالگی کودک تحمیل شود و قضات ملزم به برگزاری جلسات قبل از صدور حکم نیستند.

در **رومانی** طبق بند ۱ ماده ۱۱۳ قانون کیفری ۲۰۰۴ «هر فرد صغیر زیر سن ۱۴ سال نمی تواند از لحاظ کیفری مسئول شناخته شود»؛ بند ۲ می افزاید: «هر فرد بین ۱۴ تا ۱۶ سال از نظر کیفری می تواند مسئول باشد تنها وقتی که ثابت شود دارای قدرت



تشخیص برای ارتکاب جرم بوده است» و بر اساس بند ۳ همان ماده «هر فرد بالاتر از سن ۱۶ از نظر کیفری می تواند متعهد باشد اما در چارچوب سیستم مجازات های قابل اعمال برای اطفال».

## ۲- جمع بندی وضعیت سن مسئولیت کیفری

در اروپای شرقی و مرکزی، حداقل سن مسئولیت کیفری در اکثریت کشورها مطابق معیار تعیین شده در سند پکن ۲۰۰۴ است، به طوری که به غیر از **استونی** (۷ سال)، **گرجستان** و **ترکیه** (۱۲ سال) و **ازبکستان** (۱۳ سال) که زیر معیار تعیین شده قرار دارند، باقی کشورها (**آلبانی**، **ارمنستان**، **آذربایجان**، **بلاروس**، **بوسنی و هرزگوین**<sup>۱</sup>، **بلغارستان**، **کرواسی**، **مجارستان**<sup>۲</sup>، **قزاقستان**، **قرقیزستان**، **لاتویا**، **لیتوانی**، **یوگوسلاوی سابق** و **جمهوری مقدونیه**<sup>۳</sup>، **جمهوری مولداوی**، **رومانی**، **فدراتیو روسیه**، **اسلونی**، **اسلواکی**، **تاجیکستان**، **ترکمنستان** و **اکراین**) از حداقل معیار بین المللی تعیین شده تبعیت کرده اند. در این منطقه، **جمهوری چک** تنها کشوری است که با حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۵ سال از حداقلی که در این معیار جهانی تعیین شده، رقم بالاتری را در قوانین کیفری خود مقرر کرده است و بالاترین میزان حداقل سن مسئولیت کیفری را به خود اختصاص داده است. در مقابل، پایین ترین میزان حداقل سن مسئولیت کیفری که ۷ سال است به **استونی** تعلق دارد.

نکته قابل توجه در منطقه اروپای شرقی و مرکزی این است که برخلاف کشورهای منطقه آمریکای لاتین، اغلب کشورها، دارای سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص هستند. در زیر به سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص که در کشورهای مقرر شده اشاره شده است:

- **آلبانی**، **ارمنستان**، **آذربایجان**، **بلاروس**، **قزاقستان**، **قرقیزستان**، **فدرال روسیه**، **تاجیکستان**، **اکراین**، **ترکمنستان**، **لیتوانی**، **جمهوری مولداوی**، با ۱۶ سال سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص؛
  - **گرجستان** با سن مسئولیت کیفری در جرائم خاص ۱۴ سال و **ازبکستان** که برای برخی جرایم سن ۱۴ و برای برخی دیگر سن ۱۶ سال به عنوان سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص تعیین کرده است.
- علاوه بر این، در این منطقه برخی از کشورها از جمله **بلغارستان** (۱۸-۱۴ سال)، **رومانی** (۱۶-۱۴)، **اسلواکی** (۱۵-۱۴) و **ترکیه** (۱۵-۱۲) اِماره عدم رشد نیز تعیین کرده اند (دان سپیریانی، ۲۰۰۹).

## پ) مناطق آسیای شرقی و پسیفیک

### ۱- شرح کلی

<sup>۱</sup> - فصل ۸ قوانین کیفری مصوب سال ۲۰۰۰ بوسنی و هرزگوین اعلام می کند: «نباید برای افرادی که در زمان انجام جرم به سن ۱۴ سالگی نرسیده اند، اجرا گردد».

<sup>۲</sup> - طبق بخش ۲۳ قانون مجازات ۱۹۷۸ مجارستان، شخصی که هنوز به سن ۱۴ سالگی تمام نرسیده باشد، در صورت ارتکاب جرم نمی تواند مجازات شود.

<sup>۳</sup> - بر اساس ماده ۷۱ قانون مجازات ۲۰۰۴ یوگسلاوی سابق و جمهوری مقدونیه، مجازات های کیفری نمی توانند علیه نوجوانانی اعمال شوند که در زمان ارتکاب جرم به سن ۱۴ سالگی نرسیده باشند.

در **اندونزی** طبق قانون رفاه کودکان سال ۱۹۷۹ این کشور کودک به هر فرد زیر ۱۸ سال اطلاق می شود. با وجود این مطابق ماده ۳ بند ۱-۳ این قانون مسئولیت کیفری افراد از ۸ سال شروع می شود. این در حالی است که بر اساس ماده ۴ بند ۱ و ۲ این قانون شخص زیر ۱۸ سال نمی تواند ازدواج کند و دعوای افراد به طور مستقل بعد از سن ۲۱ سالگی قابل استماع است. لذا این امر مورد انتقاد شدید فعالان حقوق بشری در این کشور و کمیته حقوق کودک قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

در **فیلیپین** حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۵ سال است. بخش ششم قانون رفاه و عدالت نوجوانان فیلیپین مصوب سال ۲۰۰۶ می گوید: «هر کودک ۱۵ سال یا زیر آن در زمان ارتکاب جرم می تواند از مسئولیت کیفری مستثنی شود. کودکی که بین ۱۵ تا ۱۸ سال قرار دارد، باز هم از مسئولیت کیفری مستثنی است اما تحت اجرای برنامه های مداخله ای قرار می گیرد. مگر اینکه این کودک دارای قدرت تشخیص باشد، که در این صورت موضوع رویه های قانونی مناسب مطابق با این پیمان قرار خواهد گرفت.»

قوانین **چین** یک دست و مشخص نیست. سابق بر این، سیستم قانونی لاودونگ جیا اویانگ یکی از سیستم های بازداشت اداری بود که برای مجازات اطفال مجرم بدون اتهام رسمی برای محاکمه یا بررسی قضایی استفاده می شد. در حال حاضر سیستم قانونی وصله پینه شده ای وجود دارد که استفاده از این نوع بازداشت را برای کودکان ۱۳ سال و بالاتر محدود می کند. اگر چه در گذشته کودکانی که حتا جوان تر از ۱۱ سال بودند هم بازداشت می شدند و محرومیت از آزادی حتی برای ۴ ساله ها هم امکان پذیر بوده است که در واقع این محکومیت از حوزه صلاحدید بسیار گسترده مقامات امنیت عمومی نشأت می گرفت. به طور رسمی، اقداماتی همچون بازآموزی کودک به عنوان یک اقدام حمایتی و کمک به ادغام دوباره وی در جامعه، مورد استناد قرار می گیرد. با این حال، بارها گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره شکنجه، این سیستم را به عنوان شکلی از رفتار یا مجازات تحقیر آمیز و غیرانسانی اعلام کرده است.

در **پاپائوگینه نو**، حداقل سن مسئولیت کیفری ۷ سال است اما در کنار مقررات حداقل سن مسئولیت کیفری، قانون رفاه کودک مصوب سال ۱۹۶۱ اجازه می دهد به دادگاه های اطفال تا آزادی مجرمان کودک را در هر سنی محدود کند. بر اساس بند یک ماده ۳۰ قانون مجازات سال ۱۹۹۳ پاپائوگینه نو: ۱- هر فرد زیر ۷ سال از لحاظ کیفری برای ارتکاب یا خودداری از ارتکاب یک عمل مسئول شناخته نمی شود؛ ۲- هر فرد زیر سن ۱۴ سال به دلیل ارتکاب یا خودداری از ارتکاب یک عمل از لحاظ کیفری مسئول شناخته نمی شود مگر اینکه ثابت شود در زمان انجام آن یا تصمیم گیری درباره آن قدرت تشخیص داشته است؛ و ۳- هر کودک مذکور زیر سن ۱۴ سال فرض بر این است که قادر به تشخیص نیست مگر این فرض رد شود.

براساس ماده ۸۲ قانون مجازات مصوب ۱۹۹۸ **سنگاپور**، عملی که توسط کودک زیر ۷ سال انجام شده جرم محسوب نمی شود. ماده ۸۳ می افزاید: «عملی که توسط کودک بین ۷ تا ۱۲ سال صورت گرفته و او به بلوغ کافی در فهم جرم و ماهیت و نتایج رفتار خود نرسیده است، عمل مجرمانه محسوب نمی شود.»

<sup>۱</sup> - کمیسیون حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۳.

در **تووالو** حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۰ سال است. اما اماره عدم رشد بین ۱۰ تا ۱۴ سال در مقررات کیفری این کشور تعیین شده است. بر اساس بند ۱ بخش ۱۴ قانون مجازات ۱۹۷۸ تووالو، هر فرد زیر ۱۰ سال از نظر کیفری برای ارتکاب یا خودداری از یک عمل مسئول شناخته نمی شود. بند ۲ همان ماده اظهار می دارد هر شخص زیر سن ۱۴ سال از نظر کیفری به خاطر عمل یا خودداری از عمل مسئول نیست، مگر اینکه ثابت شود در زمان انجام آن قادر به تشخیص بوده است. بند ۳ می گوید هر فرد مذکر زیر سن ۱۲ سال فرض بر این است که قادر به برقراری رابطه جنسی نیست.

**وانواتو** نیز شرایط مشابه تووالو را دارد. در این کشور حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۰ سال و اماره عدم رشد بین ۱۰ تا ۱۴ سال است. بند ۱ بخش ۱۷ قانون کیفری ۱۹۸۸ وانواتو مقرر می کند: «هیچ کودک زیر ۱۰ سالی قادر به ارتکاب هیچ جرم کیفری نیست. کودک زیر ۱۰ سال یا بالاتر که زیر ۱۴ سال است می تواند فرض شود که قادر به ارتکاب جرم کیفری نیست مگر اینکه اثبات شود قادر به تشخیص بین خوب و بد در عملی که متهم به ارتکاب آن بوده، هست.»

## ۲- جمع بندی وضعیت سن مسئولیت کیفری

در آسیای شرقی برخی از کشورها از جمله **کامبوج، مالزی، جزایر مارشال، ناورو، مکزونی و جزایر سالامون**، هیچ حداقل سنی برای مسئولیت کیفری تعیین نکرده اند. میزان حداقل سن مسئولیت کیفری در باقی کشورهای این منطقه، بین ۷ تا ۱۵ سال متغیر است. در این منطقه، بالاترین معیار حداقل سن مسئولیت کیفری به **جمهوری دموکراتیک خلق لائو و فیلیپین** با معیار ۱۵ سال و پس از آن، **جمهوری دموکراتیک خلق کره، مغولستان و ویتنام** با معیار ۱۴ سال تعلق دارد. **برونئی، میانمار، پاپائوگینه نو، سنگاپور، تایلند<sup>۱</sup> و تونگو** با تعیین ۷ سال و اندونزی و سوموا با تعیین ۸ سال به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری، پایین ترین سن ها را به خود اختصاص داده اند. در میان آنها، **جزایر کوک، فیجی، کریباتی، پالائو، تووالو و وانواتو** با حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۰ سال قرار دارند. در این میان، حداقل سن مسئولیت کیفری در شهرهای مختلف **چین** متفاوت بوده به طوری که در **هنگ کنگ** ۱۰ سال، در ماکائو ۱۲ سال و در باقی شهرها ۱۴ سال است. در **ویتنام** نیز اگر چه حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۴ سال مشخص شده، طبق رویه های اداری فرمان دولتی ۱۹۹۷ ماده ۱ و دستور مجازات علیه نقض های اداری ۲۰۰۲ بند ۱ ماده ۵ در ویتنام، کودک ۱۲ ساله ای که مرتکب نقض های قانون کیفری می شود موضوع حبس در مراکز اصلاحی برای ۶ ماه تا دو سال قرار می گیرد.

برخی از کشورهای منطقه آسیای شرقی و پسیفیک دارای سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص نیز هستند که از جمله این کشورها می توان به **چین (به جز هونگ کونگ و ماکائو)، مغولستان و ویتنام** با ۱۶ سال؛ **پاپائوگینه نو** با ۱۴ سال؛ و

<sup>۱</sup> - بخش ۸۳ قانون کیفری تایلند مقرر می کند: «کودک زیر ۷ سال که مرتکب جرم کیفری شده متحمل مجازات نمی شود.»

**اندونزی، کریباتی، و تووالو** با ۱۲ سال اشاره کرد. در این میان، **مالزی** که کشوری با اکثریت مسلمان است، سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص را بر اساس سن بلوغ شرعی (در دخترها ۱۰ سال و در پسرها ۱۳ سال) مشخص کرده است.

نکته قابل توجه در منطقه آسیای شرقی و پاسفیک، تعیین اماره عدم رشد در قوانین اکثریت این کشورها است. در زیر آن دسته از کشورهای منطقه که دارای اماره عدم رشد هستند به ترتیب سنی که برای این مولفه تعیین کرده اند، آورده شده اند:

- برونی<sup>۱</sup>، میانمار، سنگاپور، و تونگو با تعیین سن ۷ تا ۱۲ سال؛
- پاپائوگینه نو سن ۷ تا ۱۴ سال؛
- ساموآ سن ۸ تا ۱۴ سال؛
- فیجی و مالزی سن ۱۰ تا ۱۲ سال؛
- هونگ کونگ چین، کریباتی، پالائو، تووالو و وانواتو سن ۱۰ تا ۱۴ سال و
- فیلیپین سن ۱۵ تا ۱۸ سال.

در رابطه با قوانین جایگزین مجازات کودکان در برخی از کشورهای می توان به نکات جالب توجهی در این منطقه دست یافت. از جمله، بخش ششم قانون رفاه و عدالت نوجوانان **فیلیپین** مصوب سال ۲۰۰۶ می گوید: «هر کودک ۱۵ سال یا زیر آن در زمان ارتکاب جرم می تواند از مسئولیت کیفری مستثنی شود. کودکی که بین ۱۵ تا ۱۸ سال قرار دارد، باز هم از مسئولیت کیفری مستثنی است اما تحت اجرای برنامه های مداخله ای قرار می گیرد. مگر اینکه این کودک دارای قدرت تشخیص باشد، که در این صورت موضوع رویه های قانونی مناسب مطابق با این پیمان قرار خواهد گرفت» (دان سپیرانی، ۲۰۰۹).

## ت) مناطق آفریقای جنوبی و شرقی

### ۱- شرح کلی

در **سومالی**، در حقوق عرفی- سنتی استنباط می شود که حداقل مسئولیت سن کیفری ۱۵ سال است. اما حقوق اسلامی به قضات این اختیار را می دهد که در مورد ویژگی های خطرناک بزهکاری جوانان زیر ۱۵ سال تصمیم بگیرند و برای این کودکان حکم نگهداری تا ۳ ماه را در مراکز اصلاحی صادر کنند. طبق قانون مجازات ماده ۵۹، حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۴ سال تعیین شده است. اما ماده ۱۷۷ متضمن شرایطی است که طبق آن قضات می توانند کودکان کوچکتر را که مرتکب جرایم شده اند به ۲ سال یا بیشتر حبس در مراکز اصلاحی محکوم بکنند. بنابراین اگر چه حقوق سنتی، عرفی و اسلامی با همدیگر تداخل دارند، اما بر اساس حقوق کیفری مدون در کشور سومالی، هیچ حداقل سن مسئولیت کیفری موثری وجود ندارد.

---

<sup>۱</sup>- بخش های ۸۲ و ۸۳ قانون کیفری.

در **آفریقای جنوبی**، بر اساس حقوق کامن لا در این کشور کودک زیر ۷ سال فاقد مسئولیت کیفری است و در مورد کودک ۷ تا ۱۴ سال دوم فرض بر عدم توانایی کودک در صورت ارتکاب جرم است و تنها در صورتیکه دادگاه احراز کند که کودک فرق بین حق و ناحق یا درست و نادرست می داند و توان ارتکاب عمل با علم را دارد مسئول قلمداد می شود. در مورد افراد بالای ۱۴ سال نیز در صورت ارتکاب مسئولیت کیفری همانند بزرگسالان پیش بینی شده است.<sup>۱</sup>

ماده ۱۴ بند یک قانون مجازات ۱۹۹۵ **زامبیا** می گوید هر شخص زیر ۱۸ سال از نظر کیفری مسئول برای ارتکاب عمل یا خودداری از آن نیست. بند ۲ همان ماده مقرر می کند: «شخص زیر سن ۱۲ سال از نظر کیفری مسئول برای ارتکاب عمل یا خودداری از عمل نیست مگر اینکه ثابت شود در زمان انجام آن عمل یا تصمیم گیری برای آن، قدرت تشخیص داشته است.» و بند ۳ می افزاید: «فرض بر این است که کودک مذکور زیر سن ۱۲ سال قادر به تشخیص نیست.»

بر اساس قانون **زیمبابوه** فرض می شود کودکان کوچکتر از ۱۲ سال به صورت غیر قابل انکار، قادر به برقراری رابطه جنسی نیستند و نمی توانند به عنوان مقصر برای تجاوز یا زنا با محارم همانند مجرمان بزرگسال، شناخته شوند.

بند ۱ از بخش ۱۵ قانون مجازات ۱۹۹۸ **تانزانیا** می گوید که «هر شخص زیر ۱۰ سال از نظر کیفری مسئول عمل یا خودداری از یک عمل شناخته نمی شود.» و ماده ۲ می افزاید: «هر فرد زیر سن ۱۲ سال از نظر کیفری به دلیل عمل یا خودداری از ارتکاب یک عمل مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود در زمان انجام آن عمل قدرت شناخت و فهم ماهیت عمل را داشته است.»

ماده ۷۷ قانون مجازات **راواندا** می گوید: «وقتی که مرتکب یا شریک یک جرم یا جنحه بین ۱۴ تا ۱۸ سال باشد در صورتی که متعهد در مقابل مجازات کیفری شناخته شود، با تشخیص دادگاه مجازات تعیین شده در قانون بر او اعمال می شود.»

## ۲- جمع بندی وضعیت سن مسئولیت کیفری

در برخی از کشورهای آفریقای جنوبی و شرقی، همانند **موریتانیوس**، **موزامبیک** و **سومالی**، هیچ حداقل سنی برای مسئولیت کیفری تعیین نشده است. به غیر از کشورهایی که به آنها اشاره شد، حداقل سن مسئولیت کیفری در باقی کشورها بین ۷ تا ۱۴ سال است که پایین ترین آن یعنی ۷ سال به کشورهای **لسوتو**، **مالاوی**، **نامیبیا**، **آفریقای جنوبی**، **سوئیلند** و **زیمبابوه** و بالاترین میزان حداقل سن مسئولیت کیفری که ۱۴ سال است به کشور **راواندا** تعلق دارد. مابین آنها کشورهای **بوتسوانا**، **کنیا**، و **زامبیا** با ۸ سال؛ **اتیوپی** با ۹ سال؛ **جمهوری متحده تانزانیا** با ۱۰ سال؛ **آنگولا**، **اریتره**، **اوگاندا**<sup>۲</sup> و **زنگبار** از جمهوری متحده تانزانیا با ۱۲ سال؛ و **بروندی**، **کاماروس**، و **ماداکاسکار** با ۷ سال به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری قرار دارند. **بوتسوانا**، **کنیا**، **مالاوی**، **زامبیا** و **زیمبابوه** نیز دارای سن مسئولیت کیفری ۱۲ سال برای برخی از جرایم خاص هستند که البته در برخی جرایم خاص به صورت حداقلی تعیین شده است به طور نمونه در قانون زیمبابوه تنها در رابطه با تجاوز و زنا محارم این سن مدنظر قرار

<sup>۱</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۵.

<sup>۲</sup> - بخش ۸۹ اسانامه کودکان ۱۹۹۶ اوگاندا مقرر می کند که حداقل سن مسئولیت کیفری می تواند ۱۲ سال باشد.

گرفته است. همان طور که مشاهده می شود اکثریت کشورهای منطقه آفریقای جنوبی و آفریقای شرقی، دارای حداقل سن مسئولیت کیفری بسیار پایینی هستند به طوری که میانگین آن تقریباً برابر با ۸.۵ سال است. همچنین در این منطقه سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص جدی گرفته نشده و بسیار پایین است.

اغلب کشورهای منطقه آفریقای جنوبی و شرقی، اِماره عدم رشد تعیین کرده اند که پایین ترین آن به **مالاوی** با تعیین ۷ تا ۱۲ سال و بالاترین آن به **ماداگاسکار** با مقرر کردن ۱۳ تا ۱۶ سال به عنوان اِماره عدم رشد، تعلق دارد. مابقی شامل **لسوتو، نامیبیا، آفریقای جنوبی، سوئیلند و زیمبابوه** با تعیین سنین ۷ تا ۱۴ سال؛ **کنیا** ۸ تا ۱۲ سال؛ **بوتسوانا** ۸ تا ۱۴ سال؛ **جمهوری متحده تانزانیا** ۱۰ تا ۱۲ سال و **زنگبار**<sup>۱</sup> با ۱۲ تا ۱۴ سال به عنوان اِماره عدم رشد قرار دارند (دان سپریانی، ۲۰۰۹).

### ث) مناطق خاورمیانه و آفریقای شمالی

#### ۱- شرح کلی

**عربستان سعودی** مبنای مسئولیت سن کیفری را بلوغ شرعی قرار داده است. در این کشور، کودکانی که به سن بلوغ رسیده اند برای جرایمی مانند زنا، محصنه، ارتداد، فساد فی الارض، قاچاق مواد، خرابکاری، شورش (سیاسی)، قتل در زمان سرقت مسلحانه، قتل نفس و اعمالی که در داخل یک طبقه بندی گسترده به دادگاه ها این اجازه را می دهد تا براساس تشخیص خودشان مجازات کنند، با مجازات های بسیار سنگین هم چون مرگ نیز روبرو می شوند. علاوه بر این قضات می توانند ویژگی های فیزیکی بلوغ کودک را در زمان محاکمه یا براساس زمان مجازات در نظر بگیرند به جای اینکه سن کودکان را در زمان ارتکاب جرایم ملاحظه کنند و می توانند در واقع قدرت تشخیص خاصی را در ارتباط با ویژگی های فیزیکی کودک داشته باشند.

در **ایران** سن مسوولیت کیفری و سن بلوغ کیفری یکسان انگاشته شده و مرحله بینابینی میان سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری که در طول آن طفل یا کودک بزهکار تحت روند ویژه جزائی قابل تعقیب و محاکمه باشد به چشم نمی خورد و کودک بلافاصله پس از ورود به سن ۹ یا ۱۵ سالگی که سن بلوغ شرعی است وارد سن بلوغ کیفری نیز شده و همانند بزرگسالان مسئولیت کیفری تام دارد. (کرمی، ۱۳۸۹)

در **سوریه**، بر اساس قانون بزهکاری اطفال و نوجوانان ۱۹۴۳ این کشور، اطفال تا ۷ سال به طور مطلق غیر مسئول بوده و برای اطفال ۷ تا ۱۸ سال نیز در صورت ارتکاب جرم تدابیر اصلاحی و تربیتی پیش بینی شده است. بر اساس ماده ۲ قانون جوانان این کشور که در سال ۱۹۷۴ به تصویب رسید، کودک زیر ۷ سال فاقد مسئولیت کیفری و براساس ماده ۲۹ آن کودک تا زمانی که به سن ۱۵ سال نرسیده است دارای مسئولیت کیفری مطلق نبوده و تدابیر اصلاحی و تربیتی در مورد آنان اعمال می گردد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - پیمان مصوب ۱۹۸۶ زنگبار.

<sup>۲</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۲.

در عراق، سال ۱۹۶۲ قوانین اطفال و نوجوانان اصلاح و سن ۱۸ سال به عنوان سن مسئولیت کیفری تعیین شد، اما براساس ماده ۹۶ قانون اطفال و جوانان این کشور، شخصی که در زمان ارتکاب جرم بالای ۱۷ و زیر ۱۸ سال دارد به عنوان جوان و فرد زیر ۱۵ سال غیر بالغ و بین ۱۵ تا ۱۸ سال بالغ محسوب می شود. مواد ۶۷ تا ۷۸ این قانون، مسئولیت کیفری و مجازات هر گروه سنی را در صورت ارتکاب جرم متناسب با سن و قوای فکری و فردی آنان تعیین می کند. سن مسئولیت کیفری مطلق در این کشور ۱۸ سال است.<sup>۱</sup>

ماده ۳۲ قانون کیفری ۱۹۷۶ بحرین، حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۵ سال را تصویب کرده است و ماده ۱۷ قانون بزهکاری جوانان همان سال اصلاح غیر کیفری و واکنش های حمایتی را برای اطفال کوچکتر مقرر می کند. در واقع، ۱۵ سال سن بلوغ کیفری است و هیچ محدوده سنی کمتری برای آنچه که واکنش های پیشگیرانه است، مانند بازداشت در مراکز رفاه اجتماعی تا ۱۰ سال، در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل کمیته حقوق کودک اعلام کرده است که در بحرین هیچ حداقل سن مسئولیت کیفری وجود ندارد.

در قطر، بر اساس ماده ۷ قانون جوانان ۱۹۹۴، افراد زیر ۷ سال فاقد مسئولیت کیفری بوده و افراد بین ۷ تا ۱۸ سال نیز نباید مسئول شناخته شوند، مگر آنکه قاضی با توجه به اوضاع و احوال قضیه احراز کند که مجرم به اندازه کافی از رشد عقلی برای ارتکاب جرم برخوردار بوده و در این رابطه هیچ تفاوتی میان پسر و دختر مطرح نیست.<sup>۲</sup>

ماده ۴۴۲ قانون کیفری الجزایر سن بلوغ کیفری را ۱۸ سال قرارداده است. و در ماده ۴۴۳ مطرح شده که معیار سن در تعیین بلوغ کیفری سن زمان ارتکاب جرم است. بر اساس ماده ۴۵۶ مجرمی که هنوز به سن ۱۳ سال نرسیده حتی به طور موقت مهم نیابد به زندان بیفتد. همچنین یک مجرم در بین سنین ۱۳ تا ۱۸ سال تنها در صورتی که امکان اتخاذ تدابیر شده یا حمایتی خاص نباشد به زندان می افتد و در آن صورت هم باید در بخش جداگانه یا محل ویژه ای نگهداری شود.<sup>۳</sup>

بر اساس حقوق «کامن لا» آفریقای جنوبی، کودک زیر ۷ سال فاقد مسئولیت کیفری است و در مورد کودک ۷ تا ۱۴ سال دوم فرض بر عدم توانایی کودک در صورت ارتکاب جرم می باشد و تنها در صورتیکه دادگاه احراز کند که کودک فرق بین حق و ناحق یا درست و نادرست می داند و توان ارتکاب عمل با علم را دارد مسئول قلمداد می شود. در مورد افراد بالای ۱۴ سال نیز در صورت ارتکاب مسئولیت کیفری همانند بزرگسالان پیش بینی شده است.<sup>۴</sup>

در سودان نیز بدون در نظر گرفتن دعاوی متعدد، مواد ۳ و ۹ قانون مجازات تنها محدوده سنی مسئولیت کیفری را برای کودکان ۱۵ سال و بالاتری که به بلوغ رسیدند و بزرگسالان ۱۸ یا بزرگتر در نظر می گیرد. ماده ۹ قانون کیفری ۱۹۹۱ سودان

<sup>۱</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۶.

<sup>۲</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۱.

<sup>۳</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۶.

<sup>۴</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۵.

کودکانی را که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند در صورت ارتکاب جرم فاقد مسئولیت کیفری قلمداد کرده است و در مورد کودکان ۷ تا ۱۸ سال نیز باید تدابیر اصلاحی و تربیتی اعمال شود. بر اساس ماده ۳ این قانون فرد بالغ کسی است که از لحاظ جسمی و ظاهری نشان دهد که به سن تمیز رسیده و این فرد می تواند شخصی باشد که به سن ۱۵ سال رسیده است. اما در هر حال شخصی که بالای ۱۸ سال سن دارد قطعاً بالغ محسوب می شود حتی اگر وضعیت جسمی و ظاهری در این را نشان ندهد. ماده ۷۴ به دادگاه ها اجازه می دهد که کودکان ۷ سال و بزرگتر را که مرتکب جرم شدند به موسسات اصلاحی برای مدت ۲ تا ۵ سال ارجاع دهند. در این کشور، بر اساس نظر کمیته حقوق کودک، به هیچ وجه هیچ محدوده سنی حداقلی برای مسئولیت در باب جرایمی هم چون حمل مشروبات الکلی و مواد مخدر یا استفاده از آنها و یا روابط جنسی خارج از ازدواج وجود ندارد. به علاوه تحت شرایط خاص، بند ۲ ماده ۲۷ قانون مجازات سودان اجازه می دهد تا کودکان ۷ تا ۱۴ سالی که مرتکب قتل، جرایم حد یا قصاص اعدام شده اند به مجازات برسند یعنی برای این کودکان در جرایم خاص حتماً اجازه مجازات های مستلزم اعدام نیز داده شده است.<sup>۱</sup>

بر اساس قانون کیفری **یمن** کودکان زیر ۷ سال فاقد مسئولیت کیفری است و افراد بین ۷ تا ۱۵ سال نیز در صورت ارتکاب جرم به تشخیص قاضی تنها تدابیر اصلاحی و تربیتی در مورد آنان اعمال می شود.<sup>۲</sup>

## ۲- جمع بندی وضعیت سن مسئولیت کیفری

در منطقه خاور میانه و آفریقای شمالی، اغلب کشورها با اکثریت مسلمان بوده و از میان آنها بسیاری نیز تحت قوانین اسلام قرار دارند. در این منطقه، حداقل سن مسئولیت کیفری بین ۷ تا ۱۳ سال متغیر است. البته بحرین و سودان هیچ حداقل سن مسئولیت کیفری را تعیین نکرده اند.

به غیر از کشورهایی که هیچ حداقل سنی را برای مسئولی کیفری تعیین نکرده اند، پایین ترین این معیار که ۷ سال است به **مصر<sup>۳</sup>، اردن<sup>۴</sup>، کویت<sup>۵</sup>، لبنان، لیبی، قطر، امارات متحده عربی<sup>۶</sup> و یمن** و بالاترین آن که ۱۳ سال است به **الجزایر، دی جی بوتی و تونس** تعلق دارد. در میان این طیف، کشورهای **عراق، فلسطین و عمان<sup>۷</sup>** با تعیین ۹ سال؛ **قبرس و**

<sup>۱</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۱.

<sup>۲</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۸.

<sup>۳</sup> - بر اساس ماده ۹۴ قانون اطفال سال ۱۹۹۶ مصر، هر کودک زیر ۷ سال فاقد مسئولیت کیفری است (کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۹).

<sup>۴</sup> - ماده ۳۶ قانون اطفال سال ۲۰۰۲ اردن اظهار می دارد که رویه های کیفری نمی توانند در ارتباط با یک جرم مرتکب شده توسط شخصی اعمال بشوند که در زمان ارتکاب جرم زیر ۷ سال قرار دارد.

<sup>۵</sup> - ماده ۱۸ قانون کیفری ۱۹۶۰ کویت مقرر می کند: «هر کسی در زمان ارتکاب جرم زیر ۷ سال باشد نمی تواند مجازات و مورد تعقیب کیفری قرار بگیرد.»

<sup>۶</sup> - ماده ۶ قانون فدرال شماره ۹ مصوب ۱۹۷۶ امارات متحده عربی مقرر کرده است که رویه های کیفری نمی تواند علیه یک طفل بزهکار زیر سن ۷ سال به

به کار گرفته شود.

<sup>۷</sup> - بر اساس ماده ۱۰۴ قانون مجازات ۱۹۷۴ عمان، هر شخصی که هنوز به سن ۹ سال تمام نرسیده در هنگام ارتکاب یک جرم نمی تواند از لحاظ کیفری تحت تعقیب قضایی قرار بگیرد.



**سوریه<sup>۱</sup>** با ۱۰ سال و **اسرائیل و مراکش** با ۱۳ سال به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری قرار دارند. همان طور که مشاهده می شود بسیاری از کشورها از حداقل سن مسئولیت کیفری بسیار پایین در این منطقه برخوردار هستند به طوری که میانگین این سن در این منطقه کمتر از ۹ سال است. ضمن آنکه قوانین برخی از این کشورها نشان می دهد که کودکان حتا در زیر حداقل سن مسئولیت کیفری با مجازات های ترمیمی مواجه می شوند. به طور نمونه ماده ۴۹ قانون مجازات **الجزایر** اظهار می دارد که اقدامات حمایتی یا بازآموزی می تواند برای کودکان صغیر زیر ۱۳ سال استفاده شود، این اقدامات ظاهرا شامل نگه داشتن کودکان در ۳۰ مرکز بازآموزی خاص می شود که توسط وزارت دادگستری این کشور اداره می شوند. در سال ۲۰۰۵ نزدیک به ۲۰۰۰ کودک در نتیجه تعارض قوانین مربوط به سن ۸ و ۱۳ سال از آزادی خود در این مراکز محروم شدند.<sup>۲</sup>

از طرف دیگر در این منطقه، سن مسئولیت کیفری برای جرایم خاص تنها در تعداد اندکی از کشورها مانند **جیبوتی** (۱۲ سال)، **عربستان سعودی** (۷ و ۱۲ سال) و **سودان**<sup>۳</sup> در نظر گرفته شده است. در عربستان، حداقل، تا سال های اخیر سن مسئولیت کیفری در کنار جرایم مهم ۷ سال بود. اما اکنون به ۱۲ سال رسیده است. با این حال، سیاست ها و بیانیه های دولت در ارتباط با افزایش سن به ۱۲ سال تا حد زیادی با همدیگر ناسازگار هستند و اغلب تنها برای پسران اعمال می شوند. در سودان برای برخی از جرایم ۷ تا ۱۵ سال به شرط آنکه به بلوغ شرعی رسیده باشد و برای برخی جرایم خاص دیگر ۱۸ سال به عنوان سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص در نظر گرفته شده است.

برخی از کشورها یک اِمارة عدم رشد نیز با مسئولیت کیفری تعیین کرده اند، از جمله می توان به **قطر** (۷-۱۸ سال)، **تونس** (۱۵ تا ۱۳ سال) و **امارات متحده عربی** (۷ تا تشخیص سن بلوغ) اشاره کرد. به طور نمونه در قطر طبق قانون مجازات آن مشخص شده است که اولاً هیچ مسئولیت کیفری برای عمل کیفری ارتکاب یافته، برای کودک زیر ۷ سال شناخته نمی شود و دوماً اگر کودک بین ۷ تا ۱۸ سال باشد از نظر کیفری مسئول نیست مگر اینکه بلوغ کافی را در آگاهی نسبت به ماهیت آن موضوع یا نتیجه عمل خود داشته باشد (دان سپیریانی، ۲۰۰۹).

## ج) منطقه آسیای جنوبی

### ۱- شرح کلی

در آسیای جنوبی، تقریباً ۶۵٪ تولدها ثبت نمی شوند. یعنی اینکه تقریباً ۲۲.۵ میلیون کودک در این منطقه، قانونی نیستند. کودکان کار و کودکانی که در خانواده های فقیر به دنیا می آیند، احتمال کمتری دارد که مدارک شناسایی داشته باشند و به همین دلیل بیشتر در معرض خطرات ناشی از آن هستند. دادرسان و افسران پلیس معمولاً بدون آنکه این اسناد هویتی را درخواست کنند این کودکان را بازداشت می کنند بنابراین آنها فاقد حمایت های قانونی مناسب هستند. در این شرایط ارزش حمایتی حداقل سن

<sup>۱</sup> - بر اساس مواد ۲ و ۳۰ قانون بزهکاری جوانان مصوب ۱۹۷۴ و ۲۰۰۳ سوریه.

<sup>۲</sup> - ن.ک. به نظرات کمیته حقوق کودک در دومین گزارش دوره ای دولت های متعاقد در سال ۲۰۰۰

<sup>۳</sup> - قانون حقوق کیفری، مواد ۳، ۹ و بند ۲۷۲ قانون مجازات ۱۹۹۱ و مواد ۱۵ و ۲۰ پیمان مواد مخدر و داروهای روانگردان ۱۹۹۴ سودان.

مسئولیت کیفری به سرعت نادیده گرفته می شود. اخیراً پیشرفت های مثبتی در برخی از کشورهای آسیای جنوبی برای ثبت تولد کودکان در قالب کمپین های ملی تاثیر گذار صورت گرفته است که می توان به **افغانستان، مالدیو و بنگلادش** اشاره کرد (اداره منطقه جنوب آسیا صندوق کودکان ملل متحد، ۲۰۰۵).

اما قابلیت اعمال و اجرای محدود قوانین، حداقل سن مسئولیت کیفری را با شک و تردیدهایی مواجه می کند. به طور مثال بسیاری از کشورها فاقد مکانیزمهای دولتی برای اجرای قانون بوده و ظرفیت های لازم برای اعمال قانون را ندارند. از سوی دیگر بسیاری از قضات بدون داشتن آگاهی های لازم به اجرای همان قوانین قبلی می پردازند. در این صورت، حداقل سن مسئولیت کیفری نمی تواند مستلزم حمایت لازم از کودک باشد زمانی که قوانین مرتبط اجرا نمی شود یا در کل کشور اعمال نمی شود.

موضوع دیگر این است که سن کودکان اغلب در زمان محاکمه در نظر گرفته می شود نه در زمان ارتکاب جرایم. در این خصوص کمیته حقوق کودک به طور خاص به **هند** توصیه کرده است که قوانین خود را اصلاح کند، قوانینی که به سن کودکان در زمان ارتکاب جرم اشاره بکند نه در زمان محاکمات. در بسیاری از موارد تعقیب ناموفق مجرمان بزرگسال، زمینه ساز سوء استفاده کیفری از کودکان می شود. جرم شناسان معتقدند که بزرگسالان به طور غیر قانونی از کودکان برای ارتکاب جرایم در تمام کشورهای دنیا استفاده می کنند و کودکان کوچکتر از حداقل سن مسئولیت کیفری اغلب در معرض آسیب پذیری بسیار ناشی از این سوء استفاده هستند به طور نمونه، بسیاری از قاچاقچیان مواد مخدر از کودکان برای فروش مواد استفاده می کنند.

همچنین، در برخی از موارد قصد حمایتی مندرج در مقررات اماره عدم رشد در واقع تحریف می شود. به طور مثال، رویه های قضایی طرح اولیه مندرج در مقررات اماره عدم رشد که اقدام حمایتی است نادیده می گیرد. در واقع این اماره عدم رشد به لحاظ نظری قصد دارد تا مسئولیت کیفری کودکانی را که به بلوغ کافی رسیده اند محدود سازد، اما در عمل این مقررات به مکانیزمی برای تبعیض علیه کودکان خیابان، کودکان تن فروش و کودکان فقیر تبدیل شده است. (اداره منطقه جنوب آسیا صندوق کودکان ملل متحد، ۲۰۰۵). در ادامه به مقررات برخی از کشورها در این منطقه در رابطه با سن مسئولیت کیفری اشاره شده است.

طبق قانون کیفری **پاکستان** کودک به هر فرد زیر ۱۸ سال اطلاق می شود. بر اساس بخش ۸۲ و ۸۳ همان قانون کودکان زیر ۷ سال فاقد مسئولیت کیفری هستند و در مورد کودکان بین ۷ تا ۱۲ سال در صورت ارتکاب جرم قاضی باید با توجه به اوضاع و احوال قضیه و با استفاده از کارشناسان، بلوغ کودک را احراز نماید و اگر تشخیص دهد که کودک هنوز به بلوغ کافی برای فهم ماهیت و نتایج رفتار خود در آن شرایط نرسیده باشد، فاقد مسئولیت کیفری است. اما بر اساس دستورات حدود سال ۱۹۷۲ همه پاکستانی ها بدون در نظر گرفتن سن از لحاظ کیفری در ارتباط با جرایم خاص مانند تجاوز، زنا، محصن یا محصنه، مصرف الکل، دزدی و سرقت مسلحانه و افتراء، مسئول شناخته می شوند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۳.

بر اساس بخش ۸۲ قانون کیفری **هند** افراد زیر ۷ سال فاقد مسئولیت کیفری هستند و بر اساس بخش ۸۳ این قانون در مورد جرایمی که توسط کودکان بالای ۷ و زیر ۱۲ سال انجام می شود قاضی با توجه به اوضاع و احوال پرونده حکمی متناسب که معمولاً روشهای اصلاحی و تربیتی است صادر می کند.<sup>۱</sup>

بخش ۷۵ قانون مجازات ۱۹۸۰ **سریلانکا** اظهار می دارد: «عملی که توسط یک کودک زیر ۸ سال ارتکاب یافته جرم محسوب نمی شود.» و در ادامه آن، بخش ۷۶ همان قانون می گوید «عملی که توسط یک کودک بین سنین ۸ تا ۱۲ سال ارتکاب یافته و بلوغ کافی برای فهم و قضاوت درباره ماهیت و نتایج عمل خود را نداشته جرم محسوب نمی شود.»

طبق قوانین کیفری مصوب ۲۰۰۴ **بنگلادش**، هیچ عملی که توسط کودک با سن کمتر از ۹ سال ارتکاب یابد، جرم محسوب نمی شود. همچنین، فردی که سن بالاتر از ۹ سال و کمتر از ۱۲ سال دارد، در صورت ارتکاب جرم، محکوم نمی شود. بر اساس این قانون، در این سن، فرد کسی است که مانند بزرگسالان به فهم کافی از قضاوت در مورد نتیجه رفتاری که باعث می شود او مجرم شناخته شود، نایل نشده و به این ترتیب مستوجب مجازات نیست.

## ۲- جمع بندی وضعیت سن مسئولیت کیفری

در آسیای جنوبی، به غیر از **نپال و پاکستان** که هیچ حداقل سن مسئولیت کیفری را تعیین نکرده اند و **مالدیو** که معیار حداقل سن مسئولیت کیفری را سن بلوغ تعیین کرده است، حداقل سن مسئولیت کیفری ما بین ۷ تا ۱۲ سال متغیر است. **پاکستان** حداقل سن مسئولیت کیفری را مطابق بخش ۸۲ قانون مجازات، ۷ سال اعلام کرده است با این حال سایر مقررات قانونی، هیچ حداقل سنی را برای مسئولیت در قبال جرایم خاص اعلام نمی کند. بر اساس دستورات حدود سال ۱۹۷۲ همه پاکستانی ها بدون در نظر گرفتن سن از لحاظ کیفری در ارتباط با جرایم خاص مانند تجاوز، زنا، محصن یا محصنه، مصرف الکل، دزدی و سرقت مسلحانه و افترا، مسئول شناخته می شوند، به همین دلیل، می توان گفت حداقل سن مسئولیت کیفری در این کشور نامشخص است (دان سپریانی، ۲۰۰۹). این مسئله در مورد قوانین ضد تروریسم پاکستان از جمله قانون ضد تروریسم ۱۹۹۷ هم صدق می کند که بر اساس آن قضات دادگاه می توانند کودکان کوچکتر از استاندارد سنی مقرر در قانونی کیفری این کشور را مسئول بدانند (اداره منطقه جنوب آسیا صندوق کودکان ملل متحد، ۲۰۰۵).

کمترین میزان حداقل سن مسئولیت کیفری در منطقه آسیای جنوبی، به **هند** با میزان ۷ سال و بالاترین، به **افغانستان**<sup>۲</sup> با معیار ۱۲ سال تعلق دارد. در بین این دو، کشورهای **سریلانکا** با حداقل سن مسئولیت کیفری ۸ سال، **بنگلادش** با ۹ سال و **بوتان**<sup>۱</sup> با ۱۰ سال قرار دارند.

<sup>۱</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۳.

<sup>۲</sup> - قانون بزهکاری جوانان مصوب ۲۰۰۵ بند ۱ ماده ۵ می گوید: «هر شخصی که به سن ۱۲ سال تمام نرسیده است از نظر کیفری مسئول محسوب نمی شود.»

**مالدیو** (۱۰ و ۱۵ سال)، **پاکستان** (۷ سال) و **نپال** (۱۰ سال) تنها کشورهایی هستند که سن مسئولیت کیفری برای جرایم خاص در نظر گرفته اند. در مالدیو سن مسئولیت کیفری برای جرایم خاص ۱۰ و ۱۵ سال در نظر گرفته شده که احتمالاً بر مبنای بلوغ شرعی بوده که برای دختران ۱۰ سال و برای پسران ۱۵ سال تعیین شده است. به این ترتیب مشاهده می شود که حداقل سن مسئولیت کیفری در این منطقه از حداقل سطحی که در توصیه کمیته حقوق کودک و قطعنامه کنگره بین المللی حقوق جزا آمده بسیار پایین تر است.

همچنین در برخی از کشورها از جمله **هند و پاکستان** (۷ تا ۱۲ سال)، **سريلانكا** (۸ تا ۱۲ سال) **بنگلادش** (۹ تا ۱۲ سال)، اِماره عدم رشد در نظر گرفته شده است (دان سیپریانی، ۲۰۰۹).

### چ) مناطق آفریقای مرکزی و غربی

در منطقه آفریقای مرکزی و غربی، حداقل سن مسئولیت کیفری بین ۷ تا ۱۶ سال متغیر است. البته در این میان، **جمهوری دموکراتیک کنگو** که وضعیت نامعلومی دارد و **برخی از ایالات نیجریه** که در آنها بلوغ مبنای حداقل سن مسئولیت کیفری قرار گرفته از این امر مستثنا هستند.

پایین ترین حداقل سن مسئولیت کیفری که ۷ سال است به کشورهای **لیبریا، موریتانی، و ایالات شمالی و جنوبی نیجریه** و بالاترین میزان آن با رقم ۱۶ سال به کشورهای **کاپ گینه استوایی، کیپ ورده، سائوتام و پرنسپ و کینه بیسائو** تعلق دارد. طبق اساسنامه حمایت قضایی از اطفال در **سائوتام و پرنسپ**، اطفال کوچکتر از ۱۶ سال چنانچه مرتکب اعمالی شوند که مجرمانه تلقی می شوند، فقط به دستور دادگاه های اطفال تحت حمایت، مشاوره یا اقدامات آموزشی قرار می گیرند و چنین اقداماتی می تواند شامل محرومیت از آزادی آنها - به طور نمونه نگهداری در مراکز آموزشی و موسسات آموزشی خصوصی - باشد، اگر چه ممکن است این اقدامات به کار گرفته نشود. در گام بعدی، **سیرالئون**<sup>۱</sup> با حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۴ سال قرار دارد. در این بین طیفی قرار دارد که شامل **کامرون و ساحل عاج** با ۱۰ سال؛ **بنین، بوركینافاسو، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، کنگو، گابون، گینه، مالی، نیجر، سنگال و توگو** با ۱۳ سال و **گامبیا و غنا** با ۱۲ سال، می شود. در **بوركینافاسو**، اگر چه کودکانی که زیر ۱۳ سال هستند به لحاظ فنی مسئولیت کیفری ندارند اما قانون شماره ۱۹/۶۱ مصوب ۹ می ۱۹۶۱ در مورد مجرمان جوان و کودک در معرض خطر، مانع محرومیت از آزادی آنها توسط مقامات مجری قانون نمی شود و

---

<sup>۱</sup> - بر اساس قوانین کیفری بوتان، چنانچه شخصی که جرمی مرتکب شده، کودک ۱۰ سال یا کمتر از آن باشد، مسئول عمل مجرمانه ای که انجام داده، نخواهد بود.

<sup>۲</sup> - ماده ۷۰ پیمان حقوق کودک مصوب ۲۰۰۷ مقرر می کند که در هر رسیدگی قضائی در سیرالئون کودک نمی تواند از لحاظ کیفری به خاطر اعمالی که زیر سن ۱۴ سال مرتکب شده، مسئول شناخته شود.

این قانون اقدامات پلیس در رابطه با محرومیت از آزادی این کودکان را مشخص نکرده است. به این ترتیب، اطفالی که زیر سن ۱۳ سال هستند و فرض دانسته شده که به خاطر اعمالشان مسئول نیستند می توانند توسط پلیس محبوس شوند.<sup>۱</sup>

در این منطقه، تنها قوانین نیجریه سن مسئولیت کیفری در جرایم خاص مشخص کرده است که این نصاب در ایالات جنوبی نیجریه سن ۱۲ سال و در ایالات مختلف (به غیر از ایالات شمالی) سن ۷ سال معین شده است.

علاوه بر آن، در برخی از کشورهای منطقه از جمله مالی (۱۳ تا ۱۸ سال)، نیجر (۱۳ تا ۱۸ سال) و ایالات شمال و جنوبی نیجریه (۷ تا ۱۲ سال)، اماره عدم رشد تعیین شده است (دان سپیریانی، ۲۰۰۹).

با نگاهی به ارقام مشخص شده برای حداقل سن مسئولیت کیفری در این منطقه می بینیم که وضعیت آن تا حدی در این منطقه مطلوب است به طوری که میانگین آن حدود ۱۲ سال است.

### ح) مناطق اروپای غربی، آمریکای شمالی، استرالیا، نیوزلند، ژاپن و جمهوری کره

#### ۱- شرح کلی

در هلند، از سال ۱۹۰۱ لزوم تشخیص قوه تشخیص از قوانین کنار گذاشته شد و اجرای روشهای اصلاحی و تربیتی برای اطفال و نوجوانان بزهکار زیر ۱۸ سال مقرر گردید. براساس قانون کیفری فعلی این کشور، کودکانی که هنوز به سن ۱۲ سال نرسیده اند در صورت ارتکاب جرایم کوچک تحت تعقیب و بازجویی قرار نمی گیرند مگر تحت شرایط ویژه و ضروری. البته افسران پلیس در هلند می توانند اطفال کوچکتر از ۱۲ سال را دستگیر کنند و آنها را در مراکز پلیس تا ۶ ساعت نگه دارند. برخی از نویسندگان این اقدامات و سایر اقدامات مرتبط را به عنوان مسئولیت کیفری موثر در سن ۱۰ سال تشریح کرده اند. در هر صورت، براساس قوانین هلند، درقبال جرایم افراد زیر ۱۸ سال، تدابیر اصلاحی و تربیتی اعمال می شود.<sup>۲</sup>

در فرانسه، در سال ۱۹۰۶ سن مسئولیت کیفری مطلق از ۱۶ سال به ۱۸ سال افزایش یافت. مطابق با قانون مذکور دادگاه مخیر بود تا بدون توجه به قوه تمیز، طفل را تبرئه کرده یا به سرپرست قانونی وی بسپارد یا اینکه در صورت لزوم تا رسیدن به سن ۲۰ سال حکم نگهداری وی در موسسات تربیتی را صادر نماید. در ۲۲ ژانویه ۱۹۱۲ قانون دادگاههای اطفال در این کشور تصویب شد، که براساس آن، اطفال تا ۱۳ سالگی بدون توجه به قوه تمیز مسئول شناخته نمی شوند و از سن ۱۳ تا ۱۸ سال نیز دارای مسئولیت کیفری نسبی بودند. براساس مواد ۱۲۸-۱۲۲ قانون کیفری مصوب ۱۹۹۲ فرانسه که در سال ۱۹۹۴ قابلیت اجرایی یافت. اطفالی که مجرم شناخته می شوند موضوع تدابیر حمایتی، همیاری، مراقبتی و تربیتی که شرایط آن را قانون خاصی تعیین می کند،

<sup>۱</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۷.

<sup>۲</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۳.

قرار می گیرند. این قانون همچنین شرایط خاصی را در خصوص مجازات اطفالی که در بین سنین ۱۳ تا ۱۸ سال مرتکب جرم شده اند پیش بینی کرده است.<sup>۱</sup>

براساس اظهارات داخلی در **لوکزامبورگ**، ۱۶ سال حداقل سن برای مسئولیت کیفری و حداقل سن برای بلوغ کیفری است و تنها اقدامات حمایتی، مراقبتی، درمانی و آموزشی برای افراد جوان تر از این سن در نظر گرفته می شود. با این حال، اقدامات دادگاه های مختلف اطفال نشان می دهد که به نوعی برخورد کیفری-اصلاحی در برابر اقدامات کودکان، بدون در نظر گرفتن هیچ محدوده سنی پایین تر، صورت می گیرد. این امر می تواند کودکان را از آزادی شان محروم و در برخی موارد کودکان تا ده سال را به حبس انفرادی به عنوان اقدامات تادیبی، متهم کند.

در **بلژیک** در سال ۱۹۱۲ قانون حمایت از اطفال به تصویب رسید. مطابق با این قانون، اطفال تا ۱۶ سالگی غیرمسئول و از مجازات معاف بودند و در صورت لزوم دادگاه اطفال حکم به اجرای روشهای اصلاحی و تربیتی در مورد این اطفال صادر می کرد. در قانون حمایت از جوانان مصوب ۸ آوریل ۱۹۶۵ که اکنون هم اعتبار دارد سن مسئولیت کیفری مطلق به ۱۸ سال رسید. مطابق با ماده ۳۸ این قانون در صورتیکه فرد در زمان ارتکاب جرم بالای ۱۶ سال داشته باشد و به نظر دادگاه، اقدامات اصلاحی و تربیتی کافی نباشد، برخورد با آن همانند افراد بزرگسال بالای ۱۸ سال خواهد بود.<sup>۲</sup>

در قوانین **اسکاتلند** با اینکه سن مسئولیت کیفری نسبی در این کشور پائین است (۸ سال) اما در واقع تا زمانی که مرتکب به سن ۱۶ سال نرسیده باشد، تنها در قبال ارتکاب جرایم سنگین نظیر قتل، زنا به عنف، سرقت مسلحانه، آدم ربائی و جرایمی از این قبیل قابل تعقیب هستند در این صورت هم تحت شرایط خاص و ویژه ای محاکمه و محکوم می شوند و برای احراز مسئولیت کودک زیر سن ۱۶ سال نیز از کارشناسان ویژه ای استفاده می کنند.

در قوانین **انگلیس و ولز**، سن مسئولیت کیفری ۱۰ سال است ولی در رابطه با افراد بین ۱۰ تا ۱۴ سال نیز در صورت تشخیص دادگاه تنها تدابیر اصلاحی و تربیتی اعمال خواهد شد.

در ایرلند حداقل سن مسئولیت کیفری ۱۰ سال است. علاوه بر آن، قانون کودکان ۲۰۰۱ به علاوه بند ۱ تا ۲ ماده ۵۲ قانون ۲۰۰۶ ایرلند مقرر می کند که کودک زیر ۱۲ سال نمی تواند متهم به ارتکاب جرم شود. این بند برای کودکان ۱۰ یا ۱۱ سالی که متهم به ارتکاب قتل، قتل نفس، تجاوز و تجاوز تحت بخش ۴ قانون کیفری اصلاحیه پیمان ۱۹۹۰ یا رفتارهای جنسی خشن هستند، اعمال نمی شود.

<sup>۱</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۳.

<sup>۲</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۷.

در **آلمان** در سال ۱۹۰۳ قانون تشکیل دادگاههای اطفال تصویب شد. براساس این قانون، اطفال زیر ۱۴ سال فاقد مسئولیت کیفری بودند و در مورد نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال نیز، اجرای روشهای اصلاحی و تربیتی پیش بینی شد. مطابق با بخش ۹ قانون جزای فعلی این کشور نیز، سن مسئولیت کیفری مطلق ۱۸ سال است.<sup>۱</sup>

در **نروژ** در سال ۱۹۰۲ سن مسئولیت کیفری نسبی ۱۴ سال تعیین و در خصوص اطفال ۱۴ تا ۱۸ سال، در صورت ارتکاب جرم، تخفیف مجازات الزامی گردید.<sup>۲</sup> اما در قانون کیفری مدنی عمومی ۱۹۹۴ ماده ۴۶ مقرر شد که هیچ شخصی نمی تواند به دلیل ارتکاب هر عملی قبل از رسیدن به ۱۵ سال مجازات شود و به این ترتیب حداقل سن مسئولیت کیفری به ۱۵ سال ارتقاء یافت.

در **دانمارک** طبق بخش ۱۵ قانون شماره ۹۰۵ آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۹۹۲ در دانمارک علاوه بر اینکه اطفال زیر ۱۵ سال فاقد مسئولیت کیفری هستند، برای کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال نیز تدابیر اصلاحی پیش بینی شده است.<sup>۳</sup> بخش ۷۵ قانون عدالت اداری سال ۲۰۰۴ دانمارک، به پلیس اجازه می دهد تا مظنونین جوان تا ۱۲ سال را در اتاق های انتظار و سلولها بازداشت کند. بازداشت می تواند تا ۲۴ ساعت تمدید شود و حبس در سلول انفرادی هم تا ۶ ساعت به پلیس اجازه داده شده. همچنین، پلیس می تواند استراق سمع، تحقیق، تجسس و توقیف کند.

در **سوئیس** در سال ۱۹۲۴، اولین اعلامیه حقوق کودک منتشر شد که منشأ آثار مهمی در تدوین قوانین مربوط به کودکان گردید. در ۲۱ دسامبر ۱۹۳۷ پس از ۴۶ سال مطالعه و تحقیق، قانون جزای سوئیس به تصویب رسید. مطابق قانون مذکور، اطفال تا ۶ سال غیر مسئول قلمداد شده و برای اطفال و نوجوانان ۶ تا ۱۸ سال اجرای روشهای اصلاحی و تربیتی مقرر گردید. در قانون جزای سال ۱۹۹۸ این کشور، برای هر گروه سنی تا سن ۱۸ سال تدابیر ویژه ای پیش بینی شده است. کودکان ۷ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۸ سال در مواد ۸۹ تا ۹۹ این قانون، گروههایی هستند که تدابیر مذکور برای آنان پیش بینی شده است. بر اساس مواد ۶۷ تا ۷۸ این قانون، کودکان و نوجوانان در صورت ارتکاب جرم به روشی متناسب با سن و رشد فکری اشان مجازات خواهند شد.<sup>۴</sup>

**ایتالیا** از جمله کشورهای پیشرو در تأسیس دادگاههای ویژه اطفال می باشد. بر اساس ماده ۹۷ قانون جزای این کشور، اطفال زیر ۱۴ سال فاقد مسئولیت کیفری می باشند، زیرا داشتن قصد برای این اطفال منتفی دانسته شده است. براساس ماده ۹۸ این قانون، در صورت ارتکاب جرم از سوی افراد ۱۴ تا ۱۸ سال در هر قضیه باید به طور جداگانه بررسی شود که آیا فرد اهلیت درک و فهم را داشته و یا قصد برای او متصور بوده و می توان وی را به خاطر اعمالش مسئول دانست یا خیر؟<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۸.

<sup>۲</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۲.

<sup>۳</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۱.

<sup>۴</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۱۹۹۳.

<sup>۵</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۳.

قانون کیفری **یونان**، رسماً مسئولیت کیفری را در سن ۱۸ سال اعلام می کند، با این حال دادگاه های اطفال صلاحیت خودشان را به اطفال ۸ سال و بالاتر که در تعارض با قانون هستند، گسترش می دهد. قانون کیفری ۲۰۰۳، مواد ۱۲۱، ۱۲۶ و دادگاه می تواند دستور اقدامات توانبخشی و درمانی را برای این اطفال صادر کند که می تواند محرومیت از آزادی آنها را به دنبال داشته باشد.

در **امریکا**، با وجود اینکه در برخی از ایالات این کشور سن مسئولیت کیفری بسیار پائین (۷ و ۶ سالگی) است، اما بر اساس قانون فدرال کودکان زیر ۱۴ سال فاقد مسئولیت کیفری هستند.<sup>۱</sup> به این ترتیب برخلاف قانون فدرال، برخی ایالات امریکا دارای حداقل سن مسئولیت کیفری بسیار پائینی هستند. به طوری که کارولینای شمالی با ۶ سال؛ مریلند، ماساچوست و نیویورک با ۷ سال و آریزونا و واشنگتن با ۸ سال؛ آرکانزاس، کلرادو، کانزاس، لوئیزیانا، مینسوتا، می سی سی پی، داکوتای جنوبی، تگزاس و ویسکانسین با ۱۰ سال و کالیفرنیا، نیوجرسی، پنسیلوانیا، ورمونت و باقی ایالات با تعیین هیچ سنی برای مسئولیت کیفری از پایین ترین معیار حداقل سن مسئولیت کیفری برخوردارند. در رویه های قضایی یا مقررات ایالات متاخر که نام برده شد، هیچ سن حداقلی برای تطبیق بزهکاری کودکان در رسیدگی های دادگاه های اطفال وجود ندارد یا اینکه هیچ سن حداقلی برای دادگاه های کیفری صالح بزرگسالان مشخص نشده است. به علاوه دولت فدرال نیز هیچ محدوده سنی حداقلی برای کودکان بزهکار ندارد. مجریان قانون فدرال تقریباً در هر سال ۴۰۰ کودک را بازداشت می کنند اما پرونده های آنها می تواند تحت شرایط خاص به دادگاه های ایالتی ارجاع شود. در دو ایالت کالیفرنیا و واشنگتن تاحدی اماره عدم رشد در رسیدگی های دادگاه های اطفال مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین، رویه قضائی نیوجرسی در دو پرونده اطفال مرتکب جرایم جنسی استدلال کرده است که فرض اماره عدم رشد «کامن لا» در رویه های دادگاه های اطفال در وجود دارد. پرونده حقوقی در ۲۰ ایالت دیگر نیز نشان می دهد که مقررات اماره عدم رشد حقوق عرفی فقط در دادگاه های کیفری بزرگسالان اعمال می شود، بدون اینکه لزوماً رسیدگی های بزهکاری اطفال را در دادگاه های اطفال دربرداشته باشد. اگر چه چنین مقرراتی از نظر نظری برای همه کودکان در دادگاه های بزرگسال قابل اعمال است. اماره عدم رشد به طور کلی محل مناقشه است.

در **کانادا** بر اساس مبحث ۱۳ قوانین کیفری مصوبه ۱۹۸۵ کانادا، هیچ فردی مجرم خوانده نمی شود، اگر به سن ۱۲ سالگی نرسیده باشد؛ درست مانند این که هیچ جرمی را انجام نداده باشد. بنابراین مطابق با قانون فدرال، سن مجاز برای احضار شخص به نهادهای کیفری ۱۲ سال است. در شرایط استثنائی و در جرایم فوق العاده خطرناک، افراد ۱۰ و ۱۱ ساله هم با رضایت دادستان و مقامات دادگاه قابل تعقیب هستند. البته در مورد آنها باید حتی الامکان روشهای اصلاحی و تربیتی اعمال گردد.<sup>۲</sup>

در تمامی ایالات **استرالیا** (نیو ساوت ولز، ویکتوریا، استرالیا جنوبی، استرالیا غربی، کوینزلند، تازمانیا، پایتخت مرکزی و سرزمین شمالی) حداقل سن کیفری ۱۰ سال است. در قوانین عرفی این کشور فرضی قابل رعد وجود دارد که کودک بین ۱۰ تا

<sup>۱</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۲.

<sup>۲</sup> - اینجا را ببینید.



۱۴ سال توانایی انجام اعمال مجرمانه را ندارد. این فرض در شرایطی رد می‌شود که به قضات و کارشناسان پرونده احراز شود که کودک خاطی توانایی تشخیص خوب از بد را در هنگام ارتکاب جرم داشته است. کودکان بین ۱۴ تا ۱۷ یا ۱۸ سال ( بسته به حوزه قضایی در هر ایالت ) مسئولیت کامل کیفری دارند اما نحو برخورد قضایی با آنان کاملاً متفاوت از نحو برخورد با بزرگسالانی نیست که جرم مشابه داشتند. تمامی سعی بر این است که کودکان مجرم به کوتاهترین مجازات حبس محکم شوند و مجازات‌ها معمولاً رویه اصلاحاتی و تربیتی دارند.<sup>۱</sup>

در ژاپن در قانون سال ۱۹۰۷ این کشور سن مسئولیت کیفری ۱۴ سال تعیین شد و در حال حاضر طبق قانون رفاه کودکان همین سن به عنوان سن مسئولیت کیفری تعیین شده است.<sup>۲</sup> اصلاحیه‌های می ۲۰۰۷ قانون اطفال ژاپن به دادگاه‌های خانواده اجازه می‌دهد تا دستور به بدترین شرایط علیه کودکان ۱۱ سال در تعارض با قانون بدهند که تعهد به مدارس بازآموزی جوانانی که تحت نظارت دفتر اصلاح وزارت دادگستری است شوند. قبلاً حداقل سن برای این وضعیت ۱۴ سال بود، طبق این اصلاحات چنین کودکانی می‌توانند موضوع بازپرسی، تحقیق و توقیف پلیس قرار بگیرند. محدوده سنی ۱۴ سال نیز غالباً ذکر شده است به دلیل اینکه پایین‌ترین محدوده سنی ممکن برای تبصره قانون برای دادگاه کیفری بزرگسالان در شرایط ارتکاب جرایم شدید است.

## ۲- جمع‌بندی وضعیت سن مسئولیت کیفری

به طور کلی در این منطقه، حداقل سن مسئولیت کیفری به غیر از فرانسه، لوکزامبورگ و برخی از ایالات آمریکا بین ۶ تا ۱۵ سال قرار دارد. پایین‌ترین حداقل سن مسئولیت کیفری که ۶ سال است به کارولینای شمالی در آمریکا تعلق دارد.

پس از آن برخی ایالات آمریکا ۷ سال، برخی دیگر ۸ سال و برخی نیز ۱۰ سال را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری تعیین کرده‌اند. چنین روندی را در انگلستان هم مشاهده می‌کنیم. به طوری که در اسکاتلند ۸ سال، انگلیس و ولز و ایرلند شمالی ۱۰ سال و باقی بین ۸ تا ۱۰ سال به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری تعیین شده است، مالت با ۹ سال و استرالیا، ایرلند، نیوزلند و سوئیس با ۱۰ سال نیز در همین حدود قرار دارند.

از طرف دیگر، بالاترین حداقل سن مسئولیت کیفری را در دانمارک، فنلاند، ایسلند<sup>۳</sup>، نروژ و سوئد<sup>۴</sup> که ۱۵ سال است مشاهده می‌کنیم. در این بین کشورهایی همچون اتریش، آلمان، ایتالیا، لیختن اشتاین، جمهوری کره و اسپانیا با ۱۴ سال؛ یونان و موناکو با ۱۳ سال؛ اندورا، بلژیک، کانادا، هلند، پرتغال و سان مارینو با ۱۲ سال و ژاپن با ۱۱ سال قرار دارند.

<sup>۱</sup> - Urbas, Gregor (2000) The Age of Criminal Responsibility, Australian Institute of Criminology, No.181.

<sup>۲</sup> - کمیته حقوق کودک سازمان ملل، ۲۰۰۳.

<sup>۳</sup> - ماده ۱۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱ مارس ۲۰۰۴ ایسلند مقرر می‌کند یک شخص نمی‌تواند مجازات شود بر اساس عملی که قبل از رسیدن به سن ۱۵ سالگی انجام داده است.

<sup>۴</sup> - بخش ۶ قانون مجازات ۲۰۰۴ سوئد مقرر می‌کند هیچ مجازاتی نمی‌تواند برای شخصی که در زمان ارتکاب جرم، به سن ۱۵ سال نرسیده تحمیل شود.

در برخی از کشورها و ایالات برای جرایم خاص سن مسئولیت کیفری متفاوتی در نظر گرفته شده که از جمله می توان به **اتریش (۱۶ سال)، نیوزلند (۱۴ سال) ایرلند (۱۲ سال)، پنسیلوانیا و ورمونت از آمریکا (۱۰ سال)، کانادا (۱۰ یا ۱۱ سال) اسکاتلند (متغیر) اشاره کرد.**

در برخی از کشورهای منطقه مورد نظر، اِمارة عدم رشد تعیین شده است که به قرار زیر است:

- کالیفرنیا ۰ تا ۱۴ سال و واشنگتن ۸ تا ۱۲ سال؛
- فرانسه ۰ تا ۱۸ سال؛
- مالت ۹ تا ۱۴ سال؛
- استرالیا<sup>۱</sup> و نیوزلند: ۱۰ تا ۱۴ سال؛
- سان مارینو ۱۲ تا ۱۸ سال؛
- آلمان ۱۴ تا ۱۸ سال؛
- ایتالیا ۱۴ تا ۱۸ سال و
- اسکاتلند به صورت متغیر (دان سپیریانی، ۲۰۰۹).

### خ) کشورهای تحت قوانین اسلام

در اولین نگاه، به نظر می رسد که حقوق اسلامی تأثیر بسیار کمی بر مقررات حداقل سن مسئولیت کیفری در تمام ۱۹۲ کشور جهان داشته اند. در میان ۶۴ کشور که بخشی از کشورهای جهان اسلام هستند، تنها ۱۰ کشور به وضوح مقررات خود را در این زمینه تا حدی بر حقوق اسلامی بنا نموده اند. در مقررات سایر کشورها می توان ردپای تاریخ انگلیس، فرانسه یا قوانین روسیه را یافت. با این حال عمل به قوانین فوق می تواند به مشروعیت این کشورها ذیل مقررات اسلام مبتنی باشد و حقوق اسلامی نقش اولیه را در مباحث متعدد مربوط به اصلاح حداقل سن مسئولیت کیفری ایفا کرده است.

۸ مکتب مهم فکری در داخل حقوق اسلامی وجود دارد که نقطه نظرات متفاوتی نیز حتی در مورد برخی از مسائل سن کودکان و مسئولیت آنها دارند. در میان این ۸ مکتب، ۴ مکتب متعلق به اهل تسنن (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) و ۲ مکتب شیعه از اهمیت اساسی برای مسلمانان برخوردارند که به ترتیب ۸۰-۹۰ درصد و ۱۰-۱۵ درصد پیروان را به خود اختصاص می دهند. قبل از دهه ۷۰۰، فلاسفه و حقوقدانان اسلامی از جمله موسسان برخی از مکاتب فقهی بحث های متنوعی در مورد مصادیق

---

<sup>۱</sup> - برای مطالعه بیشتر در رابطه با قوانین مربوط به اِمارة عدم رشد در استرالیا به بخش ۴ قانون جرایم ۱۹۱۴ و ماده ۲ بخش ۷ قانون مجازات ۱۹۹۵ مراجعه کنید.

کودکی و مسئولیت حمایت از کودک طرح کردند چنان که تا دهه ۹۰۰ قوانین اسلامی در مورد کودکان به طور کامل ظهور یافت.

در همه موارد حقوق اسلامی مسئولیت کیفری را برای بزرگسالان و کودکان به طور یکسان مبتنی بر ویژگی های فردی خاص پیش بینی کردند که در میان آنها قدرت تعقل (عقل) و وجود انتخاب آزاد محوری اند. عقل به طور خاص اهمیت موسعی به عنوان یک پیش شرط برای استنباط و درک اهمیت قضاوت و اخلاقی بودن عمل دارد. بنابراین عقل به ظرفیت درک و قابلیت تشخیص میان خوب و بد وابسته است. در واقع در حقوق کیفری اسلامی تنها کسانی که می توانند یک هنجار حقوقی را درک کنند و مطابق با استنباط خود عمل کنند، مسئولیت کیفری نقض آن قاعده را دارند. در واقع مجازات های کیفری به ماهیت مقاصد مرتکبان بستگی دارد و منعکس کننده یک مفهوم زیربنایی مسئولیت کیفری مبتنی بر وجود درجاتی از تقصیر است. لذا عقل ظرفیتی است که در طول زمان توسعه می یابد در حالی که نمود آن عینی یا فوری نیست. قرآن به طور صریح یک دستورالعمل سنی را در مورد توسعه عقل ارائه نمی کند بنابراین محققان مذهبی سنین مختلفی را به عنوان معیار عملی برای نشان دهنده رشد فرد تفسیر کرده اند. به طور خاص در سنین طراحی شده برای کودکان فرض بر این است که عقل توسعه یافته و جایی که فقدان عقل مطرح باشد، مسئولیت کیفری امکانپذیر نیست.

با این مبنای مفهومی بنیادین حقوق اسلامی ۳ گروه سنی را در مورد کودکان و مسئولیت کیفری آنها به رسمیت می شناسد.

۱- از بد تولد تا ۷ سالگی: نظر کلی در میان محققان کلاسیک این است که کودکان تا سن ۷ سالگی غیرممیز بدون ظرفیت عقلی در نظر گرفته می شوند و از نظر کیفری مسئول شناخته نمی شوند.

۲- از سن ۷ تا آغاز بلوغ: در طول این سن تشخیص تعقل کودکان هنوز کامل نشده و توسعه نیافته است و بنابراین از مسئولیت کیفری مستثنی اند. حتی هنگامی که قدرت تشخیص کودک به طور فردی تشخیص داده می شود، رأی به مسئولیت کیفری آنها داده نمی شود. اما همانطور که در زیر هم شرح داده می شود، شروع مسئولیت در این سن حداقل در مکاتب مختلف ظاهراً با مجازات های تأدیبی برای برخی جرایم خاص ارتکاب یافته توسط این کودکان همراه است.

پایان موقت این دوره، شروع بلوغ در مکاتب فقهی مختلف به طور متفاوت ارزیابی شده است. بیشتر یک طیف سنی را - از یک سن حداقلی که قبل از آن بلوغ اتفاق نمی افتد تا یک سن حداکثری که بلوغ در آن فرض می شود- در بر می گیرد که درون آن مطابق با تکامل جسمی کودک به طور فردی بایستی قطعاً مشخص شود.

### طیف های سنی مکاتب اسلامی برای تعیین بلوغ افراد

مکاتب	حنفی	مالکی	شافعی	حنبلّی	شیعه
پسران	۱۵-۱۲	۱۸-۹	۱۵-۹	۱۵-۱۰	۱۵-۰
دختران	۱۵-۹	۱۸-۹	۱۵-۹	۱۵-۹	۹-۰

اظهارنظرهای مشهور فقهای مذهبی در هر مکتب فقهی در مورد طیف های سنی مختلف در ارتباط با بلوغ در برخی اوقات برای پسران و دختران حتی در درون یک مکتب نیز بسیار متفاوت است.

با ملاحظه طیف های سنی کودکان، مکاتب اسلامی نظرات متفاوتی نیز نسبت به یک شواهد رشد جسمی در بلوغ اظهار داشته اند. در همه موارد بلوغ به منزله نماینده ظرفیت تعقلی برای کودکان در نظر گرفته شده است که البته شرایط بلوغ بر حسب جنسیت و در میان افراد متفاوت در نظر گرفته شده است. بر اساس علائم جسمی پسران معمولاً وقتی قادر به تولید اسپرم می شوند، بالغ محسوب می گردند و دختران بر حسب قاعده شدن. دلایل دیگر در مکتب شیعه روئیدن مو بر بدن و در سایر مکاتب بارداری و کلفت شدن صداست.

۳- از زمان شروع بلوغ و بعد از آن: حتی پس از بلوغ کودکان به طور اتوماتیک وار مسئولیت کیفری برای اعمال مجرمانه شان ندارند. برای چنین مسئولیتی، بایستی کودکان به بلوغ و تکامل عقلی رسیده باشند. اگر این شرایط محقق شده باشد، بلوغ کامل و مسئولیت کیفری کامل قابل قبول است با مجازات های کیفری برای رفتار بزهکارانه این اطفال.

در داخل این سیستم مسئولیت کیفری بایستی موضوع کودکان جوانتر از سن بلوغ روش شود. به طور خلاصه یک دسته از جرایم، جرائم تعزیری، که با صلاحدید قاضی، مجازات صورت می گیرد، ممکن است برخی از کودکان با مجازات یا تأدیب علیرغم این مقررات کلی تقسیم بندی سنی مواجه شوند. به نظر می رسد که تأدیب می تواند به طور مشروط در برخی شرایط علیه کودکان در همه سنین به کار گرفته شود و از سوی قاضی برای همه کودکانی که مرتکب جرائم تعزیری شده اند. اما به نظر می رسد که تفاسیر مختلفی از جرایم تعزیری در مورد امکان تأدیب برای کودکان جوانتر از ۷ سال و حداقل در مکاتب شافعی و حنفی وجود دارد که اجازه چنین مجازات هایی را برای این کودکان صادر نمی کند. اگرچه به طور نظری گفته می شود که تأدیب یک درس یا هشدار است تا مجازات اما عموماً تأدیب شامل مجازات بدنی به شکل شلاق زدن را هم در بر می گیرد. (دان سپیریانی،

کشورهای ایران، افغانستان، کوموروس، مالزی، مالدیو، نیجریه، پاکستان و عربستان سعودی، سومالی و سودان همگی قوانین خود را از اصول حقوق کیفری اسلامی گرفته اند. تقریباً در همه موارد مقررات ذیل حقوق اسلامی استانداردهای بین المللی را در رابطه با عدم تبعیض جنسیتی نقض می کند.

به علاوه رویه های قانونی و ادله دعوی برای بلوغ بیشتر متمایل اند تا در بلوغ پسران تأخیر بیندازند. در حالی که قاعدگی و بارداری علائم غیر قابل رد و واضحتری هستند. از زمان تصویب قانون زنا در پاکستان در سال ۱۹۷۹، درصد دخترانی که به اتهام زنا در زندان هستند به شدت نامتناسب با دخترانی است که به دلیل ارتکاب سایر جرائم زندانی شده اند. در واقع اهمیت این موضوع در موارد تجاوز خود را نشان می دهد. یونیسف موارد متعددی از دختران ۱۲ و ۱۳ سال را گزارش داده که به خاطر زنا مجازات شده اند به این دلیل که تجاوز نسبت به آنها اثبات نشده است.

افغانستان احتمالاً بهترین نمونه قوانین عدالت نوجوانان را حتی در جهان ارائه کرده است که در آن اصول اسلامی را با استانداردهای حقوق کودکان برای حداقل سن مسئولیت کیفری در هم آمیخته است. مکتب حنفی در این مقررات بسیار تأثیر گذار بوده است چنان که مهمترین مکتب فقهی در افغانستان نیز هست. با این حال ماده ۷۲ قانون مجازات مصوب ۱۹۷۶ سابقاً سن مسئولیت کیفری را ۷ سال مقرر کرده بود که پائین ترین سن در طیف سنی مقرر برای ارزیابی بلوغ بود. یک گروه کاری سطح عالی از جمله سازمان های بین المللی و نمایندگان دولتی از وزارتخانه های مختلف و دادگاه ها همراه شدند تا قانون جدید را برای اطفال بنویسند. این گروه تعریف عدم تشخیص کودکان جوانتر از ۷ سال را از قوانین اسلامی گرفتند همینطور قدرت تمیز برای کودکان ۷ تا ۱۲ سال و اطفال ۱۲ تا ۱۸ را در نظر گرفتند و تنها این گروه آخر دارای مسئولیت کیفری شناخته شدند. در عمل شکاف های قانونی مسئولیت کیفری میان طیفهای کلاسیک سنی میان دختران و پسران پر شد در حالی که یک سن را برای هر دو جنس بدون ملاحظه بلوغ آنها تعیین کردند. بنابراین این مقررات هم با استانداردهای بین المللی مطابقت دارد، هم با حقوق کیفری اسلامی و هم این که فاقد تبعیض جنسیتی است.

## قوانین ایران در رابطه با سن مسئولیت کیفری

### ۱- سیر تاریخی

#### الف) قبل از انقلاب

با تصویب قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴، برای اولین بار سن مسئولیت کیفری در قوانین ایران مشخص شد. در این قانون اطفال زیر ۱۲ سال، در صورت ارتکاب جرم مجازات نمی شدند، بلکه طفل به سرپرستش تحویل داده می شد و از وی تعهدی مبنی بر مراقبت و تربیت کودک گرفته می شد. اطفال ۱۲ تا ۱۵ سال، در صورت ارتکاب جرم به تحمل ۱۰ تا ۵۰ ضربه

شلاق محکوم می شدند. برای اطفال بین ۱۵ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرم، قضات حق داشتند که از مجازات حبس در دارالتادیب تا سقف پنج سال استفاده کنند (ارزنی، ۱۳۸۹).

رسیدگی به جرایم اطفال تا سال ۱۳۳۸ که قانون تشکیل دادگاههای اطفال به تصویب رسید، مطابق قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می گرفت. به دنبال تحولات اجتماعی و صنعتی کشور بتدریج خطر افزایش بزهکاری بخصوص بزهکاری اطفال و نوجوانان احساس شد و برای اصلاح، تربیت، حمایت مجرمان خردسال و پیشگیری از ارتکاب جرم آنان روشهای تازه ای در نظر گرفته شود و به دنبال آنان در آذر ماه ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به تصویب رسید که به موجب آن، حداقل سن مسئولیت کیفری ۶ سال تمام و سن مسئولیت کیفری تام ۱۸ سال تمام تعیین شد (نعیمی، ۱۳۸۲).

طبق ماده ۴ قانون قانون تشکیل دادگاه اطفال، به کلیه جرایم اطفال که سن آنها بیش از ۶ سال تمام و تا ۱۸ سال تمام است در دادگاه اطفال رسیدگی می شود و اطفال تا ۶ سال تمام قابل تعقیب جزایی نخواهند بود. تبصره این ماده می افزاید: «هرگاه قبل از شروع به رسیدگی و یا در حین آن سن طفل از ۱۸ سال تمام تجاوز کند رسیدگی به اتهام او نیز در دادگاه اطفال به عمل خواهد آمد.»<sup>۱</sup> به این ترتیب سن مسئولیت کیفری اطفال به ۶ سال تمام کاهش یافت و رسیدگی به جرایم اطفال زیر ۱۸ سال به دادگاه اطفال انتقال یافت. همچنین بر اساس این قانون، اطفال بین ۶ تا ۱۲ سال در صورت ارتکاب جرم یا به سرپرستان خود تحویل داده می شدند یا برای تادیب به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می شدند و اطفال بین ۱۲ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرم بر حسب جرم یا به اولیاء با اخذ تعهد تحویل داده می شدند، یا بدون مجازاتی خاص به وسیله قاضی سرزنش شده و در مواردی که جرم سنگینی مرتکب شده بودند به زندان کانون اعزام می شدند. البته قانون، قضات را مکلف می کرد که این حکم را فقط درباره کودک بزهکار بالای ۱۵ سال و حداکثر با مجازات حبس تا پنج سال به زندان محکوم کند (ارزنی، ۱۳۸۹).

از آنجا که در ماده یک این قانون آمده بود که «ولی در نقاطی که کانون اصلاح و تربیت مقرر در فصل چهارم این قانون تشکیل نگردیده طبق قانون مجازات عمومی تعیین کیفر خواهد شد.» قانون مذکور به علت عدم تشکیل کانون اصلاح و تربیت و برخی مشکلات دیگر تا سال ۱۳۴۵ بلااجرا باقی ماند. در این سال اولین دادگاه اطفال در تهران شروع به کار کرد و در سال ۱۳۴۷ نیز نخستین کانون اصلاح و تربیت گشایش یافت. به دلیل فقدان محاکم اطفال در بعضی شهرها و تشکیل مراکز کانون در چند شهر بزرگ مثل تهران و مشهد ترتیب رسیدگی و صدور حکم در مورد جرایم کودکان تا قبل از انقلاب ۵۷ بدین ترتیب بود: ۱- در شهرهایی که فاقد دادگاه اطفال بوده ولی کانون دایر بود، کودکان بزهکار بر اساس قانون تشکیل دادگاه اطفال در دادگاههای جنحه ای محاکمه و به کانون اعزام می شدند؛ ۲- در شهرهایی مثل تهران که هم دادگاه اختصاص و هم کانون اصلاح و تربیت شروع به کار کرده بودند به جرایم اطفال، مطابق قانون تشکیل دادگاه اطفال رسیدگی می شد؛ ۳- در نقاطی که نه دادگاه ویژه اطفال و نه کانون وجود داشت، کودکان و نوجوانان بزهکار مطابق قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ محاکمه و در صورت احراز

<sup>۱</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۴۳۳۱، ۱۰/۱/۱۳۳۸.

مجرمیت به دارالتأدیب هایی که در قسمتی از زندانهای عمومی شهرستانها تشکیل شده و نسبت به زندان مزایایی داشت، هدایت می شدند (غفوری غروی، ۱۳۵۹).

قانون مجازات عمومی مصوب ۷ خرداد ماه ۱۳۵۲ نیز همین روند را در خصوص سن مسئولیت کیفری افراد در سنین مختلف، مشخص کرد و تغییر چندانی نداشت. به موجب ماده ۳۳ از فصل هشتم این قانون، جرایم اطفال در دادگاه اطفال رسیدگی می شود که در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت تشکیل نشده است به این ترتیب عمل خواهد کرد:

۱) در مورد اطفالی که سن آنان بیش از ۶ سال و تا ۱۲ سال تمام است در صورتی که مرتکب جرمی شوند به اولیاء یا سرپرست آنان با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق تسلیم می شوند و در مواردی که طفل فاقد ولی یا سرپرست است و یا دادگاه سپردن طفل را به سرپرست یا ولی او مناسب تشخیص ندهد و یا به آنان دسترسی نباشد دادگاه مقرر خواهد داشت که دادستان طفل بزهکار را به یکی از مؤسسات یا بنگاههای عمومی یا خصوصی که مناسب برای نگاهداری و تربیت طفل است برای مدتی از یک ماه تا شش ماه بسپارد و یا اقدام و نظارت در حسن تربیت طفل را برای مدت مذکور به شخصی که مصلحت بداند واگذار کند. هر گاه سرپرست یا ولی طفل که به او دسترسی نبوده مراجعه نماید دادگاه در صورت احراز صلاحیت وی طفل را با الزام به تأدیب به او خواهد سپرد.

۲) نسبت به اطفال بزهکار که بیش از ۱۲ و تا ۱۸ سال تمام دارند دادگاه یکی از این تصمیمات را خواهد گرفت: تسلیم به اولیاء یا سرپرست یا اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل؛ سرزنش و نصیحت به وسیله قاضی دادگاه؛ حبس در دارالتأدیب از سه ماه تا یک سال و حبس در دارالتأدیب از شش ماه تا پنج سال در صورتی که طفل بیش از ۱۵ سال تمام داشته و جرم از درجه جنایت باشد و دو تا هشت سال حبس در دارالتأدیب اگر مجازات آن جنایت اعدام یا حبس دائم باشد و در این مورد مدت حبس در دارالتأدیب کمتر از دو سال نخواهد بود<sup>۱</sup>.

## ب) بعد از انقلاب

پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، به مرور زمان، کلیه قوانین با مقررات اسلامی تطبیق داده شد که از جمله می توان به تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۲۱ مهر ۱۳۶۱ اشاره کرد. بر اساس ماده ۲۶ قانون سال ۱۳۶۱ که عیناً در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) تکرار شده است؛ «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالافتضاء قانون اصلاح و تربیت می باشد.» تبصره ۱ این ماده می افزاید: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.» و طبق تبصره ۲ «چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب بشود، عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداء آن به عهده ولی طفل می باشد.» در ادامه تبصره ۳ مشخص می کند

<sup>۱</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۸۲۸۱، ۱۳۵۲/۴/۵.

که «در جرائم مهمه هر گاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به کیفیتی باشد که دیه به آن تعلق نگیرد.»<sup>۱</sup>

بنابراین سن مسئولیت کیفری در این قانون مطابق سن بلوغ شرعی تعیین شده است. البته در قانون مجازات اسلامی، حد بلوغ شرعی تعیین نشده و در این خصوص باید به مقررات قانون مدنی مراجعه کرد. براساس تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۷۰) سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است. «چنانکه مشاهده می شود در این قانون، دختران به محض رسیدن به ۹ سال قمری (۸ سال ۹ ماه شمسی) و پسران به ۱۵ سال قمری (۱۴ سال و ۷ ماه شمسی)، از مسئولیت تام کیفری همچون بزرگسالان برخوردار می شوند به طوری که اطفال بزهکار زیر ۱۸ سال که به سن بلوغ مقرر شده در این قانون برسند حتی به مجازات های سنگین هم چون حبسهای طولانی یا اعدام هم محکوم می شوند. مدت آزمایشی اجرای این قانون در سال ۱۳۶۶ به اتمام رسید و اجرای آن برای پنج سال دیگر توسط شورای عالی قضایی سابق تمدید شد. همان طور که گفته شد ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی (از باب چهارم، حدود مسئولیت جزایی، مصوب ۱۳۷۰) مشابه ماده ۲۶ قانون سابق بوده و تنها در تبصره ۲ این ماده تغییرات جزئی به وجود آمده که براساس این تبصره: «هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان مصلحت باشد.»<sup>۲</sup>

در سال ۱۳۷۸ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری به تصویب رسید که به موجب ماده ۲۲۰ در فصل پنجم (ترتیب رسیدگی به جرائم اطفال) از باب دوم (کیفیت محاکمه)؛ «در هنگام رسیدگی به جرائم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد.» تبصره همان ماده می افزاید: «به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می شود.»<sup>۳</sup> به این ترتیب، از سال ۱۳۷۸ اطفال بزهکار زیر ۱۸ سال در دادگاه اطفال محاکمه می شوند.

در سال ۱۳۸۲ لایحه «رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان»<sup>۴</sup> از سوی قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی ارائه و در شور اول مجلس به تصویب رسید اما مراحل بعدی آن تا به امروز مسکوت مانده است. بر اساس ماده ۱ این قانون «دادگاه اطفال و نوجوانان از یک قاضی و دو مشاور تشکیل می شود.» و در ماده ۲ نیز آمده «... مشاوران از بین شخصیت های علمی، فرهنگی، دانشگاهی، اداری اعم از شاغل یا بازنشسته یا معتمدان محل که به امور اطفال و نوجوانان آشنا هستند و آگاهی و تجربه کافی داشته باشند، انتخاب می شوند...» به این ترتیب لزوم توجه به شرایط کودکان با اضافه شدن دو مشاور به دادگاه مشخص شده است. از طرف دیگر در مفاد ۲۹ تا ۳۰ به مسئولیت های مختلف کیفری بین ۹ تا ۱۸ سال اشاره شده است. یعنی به نوعی به واسطه این لایحه نگاه به

<sup>۱</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۱۰۹۸۸، ۱۳۶۱/۸/۲۵.

<sup>۲</sup> - منصور، جهانگیر (۱۳۸۷)، «قانون مجازات اسلامی»، چاپ شصل و دوم، تهران: نشر دیدار.

<sup>۳</sup> - روزنامه رسمی، شماره ۳۶۶۳۹، ۱۳۷۸/۶/۲۸.

<sup>۴</sup> - اینجا را ببینید



کودک یک نگاه مطلق نیست که به محض رسیدن به سن بلوغ بلافاصله مسئولیت تام کیفری پیدا کند. ماده ۲۹ این قانون به مسئولیت کیفری کودکان ۹ تا ۱۲ سال اشاره کرده است: «درباره اطفال و نوجوانانی که سن آنان بیش از ۹ سال و تا ۱۲ سال تمام خورشیدی است، در صورت ارتکاب جرم، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را حسب مورد اتخاذ می کند:

الف. تسلیم به والدین یا به اولیاء و یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل. هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند بر حسب مورد از اشخاص مذکور تعهد به انجام اموری از این قبیل اخذ نماید: ۱. مراجعه به مددکار اجتماعی یا روانشناس و همکاری با آنان؛ ۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی؛ ۳. اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک؛ ۴. جلوگیری از معاشرت طفل یا نوجوان با اشخاصی که دادگاه ارتباط با آنها را برای طفل یا نوجوان مضر تشخیص می دهد و ۵. جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل های معین.

ب. تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با اخذ تعهد به انجام دستورهای دادگاه در موارد زیر: ۱. عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و ۲. عدم امکان الزام والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی به تأدیب، تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.»

ماده ۳۰ قانون مذکور نیز به مسئولیتی که بر عهده کودکان بین ۱۲ تا ۱۵ سال است پرداخته است: «درباره اطفال و نوجوانانی که سن آنان بیش از ۱۲ سال و تا ۱۵ سال تمام خورشیدی است، در صورت ارتکاب جرم، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را حسب مورد اتخاذ می کند:

الف. تسلیم به والدین یا به اولیاء و یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. هرگاه دادگاه مصلحت بداند، می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور تعهد به انجام اموری از این قبیل اخذ نماید: ۱. مراجعه به مددکار اجتماعی یا روانشناس و همکاری با آنان؛ ۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی؛ ۳. اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک؛ جلوگیری از معاشرت طفل یا نوجوان با اشخاصی که دادگاه ارتباط با آنها را برای طفل یا نوجوان مضر تشخیص می دهد و ۵. جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل های معین.

ب. سرزنش و نصیحت بوسیله قاضی دادگاه.

ج. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا یک سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن ۳ سال یا بیش از ۳ سال حبس است.»

تبصره این ماده می افزاید: «در مورد تصمیمات مذکور در بندهای الف و ب مواد ۲۹ و ۳۰ این قانون، دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در تصمیم خود هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند، تجدیدنظر نماید.»

ماده ۳۱ نیز در رابطه با برخورد با کودک بین ۱۵ تا ۱۸ سال است: «درباره نوجوانانی که سن آنان بیش از ۱۵ سال و تا ۱۸ سال تمام خورشیدی است مجازات های زیر اجرا می شود: ۱. حبس در کانون اصلاح و تربیت تا یک سال و یا پرداخت جریمه نقدی تا یک میلیون ریال، در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن تا ۳ سال حبس یا مجازات دیگری غیر از حبس باشد؛ ۲. حبس در کانون اصلاح و تربیت از ۶ ماه تا ۳ سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن ۳ سال یا بیش از ۳ سال حبس باشد و ۳. حبس در کانون اصلاح و تربیت از ۲ سال تا ۸ سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن حبس ابد یا اعدام باشد.»

طبق تبصره ۱ ماده فوق: «هرگاه باتوجه به وضع محکوم علیه و جرم ارتكابی، به جای مجازات حبس یا جریمه نقدی موضوع بند ۱ این ماده، انجام دادن خدمات عمومی مانند آ، ورزش حرفه و فن، کار در مراکز نگهداری معلولان و سالمندان، نظافت و آبیاری درختان و فضای سبز پارکها مناسب باشد، دادگاه می تواند با رضایت محکوم علیه او را به انجام دادن آن خدمات تحت مراقبت مددکار اجتماعی محکوم نماید، مشروط بر آنکه میزان آن برای افراد غیرشاغل بیش از ۸ ساعت کار روزانه و در مورد شاغلان جمعاً بیش از ۱۲ ساعت نباشد. مجموع ساعات خدمات عمومی نباید ماهانه بیش از ۲۴۰ ساعت باشد.» تبصره ۲ می افزاید: «هرگاه محکوم علیه بدون عذر موجه از انجام دادن خدمات عمومی امتناع نماید، دادگاه می تواند پس از دریافت گزارش مددکار اجتماعی، برای بار اول، ساعات کار خدمات عمومی را تا یک چهارم افزایش دهد و در صورت تکرار آن را به خدمات عمومی دیگر تبدیل یا به یکی از مجازات های مندرج در بند ۱ محکوم نماید.» و تبصره ۳ تصریح می کند: «دادگاه می تواند با توجه به وضع محکوم علیه و جرم ارتكابی مجازات حبس یا جریمه نقدی موضع بند ۱ این ماده را به اقامت در محل سکونت در ساعاتی که دادگاه تعیین می کند یا به حبس در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته تبدیل نماید.»

ماده ۳۳ که به جرایم سنگین تر اشاره دارد عنوان می کند: «در جرایمی که مجازات قانونی آن قصاص یا حد است، هرگاه در رشد و کمال عقل مرتکب شبهه وجود داشته باشد دادگاه اطفال و نوجوانان وی را به یکی از مجازات های مذکور در بند ۲ و ۳ ماده ۳۱ این قانون محکوم می نماید.» و تبصره آن می افزاید: «دادگاه اطفال و نوجوانان برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند از نظر پزشک قانونی یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند، استفاده کند.»

پس از آن لایحه «مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص، دیات)»<sup>۱</sup> توسط قوه قضاییه در سال ۱۳۸۶ پیشنهاد شد و در جلسه هیئت وزیران به تصویب رسید و به مجلس ارائه گردید. کلیات این لایحه در تیرماه ۱۳۸۷ در مجلس به تصویب رسید. طی مفاد ۱-۱۴۱ تا ۴-۱۴۲ مطرح شده در فصل چهارم (موانع مسئولیت کیفری)، مبحث اول (طفولیت) لایحه مذکور به سن مسئولیت کیفری کودکان پرداخته شده است.

<sup>۱</sup> - اینجا را ببینید

بر اساس ماده ۱-۱۴۱ «منظور از طفل در این قانون کسی است که به سن ۱۸ سال تمام خورشیدی نرسیده باشد. اطفال به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- نابالغ غیرممیز که به اطفالی اطلاق می‌شود، به سن هفت سال تمام نرسیده باشند؛ ۲. نابالغ ممیز به اطفال دارای هفت سال تمام اطلاق می‌شود که به سن بلوغ نرسیده باشند و ۳. بالغ که به اطفالی اطلاق می‌شود، به سن بلوغ رسیده و کمتر از ۱۸ سال تمام می‌باشند.» تبصره آن می‌افزاید: «سن بلوغ پسر ۱۵ سال تمام و دختر ۹ سال تمام قمری است.»

ماده ۲-۱۴۱ اشاره می‌کند: «اطفال نابالغ در صورت ارتکاب جرم مبرا از مسئولیت کیفری هستند؛ اما اگر طفل ممیز مرتکب جرم شود، تربیت و مراقبت از وی با نظر دادگاه به عهده ولی یا سرپرست قانونی و عندالافتضاء قانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.»

ماده ۳-۱۴۱ که مرتبط با جرایم تعزیری است مطرح می‌کند که «در جرایم تعزیری و بازدارنده مجازات‌های قانونی درباره اطفال بالغ اعمال نمی‌شود و به اقتضای سن آنها، مطابق قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در مورد آنها اتخاذ تصمیم خواهد شد.» و در ماده ۴-۱۴۱ که به جرایم حد مرتبط است آمده است: «در جرایم موجب حد هرگاه اطفال بالغ ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان محکوم خواهند شد. تبصره یک- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند از نظر پزشکی قانونی یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند، استفاده کند.» تبصره یک این ماده می‌افزاید: «دادگاه برای تشخیص رشد کمال عقل می‌تواند از نظر پزشکی قانونی یا از طریق دیگری که مقتضی بداند، استفاده کند.» بر اساس تبصره دو: «مسئولیت اطفال در مورد پرداخت دیه و ضرر و زیان‌های مالی و آثار مدنی مطابق مقررات مربوط است.»

## نتیجه گیری

همان طور که مشاهده می‌کنیم، روند قانون گذاری در ایران به ویژه در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان و حتی کشورهای هم جوار خود از جمله کشورهای آسیای میانه که در شمال ایران واقع هستند، در زمینه سن مسئولیت کیفری کودکان به گونه ای معکوس عمل کرده و به جای آنکه پیش روی داشته باشد راه بازگشت را در پیش گرفته است. به طوری که قانون گذار به جای گام برداشتن در جهت سیاست تربیتی و ترمیمی کودکان که اکنون سیاست به روز قانون گذاری در بسیاری از نقاط جهان است، به سوی سیاست تنبیهی و مجازاتی می‌رود.

به طور نمونه، در قوانین فعلی ایران سن مسئولیت کیفری کودکان به یک باره به سن مسئولیت کیفری تام تبدیل می‌شود. حال باید پرسید آیا می‌توان انتظار داشت که فردی که تا دیروز در مقابل اعمال خود در برابر قانون هیچ مسئولیتی نداشته، درست از امروز آمادگی کامل مسئولیت کیفری را داشته باشد؟

از طرف دیگر، بازهم میان سن مسئولیت کیفری دختران و پسران تبعیض قابل توجهی مشاهده می‌شود و در نظر گرفتن سن بلوغ بر اساس شریعت برای تعیین سن مسئولیت کیفری ظلمی آشکار علیه دختر بچه هاست. در حالی که اهلیت برای مسئولیت

داشتن در مقابل عمل مجرمانه باید با توجه به سن، عقل و اختیار باشد. اما بر اساس قوانین ایران دختران اختیار عمل بسیار محدودتری از پسران دارند. به طوری که اجازه ازدواج آنها با پدرانشان و پس از ازدواج نیز سرپرستی خانواده شان با همسرانشان است. چطور دختری که در سن زیر ۱۳ سال با اجازه پدر و دادگاه می تواند ازدواج کند و پس از ازدواج نیز اختیار زندگی اش با همسر وی است، می تواند مسئول عملی مجرمانه باشد؟ به نظر می رسد قانون گذار به جای به رسمیت شناختن حقوق کودکان و تلاش در جهت پایین آوردن جرایم با تربیت درست کودکان بزه کار، سعی در پاک کردن صورت مسئله دارد و بدون توجه به مبانی لازم برای تحقق مسئولیت کیفری و لزوم توانایی ارتکاب جرم و امکان فرد برای تمیز خوب و بد، سن بلوغ را مبنای مسئولیت کیفری کامل و مطلق دانسته است.

نکته دیگر میزان مجازاتی است که برای کودکان در نظر گرفته می شود. همان طور که مشاهده کردیم مجازاتی که برای کودکان در نظر گرفته می شود، گاهی بسیار سنگین است به طوری که در بحث حدود و قصای کودک زیر ۱۸ سال حتی می تواند به اعدام نیز محکوم شود. این در حالی است که این کودکان گاهی حتی اختیار انجام عمل مجرمانه خود را نداشته و آگاهی از آن عمل نیز برای آنها بسیار جای تردید دارد. بر فرض کودکانی که مواد مخدر حمل می کنند می توانند حتا به اعدام نیز محکوم شوند در صورتی که بسیاری از این کودکان ممکن است به واسطه اجبار و یا با تشویق پدران و یا دیگر اعضای خانواده خود به این کار اهتمام ورزند و حتا مفهوم عملی که انجام می دهند را درک نکنند. حال این سوال را می توان مطرح کرد که آیا اراده آگاهانه و توانایی تصمیم گیری برای کودک در سن ۹ سالگی برای دختران قابل تصور است؟

در این راستا به نظر می رسد تصویب لایحه رسیدگی به جرایم اطفال بتواند گامی مهم در این زمینه محسوب شود و شرایط جدید را نسبت به قوانین پس از انقلاب در ایران ایجاد کند. اگر چه این لایحه خالی از اشکال نیست اما به دلیل آنکه کودک به تدریج دارای مسئولیت کیفری می شود، میان دختران و پسران در این امر تبعیض وجود ندارد و همچنین توجه به بازپروری کودک به جای تنبیه وی، می تواند گامی به سوی نظام های نوین کیفری بردارد.

## منابع فارسی:

- حجتی، مهدی (۱۳۸۹)، «سن مسئولیت کیفری اطفال در حقوق ایران و جمهوری آذربایجان و تطبیق با اسناد بین المللی»، آفتاب، ۱۹ اردیبهشت.
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۴) «سن مسئولیت کیفری اطفال در مقررات حقوق داخلی و بین المللی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق، بهار.
- علی کرمی، لیلا (۱۳۸۹)، «مسئولیت حقوقی اطفال در حقوق ایران»، مقاله ارائه شده به کنفرانس حقوق کیفری و حقوق کودکان (برگزار کننده: موسسه انگلیسی حقوق بین الملل و حقوق تطبیقی در لندن)، خبرنامه گویا، ۹ تیر.
- غفوری غروی، سید حسن (۱۳۵۹)، «انگیزه شناسی جنایی»، تهران، دانشگاه ملی ایران.
- نعیمی، لیلا (۱۳۸۲)، «مسئولیت کیفری اطفال از دیدگاه مکاتب مختلف»، ندای صادق، شماره ۳۲، زمستان: ۸۰-۱۱۱.

## منابع لاتین:

- Cipriani, Don (2009). *Children's Rights and the Minimum age of Criminal Responsibility: a global perspective*, Farnham (England), Ashgate Publishing Ltd
- The African Child Policy Forum (2007), *A case for raising minimum age of criminal responsibility*, May: [http://www.africanchildforum.org/Documents/age\\_of\\_cri\\_response.pdf](http://www.africanchildforum.org/Documents/age_of_cri_response.pdf)
- UNICEF (2005), *SOUTH ASIA AND THE MINIMUM AGE OF CRIMINAL RESPONSIBILITY: Raising the Standard of Protection for Children's Rights*.
- Urbas, Gregor (2000) *The Age of Criminal Responsibility*, Australian Institute of Criminology, No.181, November.